

# نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۴۰۲، پنجشنبه اول شهریور ۱۳۹۷ - ۲۳ اوت ۲۰۱۸

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

**در این شماره می خوانید:**

حکم شلاق بر پیکر یک معلم، نهایت درماندگی رژیم - زینت میرهاشمی ... ص ۲

اجباری که روحانی را به تلویزیون کشاند - منصور امان ... ص ۳

یک جنبش غیر رفرمیستی - منصور امان ... ص ۴

به یاد صمد - امیر پرویز پویان ... ص ۷

کاهش ارزش حقیقی دستمزد پایه در سال ۹۷ - زینت میرهاشمی ... ص ۹

نامه مریم اکبری و گلرخ ایرایی به مناسبت سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی ... ص ۱۱

نامه آرش صادقی همسرش گلرخ ایرایی: به ایستادگی ات افتخار می کنم ... ص ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت (مرداد ۹۷) - کامران عالمی نژاد ... ص ۱۳

کارورزان سلامت (مرداد ۹۷) - امید برهانی ... ص ۱۸

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری ... ص ۲۴

چالشهای معلمان در مرداد ماه (۹۷) ... ص ۲۹

رویدادهای هنری (مرداد ۹۷) - فتح الله کیائیهها ... ص ۳۳

این سالها - م. وحیدی ... ص ۳۷

ناقوس - م. وحیدی (م. صبح) ... ص ۳۹

بحران بی آبی و جنبش تشنگان در مرداد ۹۷ - زینت میرهاشمی ... ص ۴۰

پاییز داغ - برگردان: پویش خاوری ... ص ۴۳

اصلاحات قانون اساسی در کوبا: ده پرسش کلیدی - برگردان: بابک ... ص ۵۰

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مرداد ۱۳۹۷ - زینت میرهاشمی ... ص ۵۴

حقایقی که حسن روحانی نمی خواهد و نمی تواند بیان کند! - مهدی سامع ... ص ۷۲

کنوانسیون حقوقی دریای خزر و حکومت در حال سقوط - زینت میرهاشمی ... ص ۷۴

عمق دریا را بر باد دادند - زینت میرهاشمی ... ص ۷۵

"فساد سیستمی" نام دیگر سیستم خامنه ای - منصور امان ... ص ۷۶

شهدای فدایی در شهریور ماه ۷۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»  
 «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## حکم شلاق بر پیکر یک معلم، نهایت درماندگی رژیم

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۲۱ مرداد



بر بستر خشم روزانه مردم در کف خیابان یک واقعیت ژرف از عمق جامعه به سطح فوران کرده است. سردادن شعارهای ضدحکومتی از طرف هزاران نفر در ورزشگاه الغدیر در اهواز و طنین شعارهای مرگ بر دیکتاتور، آخوند برو گمشو و... از جانب جوانان در ورزشگاه آزادی در روز آدینه ۱۹ مرداد، و دهها حرکت اعتراضی به شمول جنبش سراسری کامیونداران، نشان داد که همه جای ایران زمین برای رژیم

ولایت فقیه نا امن است. دیکتاتوری حاکم بر کشور تنها در میان چوبه های دار، تخت شلاق و دیوارهای قطور زندان احساس امنیت می کند. رژیم طی چهار دهه، همه ابزارهای سرکوب را برای امنیت رژیم ولایت فقیه و در راس آن خلیفه ارتجاع به کار گرفته است. شکنجه، اعدام و قتل عام آزادیخواهان، شلاق بر پیکر کارگران و معلمان و اعمال وحشیانه ترین تبعیضهای جنسیتی، ملی، مذهبی و قومی، تاریخ خونین اما گرانبهایی را به ثبت رسانده است. این تجربه در رسا شدن صدای زندانیان سیاسی مثل زنان دلاوری چون گلرخ ایرایی، مریم اکبری منفرد و آتنا دائمی و مردان دلیری چون آرش صادقی، سعید شیرزاد، بهشتی لنگرودی و ... که از پشت دیوار ضخیم زندان با جنبشهای مردمی پیوند عمیق و تاثیرگذار داشته، محسوس و پژواک این صدای آزادیخواهی در خیزشهای مردمی شنیده می شود.

استقبال با شکوه مردم از وکیل آزادیخواه، زندانی سیاسی عبدالفتاح سلطانی در بزرگداشت هما سلطانی دختر وی، گسترش تنفر نسبت به حکم ضد بشری شلاق و زندان برای محمد حبیبی، معلم آزادیخواه و عدالت طلب، یا انتشار بیانیه های مختلف در داخل و خارج از ایران در محکومیت این حکم بی شرمانه گواهی ناکامی استبداد در استفاده از حربه سرکوب برای خواباندن صدای حق طلبانه و آزادیخواهی مردم ایران است. بدون شک همان طور که شلاق بر بدنهای کارگران مانع گسترش حرکتیهای اعتراضی کارگران نشد، حکمهای سنگین هفتاد و چهار ضربه شلاق و ده سال و نیم زندان برای محمد حبیبی، صدای حق طلبی معلمان و فرهنگیان را خاموش نخواهد کرد و برعکس، تداوم خیزشهای مردمی همراه با حرکتیهای اعتراضی، آغاز پایان رژیم را نوید می دهد.

در امتداد خیزشهای گسترده جوانان معترض باید برای پذیرش تقاضای جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر، برای سفر به ایران و بازدید از زندانها و گفتگوی بدون حضور ماموران با زندانیان سیاسی به جمهوری اسلامی از طریق نهادهای بین المللی فشار وارد آورد. واقعیت این است که «کوشش» آقای جاوید رحمان جانشین زنده یاد عاصمه جهانگیر، برای «تطابق کامل» جمهوری اسلامی «با تعهدات بین المللی حقوق بشری» در قد و قواره رژیم ولایت فقیه نمی گنجد همان طور که تاکنون گزارشگران مستقل سازمان ملل در زمینه بررسی حقوق بشر موفق به دیدار از ایران نشده اند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی  
 زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

## اجباری که روحانی را به تلویزیون کشاند

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۷ مرداد

حُجّت الاسلام حسن روحانی در مُصاحبه تلویزیونی خود اگرچه حرفی برای گفتن نداشت، اما برگزاری این نمایش در خود، یک حرکت سیاسی و بازگو کننده دو هدف روشن بود که یکی به "نظام" خدمت می کند و دیگری به شخص آقای روحانی و جناحش!

پدیدار شدن حُجّت الاسلام روحانی در نقش دلال خُرده پای "نظام" و کوشش عرق ریز برای نشان دادن تصویر بهتر و با ثبات تری از جنس بُنجَل و بُحران زده جمهوری اسلامی، واکنشی دفاعی در برابر موج خیزشهای توده ای در سراسر کشور است. گفتار درمانی او، سرکوب غریبان خیابانی را تکمیل می کند و به تدبیرهای امنیتی حُکومت برای خفه کردن صدای جامعه مضمون و عملکردی مُرکب می دهد که می بایست با بخش پیشتاز و مُصمم اعتراضها به گونه سخت و با بخش مُردد، مُحافظه کار یا مُنتظر با سلاح نرم روبرو شود.

با ارایه گلکسیونی از وعده ها و ژستها برای خام کردن مخاطبانش، آقای روحانی به رویارویی نرم با جامعه مُعترض رفت. او از آستین هر آنچه که به گوش دلنشین می رسید را برای هر آن کس که خریدار بود، عرضه کرد. او وعده قیمت "مُتعادل و حتی ثابت" برای کالاهای اساسی را داد، از تصمیم به گُمک به "اقتدار کم درآمد" گفت و در اُفق نزدیک "افزایش تولید و اشتغال" را ترسیم کرد. رییس جمهور مُلاها همچنین فراموش نکرد که برای آرام ساختن اذهان به جوش آمده، مُهمل تکراری و فراجناحی "مُبارزه با فساد" را نیز به این همه بیافزاید.

دُومین هدف از نمایش تلویزیونی دوشنبه را اما حقیقتی ساده و تک یاخته تشکیل داده و آن بقا است. آنچه که آقای روحانی پیرامون موقعیت بین المللی مُناسب حُکومت، غیرموثر بودن تحریمها، پُشتیبانی چین و روسیه و اروپا و نفی مُذاکره با آمریکا به زبان آورد، نجات خود و جناح میانه حُکومت را نشانه گرفته بود.

پس از شکست "برجام" که روزنه وُرود این جناح به دایره قُدرت و ثروت و تنها میدان نقش آفرینی آن در این پهنه بود، آقای روحانی و دوستان برای باند حاکم فقط دارای مورد مصرف محدودی هستند که بیشتر نه در دایره ضرورت، بلکه در چارچوب مصلحت می گنجد. معنای مادی این تحوُل، بُر خوردن دوباره کارتها زیر "خیمه نظام" و کاهش نُفوذ و میزان تاثیرگذاری جناح بخت برگشته ی "برجامی" است. آنها همانطور که می توانند رُل پادو و تدارکچی را برای باند حاکم ایفا کنند، با این تهدید روبرو هستند که به نقش بُز قُربانی نیز فرو برده شوند.

تاکتیکی که "نظام" و رییس جمهورش با آن به رویارویی جُنُبشهای اعتراضی آمده اند، کُهنه و به دورانی تعلق دارد که جامعه روند رویدادها را جهت نمی داد و رویکردهای حُکومت را زیر تاثیر خود نمی گرفت. مُعادله تغییر یافته و اکنون این توده خیابان و کارخانه، مدرسه و مزرعه است که "نظام" ناچار است خود را با آن تنظیم کند. آمدن آقای حسن روحانی به تلویزیون یا عُدُرخواهی آقای مُحمد خاتمی، خود شاهدهی از این اجبار است.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard\_khalgh

[https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

# یک جنبش غیر رفرمیستی<sup>۴</sup>

منصور امان

جنبش اعتراضی بدون توقف همچنان در حال پیشروی است. یک خیزش سراسری در ماه گذشته (مرداد)، روندی را که ماههاست علیه حاکمیت به جریان افتاده، ثبات بیشتری بخشید و پای آن به مثابه یک فاکتور اصلی در میدان تحولات را سفت تر کرد. پیوستگی زنجیره وار حرکت‌های توده ای، نیروی محرک خود را فقط از شدت بحران اقتصادی و اجتماعی و تحمل ناپذیری شرایط زیست و کار انبوه معترضان کسب نمی کند، بلکه همزمان خواست چشم پوشی ناپذیر به تغییر این شرایط و مبارزه جویی علیه عامل شکل گیری آن نیز در نهاد اعتراضها پرورش یافته است.

## جنبش خود را معرفی می کند

این ویژگی، به اعتراضهای کنونی با وجود مبنای اقتصادی - معیشتی آن و پایگاه طبقاتی نیروهای اصلی اش (کارورزان، بیکاران، تنگدستان)، ماهیتی غیراکنومیمیستی بخشیده است و آن را به جنبشی با سوبه های قوی سرنگونی طلبی بدل ساخته است. مرزهایی که اعتراضها علیه گرانی، بیکاری، نبود آب و برق، گردوغبار، چپاول پس اندازها و جز آن را از خواسته های سیاسی جدا می کند، با هر روز که از تداوم جنبش می گذرد، کمرنگ تر شده و فاصله دورتری از حرکت آن می یابد. در ذهن کسانی که به خیابان هجوم می آورند، احساس و خواست سرکوب شده برای رهایی از آثار سلطه و تنظیمات رژیم ولایت فقیه، به محرکی نیرومند برای براندازی خود آن بدل گردیده است.

این امر خود را از یکطرف در آن دسته از شعارهای مشترکی که معترضان در سراسر کشور فریاد برمی آورند و از طرف دیگر در اشکال مبارزاتی که علیه دستگاهها و نیروهای سرکوب حکومتی به آنها توسل می جویند، به نمایش می گذارد. گویاترین شعار برای شناسایی درجه پیشروی جنبش در فریادهای "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای" بازتاب یافته است؛ شعارهایی که بخش تفکیک ناپذیر هر اعتراض توده ای خیابانی با هر سرچشمه اقتصادی یا اجتماعی را تشکیل می دهد. ندای مشترک و ثابت دیگری که از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب شنیده می شود، لشکرکشی حکومت در سوریه و لبنان و غزه را هدف گرفته. این امر مرزهایی که جنبشهای اعتراضی را از حکومت جدا می کند را هر چه عمیق تر به درون "عمق استراتژیک" و نقشه ها و برنامه های کلان آن کشانده است. با توجه به نقش حیاتی سیاست خارجی مداخله گرانه و تجاوزکارانه "نظام" در ثبات و بقای آن، به خوبی پیداست که صف آراییی در برابر سیاست مزبور به خودی خود ماهیتی ثبات شکن و براندازانه دارد.

گرایش توده به سوی شعارهایی که آن را به رویارویی مستقیم با حکومت می کشاند، تصادفی نیست بلکه نخست، برآمده از آگاهی اولیه نسبت به منشا دشواریهای خود است و سپس، سر باز زدن از تحمل بیشتر این شرایط را در نهاد دارد. این صف بندی بیان تضاد منافع آشتی ناپذیری است که چونان خطی قرمز مردم با خواسته ها، نیازها و آرزوهای شان را از حکومت با مصالح، امنیت، نقشه ها و نمایندگانش جدا می کند.

## دریافت پیام سرنگونی

هیچکس بهتر از دستگاه حاکم که آماج جنبشهای اعتراضی قرار دارد و مساله بقا و حفظ قدرت در مرکز توجه و فعالیت آن قرار دارد، نمی تواند ماهیت و سمتگیری آنچه که بر سطح زندگی اجتماعی در جریان است را ارزیابی و تفسیر کند.

در همین رابطه آقای خامنه ای پیامی را به گونه وسیع منتشر ساخته که در آن ابتدا به یک مخاطب مجهول و در حقیقت به طیف میانی و بدنه حکومت می گوید "نسبت به اوضاع ما اصلاً نگران نباشید" و سپس از موضعی تدافعی اصرار می ورزد: "هیچکس هیچ غلطی نمی تواند بکند. مطمئن باشند. هیچ تردیدی در این جهت وجود ندارد. این را به همه بگویید."

آقای روحانی نیز در تلویزیون دولتی در برابر تهدید سرنگونی گارد گرفته: "هیچ نگرانی از امنیت نظام ندارم. اینها حرفهای خیلی کودکانه ای است که چهار نفر در آمریکا که با یک مشت تروریست در تماس و رابطه هستند، مطرح می نمایند." به همین گونه آقای محمد خاتمی به صدای خیابان واکنش نشان داده: "یکی از القاتل خطرناک این است که نظام جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است. این یک جنگ روانی است و نظام فرو نمی پاشد، زیرا علاوه بر ابزارهای مختلفی که برای حفظ خود دارد، همچنان در میان بخشهای قابل توجهی از جامعه پایگاه دارد." آقایان خامنه ای، روحانی و خاتمی بدینگونه با طرح مساله سرنگونی به عنوان چالشی که نیازمند برخورد سلبی (رد، انکار یا منتفی دانستن) است، اعتراف می کنند که "نظام" به گونه واقعی با این تهدید روبرو گردیده. تفسیر آنها از جهتگیری اعتراضها و فضای تغییر در جامعه، همان عاملی است که واکنش شان در برابر فروپاشی را برمی انگیزد و شکل می دهد

### ناباوری به اصلاح

سمتگیری فراگیر خواسته های معیشتی به صف بندی علیه حکومت بیان یک واقعیت دیگر نیز هست و آن ناباوری جامعه معترض به امکان اصلاح شرایط و بهبود وضعیت خود در چارچوب مناسبات موجود است. معترضان حل مشکل گرانی یا گرسنگی را به محورهای سیاسی همچون سرکوبگری و فساد حکومت و ماجراجوییهای خارجی آن پیوند می زنند چون چشم امید از اصلاح جداگانه امور به وسیله قانون و اقدامات اداری بریده اند و به تجربه دریافته اند که چنین انتظاری بیهوده است. روند رو به قهقرای زندگی طی چهار دهه حاکمیت استبدادی - مذهبی و باندهای رنگارنگ آن، جامعه را به این یقین رسانده که باید فرای نمایشات انتخاباتی و ساختارهای پوشالی رسمی، خواستش را به زبان آورد و اراده اش را آشکار ساخته و تحمیل کند. مردم معترض توقع به بهبود شرایط زیست و کار خویش بنا به خواست و اقدامات حکومت و وعده های این یا آن دسته بندی درونی اش را به گونه بازگشت ناپذیر کنار گذاشته اند و این درک را به صریح ترین بیان ممکن در شعار "اصلاح طلب، اصولگرا - دیگه تمومه ماجرا" به صورت حاکمان کوبیده اند.

قُطب جامعه، قُدرت مُستقلی که تمام سیاستهای سرکوبگرانه یا فریبکارانه حکومت در چهل سال گذشته برای خاموش و آرام نگه داشتن آن طرح و اجرا شده، به سُخن درآمد و فراسوی باندهای حکومتی و منافع دسته بندیهای اصولگرا، میانه و اصلاح طلب، گرد مطالبات خود جُنُبش گرفته است. طبقات و قشرهای معترض با تبدیل به قُطب اصلی در مُوازنه اجتماعی، آرایش سیاسی دیرینه را برهم زده اند و بخشی از بازیگران آن همچون "اصلاح طلبان" و "اعتدالیون" را بی مصرف و محکوم به زوال ساخته اند.

این یک تحوُل مُهم با پیامدهای سنگین برای حکومتی مُستبد و ستمگر است که آماج بی واسطه مطالبات جامعه قرار می گیرد و غریبان و بدون برگ انجیر "اصلاح پذیری" ناچار به روبرو شدن و مُدیریت خواسته های فزاینده ای گردیده که نه می خواهد و نه قادر است برآورده سازد. بخش غالب گِیج سری حکومت، باندهای درونی و مُدافعان شرمگین بیرونی آن پیرامون چگونگی برخورد با شرایط تازه و راه حل‌های عقیم و مُضحک آنها برای فرستادن مردم معترض به خانه، از شکل گیری چنین شرایطی در صحنه اجتماع ناشی می شود.

## راه‌های حُکومت

همزمان با موج تازه‌ای از اعتراض‌های سراسری در مُرداد ماه، حُکومت با طرح‌ها و نُسخه‌های چندگانه که آشکارا مولود دستپاچگی و فشار جُنُبش‌های اعتراض‌های است، در برابر مُعترضان پدیدار گردید. رهبران باندهای حُکومتی، آقایان خامنه‌ای، روحانی، خاتمی در همان حال که درست در دست یکدیگر روی خط گُفتمان امنیتی حاکمیت مبنی بر تقسیم مُعترضان به اغتشاش‌گر و مُنتقد و بخش بندی سرچشمه خواسته‌های شان به انتظار داخلی و پول و تحریک خارجی حرکت می‌کنند، همزمان به آنها وعده بهبود شرایط را می‌دهند. ویژگی مُشترک این راه‌ها نَخست، عقب بودن از خیابان و سطح اعتراضات مردُم و سپس، فریبکاری و اقدامات نمایشی به جای تغییر واقعی ریل سیاست و اقتصاد است. طرح تغییر چند مسوول دولتی که باندهای حُکومتی مایلند با بوق و کرنا آن را به عنوان یک تحوُل مُهم به مردُم بقبولانند، برجسته‌ترین اقدام سیاسی "نظام" برای پاسُخ به بُحران کُنونی است؛ یک راه حل ارزان و بی‌خطر برای نمایش تغییر، بدون دست زدن به چارچوب‌های سیاسی و اقتصادی ضد مردُمی و ناعادلانه‌ای که مُهره‌ها و مُجریان در دایره آن عمل می‌کنند.

راه حل دیگر حاکمیت حتی از این نیز عقیم تر است و آن را مُستقیم از بایگانی ترفندهای لو رفته اش بیرون آورده است. اُتاق فکر "نظام" برای فرونشاندن آتش خشم جامعه نسبت به شکاف نفرت انگیز و عمیق طبقاتی، بُحران فلاکت و گُرسنگی و نیز چپاول بی پروای ثروت و داریب‌های همگانی و اشرافیت مُتورم حُکومتی، آن را با نفس چرکین "مُبارزه با فساد" فوت می‌کند. این در حالی است که جامعه شاهد دوره‌های موسمی پُرشماری از "مُبارزه با فساد" به سبک رژیم ولایت فقیه بوده، بدون آنکه تغییری مُثبت و لمس پذیر را در شرایط زیست و کار خود احساس کرده باشد. تنها تغییر واقعی، سر برآوردن فساد در ابعادی کلان تر و با چهره‌ای کُریه تر پس از پایان هر دوره فساد ستیزی حاکمیت بوده است. در همین حال ترفند مزبور در شرایط بُحرانی کُنونی، دو منظور دیگر را نیز برای حُکومت برآورده می‌کند: ۱- سرکوبی اعتراض‌های بازار و فعالان اقتصادی زیر این پوشش. ۲- افکندن بار مسوولیت فروپاشی اقتصادی به دوش "جمشید بسم الله" ها و "جوان-های-سی ساله".

از نظر کهنگی و تاریخ مصرف گذشتگی، فقط ظهور حُجت الاسلام مُحمد خاتمی با چند راهکار در انبان می‌تواند با جنس اسقاطی "مُبارزه با فساد" رقابت کند. او قافیه بدآهنگی که نزدیک به دو دهه است می‌بافد را اینک شُماره گذاری کرده و به عنوان اشعار جدید عرضه کرده است. چنین می‌نماید که نشستن طولانی مُدت تدارکچی سابق پُشت درب دفتر "آقا"، حساب زمان را از دست او خارج کرده باشد. تیر ۹۷، تیر ۷۸ نیست. ته مانده توهُمی که در آن هنگام نسبت به اصلاح پذیری استبداد حاکم و توانایی "اصلاح طلبان" حُکومتی به انجام چنین مُهمی وجود داشت، سالهاست که سترده شده و جای خود را به آگاهی روشنی داده که عصاره آن در شُعار "اصلاح طلب، اُصولگرا - دیگه تمومه ماجرا" بازتاب می‌یابد. آقای خاتمی و دُکان مربوطه سر جای واقعی خود نشانده شده‌اند و به این واقعیت آزار دهنده با ابراز دُشمنی نسبت به مُعترضان و "اغتشاش‌گر"، "کرکس" و "بی‌ریشه" خواندن آنها اعتراف می‌کنند.

## برآمد

نیروی تغییر به عنوان مُحرک اصلی، جُنُبش‌های اعتراضی را به جلو می‌راند. جامعه موقعیت پیشین خود را از نظر آگاهی سیاسی و زاویه نگاه به رویدادهایی که زندگی اش را تحت تاثیر می‌گیرد ترک گفته و به مؤازات آن گام به گام از دایره نُفوذ سیاسی، ایدیولوژیک و پلیسی - امنیتی حُکومت خارج می‌شود. دستگاه حاکم از این تحوُل بوی سرنگونی را استشمام کرده و فشار آن را حس می‌کند، اما حجم و تراکم نیروی "پایین" هنوز به درجه‌ای نرسیده که آن را وادار به



عقب نشینهای کلان کند. "هنوز" اما به معنای "هرگز" نیست. دینامیسم رشد یابنده اعتراضها حاکمیت را ناچار به گذار از سطح ترفندهای کنونی اش خواهد ساخت. بهترین نشانه برای دریافت ورود آن به این مرحله، دست زدن به برخی گذشتههای اقتصادی است که با توجه به خطری که در کمین "نظام" نشسته، ارزان تر از هر اقدام دیگر برای آن تمام می شود.

دُرست در این نقطه است که رژیم استبدادی مذهبی اما با حرکتی روبرو می شود که برخلاف یک جنبش رفرمیستی آن را نمی توان با چند اصلاح جزئی راضی ساخت و فرو نشاند. اصلاحات حکومت، پتانسیل و امکان براندازی نظم کنونی و اصلاح کلی را برای این جنبش ملموس تر می کند.



۹ شهریور، پنجاهمین سالگرد فقدان زنده یاد صمد بهرنگی

## به یاد صمد

امیر پرویز پویان

این مقاله توسط رفیق امیر پرویز پویان با نام مستعار علی کبیری در آذر ماه ۱۳۴۷ در نشریه شماره ۵ آرش، دوره سوم به چاپ رسیده است.



سالهای سال گرم کار خویش بود. ما چه حرفها که می زدیم. او چه قصه ها که می سرود... «بودن» را برگزیده ایم، اما «چگونه بودن» را کمتر اندیشه کرده ایم. «چگونه بودن» را دانستن، از آگاهی به «چرا بودن» بر می خیزد. و آنان که آگاهی خویش را باور دارند، می دانند که چگونه باید بود؛ که خوب باید بود.

باور داران راستین «تکامل» بی گمان داندگان راستین «چرا بودن» اند. از آن پس «چگونه بودن» پاسخی نخواهد داشت، جز در روند این تکامل، نقشی خلاق و بی شایبه داشتن.

صمد رهرو خستگی ناپذیر این روند بود. بنیانهای جامعه خویش را می شناخت و از تضادی که براین بنیان حکم می راند، نیک آگاه بود.

می اندیشید که تکامل جامعه بشری در استقرار نهادهایی ست که هر گونه تفاوت، زاده روابط اجتماعی را در میان انسانها ناممکن سازد و چشم اندازجامعه ای تهی از نابرابری، صمد را همواره به سوی خود می کشید.

می دانست که شناختن و شناخت خود را باور داشتن، یعنی، نیروی پایان ناپذیر عزم تاریخ و انسان را به هم آمیختن و آن را به خدمت تغییر جامعه خویش در آوردن.

می خواند، می رفت، می کوشید، می دوید، می دید، تجربه می کرد، می شناخت.

از آن گروه معدودی بود که خواندن را با دیدن و تجربه کردن پیوند می دهند. نه شناخت و تجربه دیگر رهروان را آیه ای از سوی خداوندگار می دانست و نه با کج اندیشی اعتبار آن را به هیچ می گرفت تا برای تنبلی و فرصت طلبی توجیهی روشنفکرانه بسازد.

اعتقادی استوار داشت به این که نظر ما تنها در همراهی با شناختن عینی به نیرویی سازنده بدل می شود.

در روستاهای آذربایجان، صمد بیشترین امکان را برای یک شناخت عینی می یافت. هرگز از این اندیشه عدول نکرد که هرگونه تحولی بدون در نظر داشتن نقش اساسی روستاها، بر بنیانی عقیم و ناراست استوار خواهد بود.

بررسی او در هر زمینه ای فرسنگها از مطالعه سترون یک محقق محض، به دور بود. می دانست که شناختن در بسیاری حوزه ها یعنی چشیدن و سهمیم بودن و همین اعتقاد او را از روشنفکرانی که مردم را جز به شکلی مجرد و قلابی دوست نمی دارند، جدا می ساخت.

اکنون صمد رفته است، لیک او به یقین انسانی است که «جاری جاویدان در رویش فرداست».

سوکواران راستین مرگ صمد آنانند که کمتر می گویند، کمتر هیاهو می کنند، لیک می کوشند تا بیشتر بشناسندش.

صمد مُرد بی آنکه بهشت شناخته خویش را تحقق یافته ببیند. همین است که مرگ او را دردناک می کند و باز، همین است که بر قلمرو تعهد دوستانش وسعت می بخشد.

اگر چه بی چیز مُرد، اما برای دوستانش میراثی بر جای نهاد که در هرگام، نشانه راه است. دریافته های صمد دست کم مقدمه ای اساسی بود برای شناخت دیگر وادیهها در کوشش هر انسان شرافتمندی به خاطر بنیاد نهادن دنیایی قابل زیست.

بر مبنای این دریافتهاست که با اعتقاد می گوئیم:

«دیگر بنای هیچ پلی بر خیال نیست

کوته شده است فاصله دست و آرزو»

بکوشیم میراث صمد را بهتر به کار گیریم و برآن بیافزاییم و در این رهگذر، نیک می دانیم که آرزوی صمد انتقال این میراث به تمامی انسانهای ستمدیده روزگار ما بود.

**سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در**

**ایران را به شدت محکوم می کنیم.**



## کاهش ارزش حقیقی دستمزد پایه در سال ۹۷

زینت میرهاشمی

حداقل دستمزد تعیین شده در شورای عالی کار برای سال جاری در پایان سال ۹۶، حدود یک سوم خط فقر در آن زمان بود. وزیر سابق کار، تعاون و رفاه وقت (علی ربیعی) شهادت این رقم را بالاتر از نرخ تورم و مزدی خوب برای مزدبگیران اعلام کرد. در آن زمان تعیین دستمزد پایه هیچ خوانایی با رقم ارائه شده از طرف کمیته دستمزد نداشت و مضحک تر از آن این که بازیگران کمیته مزد، با شعارهای پر سر و صدا با ژست دفاع از حقوق کارگران، رقم ناچیز تعیین شده شورای عالی کار را با امضای خود تزیین کرده و به بردگی کارگران و مزدبگیران برای یک سال دیگر کمک کردند.



اکبر علی پور، رئیس انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو در روز سه شنبه ۲۳ مرداد امسال گفت: «حداقل دستمزد کفاف یک هفته زندگی یک خانواده سه نفره کارگری را نمی دهد.» وی تاکید کرده که «اگر در مزد ۹۷ بازنگری نشود خانوارهای کارگری دچار فروپاشی خواهند شد» (راديو زمانه)

روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، رسول خضری از مجلس نشینان و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ارتجاع در مورد خط فقر گفت: «در یک سال اخیر فقر مطلق در کشور از ۱۲

درصد به ۵۰ درصد افزایش یافته و نرخ خط فقر به نزدیک ۶ میلیون تومان رسیده است.» (خانه ملت)

خیزشهای مردمی و اعتصابهای مطالبه محور کارورزان در شهرهای مختلف که بیان خواسته ها و نارضایتیهای مردم در خیابان است و سقوط ارزش ریال همراه با بالا رفتن قیمت کالاها به شمول مواد غذایی و کالاهای اولیه زندگی، بیان این حقیقت است که افزایش ۱۷ درصدی حداقل مزد تاثیر منفی در وضعیت معاشی نیروهای کار داشته است، چون قدرت خرید مزدبگیران هر روز کاهش پیدا می کند. در رویارویی با وضعیت موجود و فوران خشم مردمی، رژیم دست به عوض کردن یک سری مهره های دولت روحانی زد.

وعده های توخالی مانند ارائه بسته مواد غذایی و یا ثابت نگاه داشتن قیمت مواد اولیه مایحتاج مردم، تاکنون سودی برای مردم نداشته است. موضوع بازنگری و به روز کردن حداقل مزد تعیین شده برای سال ۹۷ یکی از مسایلی است که تا کنون جدی گرفته نشده است. سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرده که از اول شهریور ماه، «سبد غذایی» در بین «اقشار آسیب پذیر» توزیع خواهد شد.

مدیر کل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وعده داده است که جلسه دوم کمیته سه جانبه دستمزد، در اواسط شهریور ماه برگزار خواهد شد. احسان سهرابی، یکی از اعضای هیات مدیره نهاد دست ساخت حکومت به نام شوراهای اسلامی کار، از برگزاری اولین «جلسه ترمیم دستمزد» در شورای عالی کار خبر داد. وی با تاکید بر این که قدرت خرید کارگران ۴۸ درصد کاهش پیدا کرده است نیازهای خانواده کارگری را «۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان» برآورد کرد. از قبل می توان تصور کرد که اگر برای ترمیم مزد پایه مانند روال معمول و بدون حضور نماینده مستقل کارگران تصمیم گیری شود، چیزی دست مزدبگیران را نخواهد گرفت. حتی اگر درصدی هم اضافه شود، تفاوت فاحش ۶ ماه نخستین سال بین دستمزد تعیین شده با نرخ تورم چه می شود؟ از سویی دیگر هر نرخی اعلام شود باز با توجه به این که

قیمتها پایدار نیستند و ارزش ریال همچنان سیر نزولی خواهد داشت، این فاصله مزد با نیازهای زندگی مزدبگیران افزایش خواهد یافت. اگر به گزارش بانک مرکزی در رابطه با افزایش قیمتتها طی چند ماه اخیر هم رجوع کنیم، می توان کاهش قدرت خرید کارورزان را دید. اگرچه داده های آماری بانک مرکزی همواره با واقعیت فاصله زیاد داشته است. بنا بر گزارش بانک مرکزی: قیمت میوه، تخم مرغ، گوشت قرمز و لبنیات نسبت به سال قبل، به ترتیب ۷۱ درصد، ۴۴ درصد، ۳۵ درصد و ۳۳ درصد افزایش پیدا کرده است.

### فشار و سرکوب فعالان کارگری

احضار و بازداشت فعالان کارگری و اعتصاب کنندگان در ماه گذشته همچنان ادامه داشت. این شیوه ضد کارگری برای ایجاد ترس و رعب همچنان از طرف رژیم به کار برده می شود. در بسیاری از حرکتهاى اعتراضی حتا شرکت در اعتصاب به قیمت اخراج از کار برای مزدبگیران تمام می شود. اما بر اساس جمع بندی برخی از حرکتهاى اعتراضی کارگران که در بخش «برخی از حرکتهاى اعتراضی کارگران و مزدبگیران» در همین شماره نشریه آمده است، این شیوه در بازدارندگی کارگران از دست زدن به اعتراض برای دستیابی به مطالبات خود موفق نبوده است.

در ماه گذشته شاهد بودیم:

حکم محمد حبیبی، به ده سال و نیم زندان، ۷۴ ضربه شلاق و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت و خروج از کشور، در بیدادگاه رژیم، مورد اعتراض گسترده ای قرار گرفت. جرم این معلم آزادیخواه، طلب خواسته های خود و شرکت در تجمعهای اعتراضی هم صنفان خود است. روز ۱۴ مرداد، تعدادی از اعضای سندیکای شرکت واحد در تجمع اعتراضی خود برای مطالباتشان دستگیر شدند. این کارگران مدتی بعد آزاد شدند.

دو فعال کارگری در سنندج، به نامهای، ارسطو مرادی از اهالی روستای سرهویه از توابع سنندج و پیمان عبدی در اواخر تیر ماه دستگیر شده اند، خبری از آنها در دست نیست. (منبع: خبرگزاری مرکز دموکراسی و حقوق بشر کردستان پنجشنبه ۴ مرداد)

روز ۱۷ مرداد، تعدادی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به بیدادگاه انقلاب اهواز احضار شدند. این کارگران قبلا با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون ریالی آزاد شده بودند. (منبع: اتحادیه آزاد کارگران)

خلیل کریمی از فعالان کارگری سنندج، به شعبه اول بیدادگاه سنندج احضار شد.

بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کارگرن و کودکان، که مدت ۷ سال حبس کشیده است، بار دیگر روز ۲۶ مرداد ۹۷ همراه با تعدادی دیگر دستگیر شده است.

۵ نفر از کارگران در دومین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در خوزستان، به نامهای کریم آل کثیر، علی آل کثیر، یحیی سعدی، حمزه آل کثیر، فارس سعدی دستگیر شدند. این افراد در اثر پیگیری همکاران خود با تشکیل پرونده قضایی به اتهام اخلاخل در نظم موقتا آزاد شدند.

### کودک کار ۶ ساله

در کنار درج گزارشهای خبری در رابطه با رایج شدن تجاوز به کودکان کار و مرگ و میرهای ناشی از آن، خبر کشته شدن یک کودک کار ۶ ساله هنگام کار در اثر تصادف، پرده ای از فاجعه کاهش سن کودکان کار را نشان داد.

روز ۲۳ مرداد ۹۷، یک کودک کار ۶ ساله از اهالی شهرک طالقانی (کوره) بند ماهشهر، به نام حیدر عسکراوی همراه دو برادرش حین جمع آوری کارتن و پلاستیک در تصادف با اتوبوس جان خود را از دست داد. (ایلنا ۲۳ مرداد ۹۷).

## نامه مریم اکبری و گلرخ ایرایی به مناسبت سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

### نه می بخشیم، نه فراموش می کنیم

گرمای تلخ مرداد ماه در تاریکی شب میان آسمان بی ستاره و زمین خواب آلود شب را از معجون عشق و مرگ سرشار کرده بود و زمزمه های عشق و مقاومت در سایه های شب در آهنگی تلخ و شیرین به گوش می رسید و سرنوشتی ملکوتی در آستانه رویاها در برابر چشمهای جهانیان به رقص درمی آورد.



گل واژه ها قطره هایی بودند که مثل بلور نور سبکبال و بی آلایش از طنابهای دار عبور کردند و مثل شبنمی بر بالای سر برگ تاریخ ایران جوانه زدند. در پس واژه ها نبردی سهمگین در جریان بود. نبردی میان آنان که رسالت شان تجاوز به ناموس واژه ها و ارزشهای انسانی بود با آنان که به احیا کلمات برخاستند و برای حفظ ارزشهای انسانی که مهیبترین نیروی ضد خلق تلاش بر نابودی آن داشت مقاومت کردند و این گونه بود که آنان سربدار شدند تا از حرمت و ساحت کلمات و ارزشها حفاظت کنند.

وقتی برگ برگ تاریخ ایران را ورق می زنیم مرحله ای به پایان می رسد و مرحله ای نوین پدیدار می گردد. انقلاب مشروطه، نهضت جنگل، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب ۵۷، قتل عامهای دهه ی ۶۰ و به ویژه

کشتار تابستان ۶۷ (گورهای دسته جمعی جان باختگان قتل عام ۶۷، خاوران تهران که ۳۰ سال است خانواده ها بدون داشتن نام و نشانی از عزیزان خود هر هفته بر سر مزار شهدا می روند و یا خانواده های عزیز شهرستان که فرزندان خود را در حیاط خانه خود دفن کرده اند) اتفاقات سال ۸۸، وقایع ۶ و ۷ مرداد ۸۸ و... اما تاریخ نشان داد که در هیچ برهه ای از زمان این رشادتها فنا ناپذیر نیستند؛ چرا که در بعد فکری و اندیشه جاودانند نه در بقای جسمانی.

آنان رفتند، اما با خون خودشان سقفهای ناباوری و ناامیدی را از هم شکافتند و به اسارت و بندگی و تسلیم و رذالت در هیچ شرایطی تن ندادند؛ چه در میدان تیر و چه بر بالای چوبه های دار. آنها بهای سنگین آزادی را پرداختند و جریان روشنگر و رشادتهای آنها به رغم همه دسیسه ها و خاکسترهایی که بر سرشان ریختند هر روز و هر لحظه ادامه یافت. فراموشی در همه حال حاضر است و عقب نمی نشیند مگر آنکه به عقب برانی اش، نمی گریزد مگر آنکه بگریزانی اش، چون پیش آید تو را درمانده و ناتوان می سازد. نیرویی که قادر است تو را به نابودی کشد.

رژیم همواره سعی کرده تا تاریخ دهه ۶۰ و کشتار ۶۷ را در اذهان مردم حذف نماید و با عناوین گوناگون سعی در سانسور آن دارد، از تخریب گورهای جمعی گرفته و یا با خطاب قرار دادن قربانیان به نام تروریست و... هر چه بیشتر بر این هدف پای می فشرد؛ غافل از اینکه در تمام این سالها خانواده ها بودند که تلاش کردند این خاطره و تاریخ فراموش نشود و با وجود ابزارهای سرکوب و فضای امنیتی صدای شان را به جهان برسانند.



دیوارهای این اختناق و پنهان کاری با امواج خروشان جنبش دادخواهی فروریخت و نهاد خودکامگی و استبداد سلطنت دینی که کاخ قدرتش را با تکیه بر فقر و فحشا و اختلاس و چوبه های دار بنا کرده به خود لرزید...

حفاظت از تاریخ دهه شصت که بخشی از تاریخ ایران است وظیفه ی هر ایرانی است و باید با بررسی این دهه و محاکمه آمران و عامران آن در دادگاه خلق از تکرار جنایت جلوگیری شود و تا زمانی که تحقیقات مستقل در این مورد انجام نگیرد و عاملان این کشتار محاکمه نشوند از پای نخواهیم نشست؛ نه می بخشیم نه فراموش می کنیم.

مریم اکبری، گلرخ ابراهیمی ایرایی / زندان اوین، مرداد ۹۷



## نامه آرش صادقی همسرش گلرخ ایرایی: به ایستادگی ات افتخار می کنم



هیچ گاه فکر نمی کردم در گرما گرم روزهای داغ مرداد، بهترین و زیباترین روز زندگی ام نهفته شود، روزی که سالها بعد مرا با تو پیوند داد و وجود و زندگی ام را کامل کرد.

در این روزهای سخت که به خاطر چکمه های فاشیسم مذهبی از هم دور گشته ایم نه تنها ناراحتی ای از این دوری ندارم، بلکه به تو افتخار می کنم که همگام و همراه با دیگر زنان سرزمینت، تمام قد،

برای دفاع از انسان و انسانیت ایستاده ای و هیچ چیز دیگری جز این ایستادگی ات نمی تواند مرا در کنار تو اینگونه نگه دارد و با خودخواهی تمام به دوست داشتنت می بالم که تو را برای رسیدن به آزادی در کنار خود دارم. آزادی ای برای تو، برای من و برای تمامی مردم در بند ایران که سالهاست اسیر سیاه ترین فاشیستهای روز زمین گشته اند.

و این زیباترین روز هستی ام همان ۸ مرداد زاد روز کوهی استوار چون توست.

در این روزهای دوری اجباری ولی زیبا، دستانم خالی از هر شاخه گلی ست و تنها و تنها می توانم این روز زیبا را با کلامی ساده به تو تبریک گویم.

زادروزت خجسته

آرش صادقی، زندان رجایی شهر کرج

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>



## دانشگاه در ماهی که گذشت (مرداد ۹۷)

کامران عالمی نژاد

دانشجویان در مرداد ماه در تقابل با رژیم ددمنش جمهوری اسلامی همچنان دلیرانه در برابر تعرضات دست نشانندگان رژیم در دانشگاهها به شمول روسا و دفاتر بسیج و اطلاعات و در کف خیابانها به همراه دیگر اقشار جامعه، بر خواسته های بر حق خود پا فشرده و قدمی پس نگذاشتند.

رژیم جنایتکار ولی فقیه در ادامه پرونده سازی و صدور احکام سنگین قضایی برای دراویش گنابادی و دانشجویانی که در رابطه با تجمع و اعتراض نسبت به محدود کردن اختیارات رهبر و قطب آنها، نورعلی تابنده، در بهمن ماه ۹۶ در خیابان گلستان هفتم دستگیر کرده بود، شمار زیادی از دانشجویان را به زندان و حبسهای تعزیری طولانی مدت محکوم کرد. هدف از این دستگیریها و محکومیتهای در پی آن، خاموش کردن همصدایی دانشجویان با دیگر اقشار جامعه و نیز القای این پندار است که جای دانشجو در دانشگاه است و نباید اعتراضات صنفی دانشجویان به آنطرف حصار دانشگاهها کشانده شود.



شماری از دانشجویان محکوم شده در بیدادگاههای رژیم از این قرار هستند:

زانیار احمدی نیاز ۱۹ ساله، دانشجوی حقوق و حسابداری دانشگاه آزاد تهران، به اتهام شرکت در تجمعات غیرقانونی و اقدام علیه امنیت ملی: هشت سال حبس تعزیری

کسری نوری، از دراویش گنابادی و دانشجوی حقوق بشر ارشد دانشگاه تهران که در جریان درگیری نیروهای سرکوبگر و امنیتی در بهمن ماه سال ۹۶ دستگیر شده بود: ۱۲ سال زندان، ۲ سال تبعید به ثلاث باباجانی، ۷۴ ضربه شلاق، ۲ سال ممنوع الخروجی و ۲ سال ممنوع عضویت در احزاب سیاسی

خسایار دهقان، دانشجوی رشته برق و الکترونیک دانشگاه تهران: اخراج از دانشگاه، ۷ سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق و ۲ سال تبعید

سپیده مرادی، دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس، به اتهام اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور: ۵ سال حبس تعزیری، ۲ سال ممنوعیت و محرومیت از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی، رسانه ها و مطبوعات و همچنین خروج از کشور

محمد شریفی مقدم، مهندس متالوژی از دانشگاه صنعتی شریف و از فعالان دانشجویی و مدافع حقوق کودکان کار، به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، اخراج در نظم، فعالیتهای تبلیغی علیه نظام و تمرد در برابر امر پلیس: ۱۲ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق، ۲ سال محرومیتهای اجتماعی، ۲ سال تبعید به برازجان و ممنوعیت خروج از کشور

### وکیل دانشجویان بازداشتی دی ماه: حرفهای مولوردی نگران کننده است

وکیل دانشجویان بازداشتی با اشاره به اظهارات شهیندخت مولوردی، دستیار حسن روحانی در امور حقوق شهروندی، گفت: "من دیدم که خانم مولوردی گفته اند دولت پیگیری‌هایی انجام داده و ما در مرحله تجدیدنظر نتیجه این پیگیریها را خواهیم دید و این حرف یک مقدار نگران کننده تر است."

امیر رئیسیان توضیح داد: "فرض کنید این پیگیریها در مرحله تجدیدنظر هم هیچ نتیجه ای ندهد و این یعنی ما همه مراحل را به امید پیگیری از دست می دهیم و آنگاه با یک حکم قطعی روبرو خواهیم بود و آن موقع چکار می شود کرد؟" وی افزود: دولت نمی تواند بگوید که ما پیگیری کردیم، ولی در مرحله بدوی امیدی نداریم و پیگیریها در مرحله تجدیدنظر قرار است نتیجه بدهد. این یعنی ما همه احتمالات و شانسها را برای نهایت پرونده بگذاریم، حال شاید نتیجه نداد آنگاه ما با یک حکم قطعی که هیچ کاری نمی توان کرد طرف هستیم."

وکیل دانشجویان بازداشتی به پاسکاری نهادهای حکومتی اشاره کرد و گفت: "وزارت علوم مدعی است که پیگیری کرده است و با دانشجویان یا نمایندگان تشکلهای دانشجویی هم جلساتی را داشته اند، اما اینکه با قوه قضاییه پیگیری کردند و مذاکرات و جلساتی داشته یا نداشته اند، چیزی است که به خود موکلان یا به بنده مستندی ارایه نشده است. مقامات قضایی هم می گویند وزارت علوم پیگیری نکرده و به آنها اعلام نکرده و یا لیست دانشجویان را خواسته اند و وزارت علوم به آنها نداده است."

رئیسیان گفت: "من در حال حاضر وکالت خانم حسین زاده را به عهده دارم و در برخی پرونده های دیگر در مرحله تجدیدنظر اعلام وکالت خواهم کرد."



### نایب رییس شورای صنفی دانشگاه تهران به زندان و شلاق محکوم شد

پدرام پذیره، نایب رییس شورای صنفی دانشگاه تهران، که در روزهای اعتراضات دی ماه سال گذشته بازداشت شده بود، در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه به ۷ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

بازداشت گسترده دانشجویان عضو شوراهای صنفی دانشگاه تهران از جمله پدرام پذیره در پی اعتراضات دی ماه، پس از اتمام جلسه مشترک فعالان دانشجویی با رییس دانشگاه پیرامون دانشجویان بازداشت شده در جریان این اعتراضات صورت گرفت.

آقای پذیره در تاریخ ۲۸ بهمن ماه سال گذشته نیز طی تماس تلفنی جهت تکمیل مراحل بازپرسی به شعبه ۴ دادرسی اوین احضار شده بود. این فعال صنفی روز ۳۰

بهمن ۹۶ در شعبه خواسته شده حضور یافت، ولی به دلیل تغییر قرار کفالت وی به وثیقه، دوباره بازداشت و دو روز بعد با قرار وثیقه آزاد شد.

### تجمع دانشجویان در اعتراض به حذف سهمیه ارزی

روز یکشنبه ۲۱ مرداد جمعی از دانشجویان خارج از کشور در اعتراض به حذف ارز دانشجویی مقابل بانک مرکزی تجمع کردند.



بانک مرکزی اعلام کرده است که دانشجویان ایرانی خارج از کشور دیگر به دلار ۴۴۰۰ تومانی دولتی دسترسی نخواهند داشت.



جمعی از دانشجویان و خانواده های شان یک روز پس از انتشار بخشنامه بانک مرکزی مبنی بر این امر، تکاپو برای برقراری دوباره سهمیه ارزی را شروع کردند. ابتدا در فضای مجازی دیگران را به همراهی خواندند، سپس یک نامه سرگشاده به مسوولان کشور نوشتند و همانجا اعلام کردند که اعتراض خود را تا برقراری دوباره سهمیه ارزی ادامه می دهند.

در نهایت دانشجویان و یا متقاضیان

تحصیل در خارج از ایران، مقابل ساختمان بانک مرکزی تجمع کردند و خواستار اصلاح بخشنامه شدند. مقامهای وزارت علوم و بانک مرکزی تا به حال نسبت به اعتراض متقاضیان سهمیه ارز دانشجویی واکنشی نشان نداده اند.

دانشجویانی که مقابل بانک مرکزی جمع شدند، روز دوشنبه، ۲۲ مرداد دوباره در همانجا اقدام اعتراضی خود را تکرار کردند.

دانشجویان ایرانی خارج از کشور می توانستند با ارایه گواهی اشتغال به تحصیل و ثبت در سامانه های "نشا" و "تاک" که زیر نظر وزارت علوم و امور خارجه بود، با واریز مبلغ معادل ریالی، دوبار در سال، ۶ هزار دلار با نرخ مصوب دولتی دریافت کنند.

### دانشجوی زندانی و درحال اعتصاب غذا لبهائیش را دوخت



روح الله مردانی، دانشجوی رشته ادبیات دانشگاه تهران، از ۴ اردیبهشت سال جاری در اعتراض به بازداشت خود دست به اعتصاب غذا زده است و اکنون در ادامه این اعتراضات لبان خود را دوخته است.

آقای مردانی معلم مشاور در ناحیه چهارم کرج نیز می باشد. او در تاریخ ۲۸ بهمن سال ۹۶ به دست نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده است. اتهامی که به وی نسبت داده شده

"اقدام علیه امنیت ملی و تبانی علیه نظام" است. وی از سوی قاضی صلواتی به شش سال زندان و دو سال محرومیت اجتماعی محکوم گردیده است.

این دانشجویان در اعتراضات قیام دی ماه در مقابل ماموران امنیتی که قصد ورود به دانشگاه را داشتند، همراه با دیگر دانشجویان در برابر این هجوم مقاومت می کرد.

شایان ذکر است روح الله مردانی در پی اعتصاب غذای طولانی به مشکلات جسمی چون سرگیجه، ضعف عمومی و درد کلیه مبتلا شده، اما مقامات امنیتی-قضایی از رسیدگی به اعتراض و فراهم کردن امکانات درمانی مناسب خودداری می کنند.

### مشروط شدن دانشجویان معترض دانشگاه اسلام آباد غرب

از مدتها قبل دانشجویان دانشکده فنی مهندسی رازی واحد اسلام آباد غرب کرمانشاه با مشکلات صنفی متعددی دست به گریبان هستند و همین مساله باعث شد که آنها بارها به این موضوع اعتراض کنند، اما به هیچکدام از خواسته های آنها ترتیب اثر داده نشد.

مسوولان دانشگاه قول دادند که مشکلات را برطرف کنند و شرایط دانشجویان را تا حد ممکن بهبود ببخشند، اما مشکلات ادامه پیدا کرد تا اینکه دانشجویان دست به بایکوت امتحانات زدند.

یک فعال دانشجویی دانشکده فنی مهندسی دانشکده اسلام آباد غرب دانشگاه رازی می گوید: "بعد از گذشت دو ماه از بحران دانشکده فنی مهندسی اسلام آباد غرب با وجود بازتاب رسانه ای شدید و تحریم کلاسهای آموزشی و کارگاهی و در آخر تحریم امتحانات توسط تعداد زیادی از دانشجویان، این انتظار می رفت که مسوولان دانشگاه و مسوولان محلی درصدد برطرف کردن بحران و پیگیری مطالبات به حق و دور از هرگونه بحث سیاسی دانشجویان باشند، اما تاکنون نه تنها هیچ گونه اقدامی از سوی آنها مشاهده نشده، بلکه شاهد بی احترامی از سوی مسوولان محلی هستیم."

این دانشجویان افزود: اقدامی که بیشتر از همه به این بحران دامن می زند، مشروط شدن دانشجویانی است که در این دانشکده درس می خوانند. این اقدام نه تنها باعث کاهش مشکلات موجود نشده؛ بلکه دانشجویان را مصر برای برگزاری تجمعات و اعتراضات مقابل فرمانداری اسلام آباد، دانشگاه رازی کرمانشاه و وزارت علوم در تهران کرد.

وی گفت: "این اعتراضات دانشجویی یک نتیجه مهم به دنبال داشت و آن هم این بود که رشته های دانشکده فنی و مهندسی اسلام آباد غرب از دفترچه کنکور سراسری ۹۷ حذف شود. در واقع این دانشکده در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ شاهد دانشجویان ورودی جدید نخواهد بود."

### اخراج یک دانشجو از دانشگاه به دلیل باور بهایی

رومینا عسگری، شهروند بهایی پس از ۴ ترم تحصیل در دانشگاه آزاد واحد تهران، اخراج شده است. او نامه ای دریافت کرده که در آن دلیل محرومیت از تحصیل را "رفتار ناهنجار اجتماعی و تلاش برای از بین بردن نظم، آرامش و امنیت کشور" قید کرده اند.

عسگری در ۶ ماهه گذشته در دانشگاه نبوده و یک ترم مرخصی تحصیلی داشته است.

در قوانین جمهوری اسلامی قانون مدونی برای ممانعت از تحصیل بهاییان وجود ندارد. به همین خاطر ثبت نام نکردن آنها در مراکز آموزش عالی یا اخراج شان از دانشگاهها زیر عنوان دروغ یا ساختگی انجام می شود. همچنین گاه دانشجویان



بهبایی تحت فشار گذاشته می شوند تا خودشان فرم انصراف از تحصیل را پر کنند. پاییز سال ۹۶ منابع نزدیک به بهاییان گزارش دادند که بیش از ۱۰۰ جوان بهایی که در کنکور آن سال قبول شده بودند، در مرحله انتخاب رشته با عبارت "نقص پرونده" روبرو شده اند. به آنها پس از مراجعه به سازمان سنجش آموزش کشور گفته بودند که به دلیل بهایی بودن و مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی اجازه تحصیل ندارند مگر اقرار کنند که از دیانت بهایی برگشته و مسلمان شده اند.



### رهبر از ریاست دانشگاه آزاد برکنار شد

جلسه فوق العاده هیات امنای دانشگاه آزاد روز یکشنبه ۲۸ مرداد، به ریاست علی اکبر ولایتی رئیس هیات موسس و هیات امنای این دانشگاه و سایر اعضاء تشکیل شد و فرهاد رهبر را از ریاست این دانشگاه برکنار کرد.

به گفته مسوولان این دانشگاه، محمد مهدی طهرانچی با اکثریت آرا جایگزین فرهاد رهبر و سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی شد. وی پیش از این مسوولیت دانشگاه آزاد استان تهران و واحد تهران مرکز را به عهده داشت.

فرهاد رهبر که در دوره محمود احمدی نژاد رئیس دانشگاه تهران بود، در حالی از این سمت برکنار شد که تنها یک سال از انتصاب او می گذرد. او در مرداد ماه سال ۹۶ به ریاست دانشگاه آزاد منصوب شده بود.

اعلام خبر برکناری فرهاد رهبر پس از اظهار نظر رئیس دفتر نظارت بر امور فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد و مشاور رسانه ای فرمانده سپاه در انتقاد از مدیریت این دانشگاه صورت گرفت.

حمیدرضا مقدم فر، گفته بود: "در خصوص به کارگیری نیروهای جوان و انقلابی با وجود تذکرات مکرر هیات امنای و به خصوص نمایندگی محترم ولی فقیه در دانشگاهها، بی توجهی شده است."

### تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بهشتی

روز دوشنبه ۲۹ مرداد، جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی ساکن در خوابگاههای دانشگاه علوم پزشکی در اعتراض به ارسال پیامک تخلیه خوابگاهها تا اول شهریور ماه، اقدام به تجمع اعتراضی کردند.

در متن این پیامک که از مدیریت امور دانشجویی دانشگاه برای دانشجویان مجرد و متاهل دوره های تحصیلات تکمیلی ارسال شده، آمده است: "با استناد به ماده ۲۵ آیین نامه اسکان و با توجه به کمبود ظرفیت خوابگاهی، مجوز اسکان دانشجویان Ph.D و دستیار لغو می شود. لذا حداکثر تا تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۹۷، نسبت به تسویه و تخلیه خوابگاه اقدام کنید."

گفتنی است در پی تجمع دانشجویان، جلسه ای با حضور معاون دانشجویی و فرهنگی و سایر مسوولان دانشجویی دانشگاه با اعضای شورای صنفی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه برگزار و طی آن پیشنهادات دانشجویان و دانشگاه عنوان و بررسی شد. در نهایت مقرر شد تصمیم نهایی در این رابطه روز سه شنبه ۳۰ مرداد در جلسه هم اندیشی معاونت دانشجویی و فرهنگی با اعضای شورای صنفی دانشجویان تحصیلات تکمیلی اتخاذ شود.



## کارورزان سلامت (مرداد ۹۷)

امید برهانی

در حالی که دامنه اعتراضات نیروهای کار در ماههای اخیر وسعت و سرعت زیادی گرفته و به مقاومت سیستماتیک جانانه ای در برابر رژیم غارتگر و ضد مردمی جمهوری اسلامی تبدیل شده، جنبش پرستاری ایران همچنان به حیات و مقاومت خزنده خود در شکل نامه های سرگشاده به حکومتگران و پیام به مردم ایران ادامه می دهد و همزمان چشم به حمایت بوروکراتیک نمایندگان خود در "سازمان نظام پرستاری" و "خانه پرستار" دوخته است.



### در تهران ۴۰۰ پزشک بنگاه معاملات ملکی دارند

رئیس اتحادیه مشاوران املاک استان تهران از فعالیت ۴۰۰ پزشک در صنف مشاوران املاک تهران خبر داد. مصطفی قلی خسروی گفت: "این افراد همزمان با اشتغال در بخش طبابت، در بخش واسطه گری ملک نیز فعالیت می کنند و دارای بنگاه معاملات املاک هستند." وی درباره ترکیب دیگر مشاوران املاک تهران گفت: "۱۷ تا ۱۸ درصد فعالان صنف مشاوران املاک، مدرک کارشناسی و بالاتر

در رشته حقوق دارند. همچنین بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ تن از بنگاه داران مسکن روحانی هستند و همزمان با تلبس به لباس روحانیت، در صنف خرید و فروش املاک نیز مشغول فعالیت هستند." وی با بیان اینکه ۳۵۰ نفر از مشاوران املاک پایتخت بانوان هستند، ادامه داد: ۱۲۰ نفر از این بانوان مشاور املاک، لیسانس حقوق و سایرین نیز لیسانسهای غیرمرتبط را دارند. خسروی افزود: "همچنین ۴۰ درصد اعضای صنف در پایتخت مهندس عمران هستند که بخش مهمی از آنها همزمان با کار واسطه گری خرید و فروش املاک در کار ساخت و ساز نیز فعال هستند."

### دستمزد پایین دلیل ایجاد رشته "مراقبین سلامت"



دکتر اصغر دالوندی در نشست شورای عالی نظام پرستاری که صبح روز چهارشنبه ۳ مرداد در محل سازمان نظام پرستاری برگزار شد، پیرامون ایجاد یک رشته جدید به نام "مراقبین سلامت" در وزارت بهداشت گفت: "این یک رشته بی پایه و اساس است که سازمان نظام پرستاری با این طرح مخالفت کرد."

رییس کل سازمان نظام پرستاری ادامه داد: "وزارت بهداشت دلیل اجرای این طرح را حقوق پایین افراد تربیت شده عنوان می کند، اما در حال حاضر پرستارانی هستند که طرح خود را گذرانده اند، اما در انتظار کار هستند و یا خانمهایی که توان حضور در شیفت شب ندارند و با همین مبالغ می توانند در شهرستان خود در خانه های بهداشت انجام وظیفه نمایند."

وی تاکید کرد: "وزارت بهداشت می بایست به مخالفت صریح مرکز توسعه پرستاری در اصفهان، برد پرستاری، سازمان نظام پرستاری و انجمن علمی پرستاری توجه و اعلام موضع کند." دالوندی افزود: "امیدواریم مسوولان وزارت بهداشت به نظرات و پیشنهادات نهادهای پرستاری عنایت و موضوع رشته مراقبت سلامت را کنار بگذارند." در این رابطه نایب رییس شورای عالی نظام پرستاری نیز تاکید کرد: "متأسفانه شرح دوره ای که برای این دوره دیده شده، تلفیقی از رشته پرستاری است و فارغ التحصیلان این رشته در حد کارشناسی نیستند و نمی توانند هیچکدام از مواردی که فرا گرفته اند را به صورت علمی و دقیقی که واجد صلاحیت باشد، ارائه دهند." سید رضا مظلوم گفت: "با وجود رشته های پرستاری، مامایی و بهداشت که چندین سال است در دانشگاههای داخل کشور تدریس می شوند و از طرف دیگر، رشته هایی که جنبه بین المللی دارند و تعریف شده در دنیا هستند، بنابراین نیازی به رشته جدیدی که سابقه بین المللی ندارد نیست."

### اضافه کاری اجباری برای کاهش هزینه های دولت



مدیر امور آموزشی دانشکده مامایی و پرستاری می گوید به دلیل کاهش استخدام نیروهای پرستاری تعادل بین زندگی و کار پرستاری وجود ندارد. دکتر تهمینه صالحی در این باره اظهار داشت: "چندین سال است که دولت از استخدام افراد جلوگیری می کند، به همین دلیل در سیستم نظام سلامت با مشکل کمبود پرستار مواجه هستیم تا به نوعی هزینه های دولت کاهش پیدا

کند. به دنبال این کمبود نیرو، اضافه کارهای اجباری اعمال می شود که به نوعی کیفیت کار را کاهش داده و خطاهای پزشکی و پرستاری و کادر درمان به دلیل اعمال شیفتهای طولانی افزایش پیدا می کند." وی افزود: "به دلیل اضافه کاریهای اجباری، پرستاران زمانی برای گذراندن وقت در کنار خانواده و یا استراحت خود ندارند و نمی توانند دیگر نقش خود را نه تنها به عنوان یک پرستار، بلکه در خانواده نیز ایفا کنند. نایب رییس نظام پرستاری تهران روشن ساخت: "اضافه کاری اجباری تعادل بین زندگی و کار پرستاران را مختل کرده و سبب دلزدگی پرستاران از حرفه شده است."

وی پیرامون راه های پیشگیری از نارضایتی در شغل و حرفه گفت: "باید نیازهای سطح پایین و اولیه فرد برآورده شود، برای نمونه در ابتدا باید ایمنی شغلی افراد تامین شود و همچنین شرایط و امکانات لازم برای فرد جهت ارائه خدمات بهتر فراهم شود." صالحی توضیح داد: "برای نمونه، پرستاران نیاز به یک پوویون مناسب، زمان مناسب برای استراحت و برای خانمها داشتن یک مهد کودک برای فرزندان پرستاران در مراکز درمانی دارند و همچنین می بایست شرایط را در لول بالاتر برده و از لحاظ مادی و معنوی آنها را تامین کنیم."

### ردپای رانت در تاسیس مراکز آموزش کمک بهیاری و پرستاری

در حالی که دانشگاهها مسوول پرورش دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی هستند، اکبر ترکی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: "برخی از موسسه های خصوصی با کسب مجوز اقدام به برگزاری کلاسهای آموزش پرستاری می کنند." وی افزود: "این افراد با استفاده از رانت اقدام به تاسیس مراکز آموزشی با ارائه مدارک کمک بهیاری یا پرستاری می کنند و در نتیجه افراد بدون وجود بازار کار مشخصی وارد جامعه می شوند که باعث بروز مشکلاتی خواهد شد." ترکی گفت: "وزارت بهداشت برای نظارت و برخورد با موسسات رانتی اراده کافی ندارد."

## ناکارآمدی، بحران مالی و اینک تحریمها



عضو "انجمن اقتصاد سلامت ایران" پیرامون مشکلات مالی بخش بهداشت و درمان کشور گفت: "بحران مالی حوزه سلامت را می توان در قالب اقتصاد کشور تحلیل کرد. اقتصاد کشور، یعنی مجموعه درآمدها، تولید و ثروت ملی دچار بحرانهایی است و نظام سلامت نیز جزیی از دولت است که تحت تاثیر آسیبهای عمومی آن دچار مشکل شده است."

شهرام توفیقی افزود: "نمی توان گفت وزارت بهداشت مشکل دارد، اما سایر وزارتخانه ها مشکلی

ندارند. افزون بر آن مدیریت منابع و مصارف در تمام بخشهای کشور دچار مشکل است و در آن نیز شکی نیست. این موضوع بخشی از ویژگیهای نامطلوب مدیریت کشور است که منابع و مصارف عمدتاً حساب و کتاب ندارند و وزارت بهداشت نیز از این موضوع بی نصیب نیست."

وی درباره آینده نظام سلامت در شرایط تحریمها نیز گفت: "مشکلات مالی که برای حوزه سلامت پیش می آید، بیشتر در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی است، چون وابستگی ارزی دارند. آن توفان نیز مربوط به همین دو حوزه است که می تواند برای ما مشکل آفرین باشد. در کوتاه مدت راهکاری برای آن نیست."

توفیقی ادامه داد: "برخی از اقتصاددانهایی که با آنها صحبت کرده ایم نیز فعلاً ذخیره کردن را لحاظ می کنند که آن هم به دلیل مشکلات ارزی و نوسان قیمت ارز دچار مشکل شده است. تحریمها هم شروع شود، این مشکل تشدید می شود."

## وزارت بهداشت پالایشگاه داری می کند



چند وقتی است که موضوع پالایشگاه داری وزارت بهداشت به تیر نخست رسانه ها تبدیل شده. وزارت بهداشت سالهاست که ۱۵ درصد از سهام پالایشگاه نفت اصفهان که برابر با ۳ میلیارد سهم است و بیش از ۱۳۰۰ میلیارد تومان ارزش ریالی دارد را برای پرداخت مطالبات کارکنان و کسری بودجه از دولت دریافت کرده، اما تا به امروز حتی یک سهم از آن فروخته نشده و حتی معلوم نیست سود حاصل از پالایشگاه داری وزارت بهداشت کجا هزینه شده است.

دو سال قبل پس از آنکه قید محرمانه از پرونده سهام ۱۳۰۰ میلیاردی وزارت بهداشت در پالایشگاه اصفهان برداشته شد، این وزارتخانه مجبور به پاسخگویی و واکنش شد؛ واکنشی که بیشتر در آن فرافکنی شد و با گذشت ۲ سال از صدور آن، هیچ تغییری در وضعیت سهام ایجاد نشده و همچنان این وزارتخانه بزرگترین سهامدار این پالایشگاه است.

نحوه نگهداری و هزینه کرد این سهام برای مردم و افکار عمومی جای سوال دارد؛ سوالی که هیچ مسوولی با سند و مدرک در باره آن توضیح نداده است، دستگاههای نظارتی هم واکنش درخوری نداشته اند. دو سال قبل پرونده ای برای



این موضوع در دادگاه کارکنان دولت تشکیل شد، اما هرگز نتیجه ای از وضعیت رسیدگی به این پرونده در اختیار رسانه ها و افکار عمومی قرار داده نشد.

### پرستاران خواستار حمایت مردم ایران از خواسته های شان شدند



جمعی از پرستاران در اعتراض به اجرا نشدن قانون تعرفه های پرستاری توسط وزارت بهداشت، خطاب به مردم بیانیه ای نوشته و خواستار حمایت آنها در اجرای این قانون شدند.

بیانیه اینگونه آغاز شده است: "پیام پرستاران دلسوز ایرانی به تمامی مردم ایران که با داشتن یا نداشتن بیمه به ناچار گاهی مجبورند به

مراکز درمانی مراجعه نمایند". سپس ادامه می یابد: "بیمه های شما مردم که شامل بیمه سلامت و بیمه تامین اجتماعی است، با اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری می تواند هزینه های خود را به بهترین وجه مدیریت کرده و از تحمیل فرانشیزهای بالا به مردم و بیمه شدگان، جلوگیری نماید."

پرستار روشن ساخته اند: "محاسبه اقدامات پرستاری با تعرفه های پزشکی که شامل بسیاری از خدمات درمانی بستری و سرپایی می شود، باعث پرداختهای کلان از جیب شما مردم و از جیب بیمه هایی که با حق بیمه پرداختی شما شکل گرفته اند، شده است." پرستاران توضیح می دهند: "وزارت بهداشت و وزارت رفاه که طبق قانون موظف به اجرای قانون تعرفه های پرستاری می باشند، به دلیل نفوذ و ذی نفع بودن پزشکان در این دو وزارتخانه، پس از ۱۲ سال هنوز از اجرای آن خودداری می کنند و درصد هزینه تراشی بیشتر برای شما و بیمه های شما هستند. نفع عده ای خاص در این است که قانون تعرفه های پرستاری همچنان بدون اجرا بماند."

پرستاران خواستار پشتیبانی مردم ایران از خواسته های خود شده و خطاب به آنان می گویند: "پرستاران از شما مردم عزیز توقع دارند اجرای قانون تعرفه های پرستاری را که به نفع شما و همه مردم و بیماران و بیمه های شماست، با قاطعیت تمام از مسوولین مربوطه در وزارت بهداشت و رفاه و مجلس شورای اسلامی خواستار بوده و همواره از خدمتگزاران خود در صف اول درمان، یعنی پرستاران پر تلاش و نجیب حمایت نمایید."



### "خوشبختانه" فقط ۷ ماه حقوق پرداخت نشده دارند

رئیس نظام پرستاری قزوین با اشاره به اینکه معوقات پرستاری اصلی ترین مشکل پرستاران در بخش دولتی به شمار می رود گفت: "معوقات پرستاران به مشکلی چالشی و فرسایشی تبدیل شده است، اما خوشبختانه در استان قزوین نسبت به سایر استانهای کشور و طبق پیگیریهای به عمل آمده، این معوقات بین ۶ تا ۷ ماه است و پاسخ وزارت بهداشت به این امر این است که خود نیز از بیمه ها طلبکار است."

آرمین قناعت همچنین گفت: "وضعیت پرستاران شرکتی قزوین نسبت سایر استانها بهتر است. بنا گردیده بود که از کارانه پرستاران شرکتی حق بیمه کسر شود که از روز اول با آن مخالفت شد و آن را غیرقانونی اعلام کردیم و از آن پس کارانه پرستاران شرکتی استان قزوین هر سه ماه یکبار با توجه به تاخیر در پرداخت کارانه ها، پرداخت می شود و حق بیمه ای هم از آنها کسر نمی شود و باقی موضوعات استانی نبوده و به وزارت بهداشت برمی گردد."

### دستاورد بزرگ یا تصمیم غیر کارشناسی؟



در حالی که رییس سازمان نظام پرستاری آیین نامه صدور پروانه صلاحیت حرفه ای پرستاری را یک "دستاورد بزرگ" خوانده است که "موجب افزایش حرمت، عزت، کرامت و هویت حرفه ای جامعه پرستاری می گردد"، دبیرکل "خانه پرستار این امر را "غیر کارشناسی" معرفی می کند.

محمد شریفی مقدم می گوید: "در این طرح شورای سیاستگذاری وزارت بهداشت به عنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری برای صلاحیت حرفه ای پرستاری تعیین شده، حال آنکه سازمان نظام

پرستاری در این شورا تنها یک نماینده دارد و سازمان نظام پزشکی هم یک نماینده دارد. ضمن اینکه تعدادی از پزشکان به عنوان شخصیت حقوقی نیز در این شورا هستند."

وی پرسید: "چرا این شورا که تنها یک نماینده پرستار دارد، باید برای پرستاران تصمیم بگیرد؟ و افزود: "از همین رو، این تصمیمات برای قاطبه جامعه پرستاری که از صاحب نظران این حوزه هستند، مورد تایید نیست. در هیچ کجای دنیا صلاحیت پرستاران را پزشکان تایید نمی کنند."

شریفی مقدم گفت: "طی یکی دو سال گذشته هزاران پروانه صلاحیت حرفه ای توسط این شورا صادر گردیده که مشخص نیست بر چه اساس و اصولی این کار صورت گرفته است."

او خواستار تعریف و تهیه بسته ای برای صلاحیت حرفه ای پرستاران شد و افزود: "باید از نظر فرایند کار و محتوا، مشخص شود پروانه صلاحیت حرفه ای پرستاری چگونه صادر می شود."

### فروش سندلیهای دانشگاه های علوم پزشکی به ژنهای خوب

به گفته مجید حسینی، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، فرزندان دیپلماتها و "بچه پولدارها" می توانند در دانشگاه های خارج از کشور بدون آزمون وارد شده و مشغول تحصیل شوند.

او افزود، سپس این افراد بعد از گذراندن ۳۶ واحد، طبق توافقنامه ای که وزارت بهداشت با دانشگاه مبدا منعقد کرده، مجاز هستند که تحت عنوان دانشجوی خارجی از دانشگاه های خارجی، به یکی از دانشگاه های علوم پزشکی ایران منتقل و با پرداخت ۲۰ میلیون تومان برای هر ترم، بقیه تحصیل را در داخل کشور انجام دهند.

مجید حسینی گفت: "البته به جز فرزندان دیپلماتها، کسانی که از توانایی خوب مالی بهره مند هستند نیز می توانند به همین روش در یکی از دانشگاه های درجه چندم یکی از کشورهای همسایه و در نهایت قبرس پذیرش شوند و بعد از



گذراندن ۳۶ واحد، تمام ۶۰۰ هزار نفر شرکت کننده در کنکور را دور بزنند و به عنوان مهمان ویژه در یکی از دانشگاه های علوم پزشکی داخل کشور مشغول به تحصیل در رشته پزشکی شوند. تفاوت آنها در این است که هزینه این افراد که از ژنهای نیمه خوب هستند، ترمی ۱۰۰ میلیون تومان خواهد بود که توسط وزارت بهداشت دریافت می شود."

نکته جالب آنکه این افراد برای تحصیل در دانشگاه های خارج از کشور ارز دولتی هم دریافت می کنند که این در مجموع تعداد نفرات تحصیل کننده در این دانشگاه ها، عدد قابل توجهی خواهد بود.

### تجمع غارت شدگان تعاونی اعتباری نظام پرستاری

حدود ۳۰ تن از اعضای صندوق تعاونی اعتبار سازمان نظام پرستاری روز دوشنبه ۲۹ مرداد با تجمع در مقابل ساختمان این تعاونی و سردادن شعارهایی خواستار پاسخگویی مسوولان و بازگردان پس انداز پرستاران در این صندوق شدند.

### تجمع کارکنان بیمارستان خمینی کرج برای بار دوم در این ماه

کارکنان بیمارستان فوق تخصصی خمینی کرج در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف بیمارستان و عدم تسویه مطالبات مزدی شان، روز سه شنبه ۳۰ مرداد مقابل سازمان همیاری شهرداریهای استان البرز تجمع کردند. قاسم طاهری، نایب رییس شورای اسلامی کار این بیمارستان گفت: این بیمارستان نزدیک به ۵۰۰ نفر پرسنل دارد که دارای مطالبات مزدی متفاوتی هستند. مطالبات مزدی آنها بین ۵ الی ۱۰ ماه است. طاهری تصریح کرد: این بیمارستان مدتی است که به دلیل وضعیت نابسامانی که داشته، به مزایده گذاشته شده است. اما این مزایده - که شباهتی هم به یک مزایده واقعی نداشت - موجب بلا تکلیفی بیشتر پرسنل بیمارستان شده است. پیش از این در روز سه شنبه ۲ مرداد، تجمعی از سوی کارکنان این بیمارستان برگزار شده است. مالکان این بیمارستان، بنیاد شهید، سازمان همیاری شهرداریهای استان البرز و دستگاه حاکمیتی (استانداری) هستند. از همین روی، در حوزه مدیریتی آن مشکلاتی وجود دارد.

(منابع: مهر، ایرنا، نظام پرستاری، ایلنا، ایسنا، فارس، تابناک)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)



## زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

### مرکز حکومتی: اکثریت جامعه با حجاب اجباری مخالف است

مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارشی اعتراف کرد که ۷۰ درصد زنان ایرانی با حجاب اجباری مخالف هستند و انگاشت



عمومی از حجاب نیز جنبه عرفی دارد. این گزارش بر رابطه معکوس سن، تحصیلات و شغل در ارتباط با حجاب نیز صحنه می‌گذارد.

گزارش مزبور که تحت عنوان "عوامل موثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیش رو" منتشر شده، می‌گوید که اکثریت افراد با مداخله دولت یا گشت ارشاد در امر پوشش موافق نیستند و همزمان بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که جامعه به "حجاب شرعی" رغبتی ندارد.

این مرکز حکومتی ادامه داد: "تا ۷۰ درصد زنان

جامعه در گروه محجبه‌های عرفی (بدحجاب با تعریف شرعی) قرار دارند که از این میان ۱۵ تا ۱۰ درصد در وضعیت حاد (بدحجاب هنجارشکن) بوده‌اند و سایر افراد در گروهی هستند که می‌توان آنها را بدحجاب معمولی و دارای حجاب عرفی تلقی کرد." نویسندگان توضیح داده‌اند که سن و تحصیلات رابطه مستقیمی با "بدپوشی" زنان دارد و هر چه زنان جوان تر بوده یا بیشتر درس خوانده باشند، تقید کمتری به حجاب دارند.

آنها به تغییرات پوششی زنان در مشاغل مختلف نیز اشاره کرده و زنان بیکار، محصلها و کارمندان شرکتهای خصوصی را در رده گروه‌های "آسیب دار" قرار داده‌اند. مغازه داران و فروشندگان زن، زنان کارگر و فعالان رسانه‌ای نیز در صدر آمار بیشترین "بدپوشی" معرفی شده‌اند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده که ۵۴.۳ درصد مردم معتقدند که حجاب خوب نیست و نوعی فشار روانی و اجتماعی علیه آن در اجتماع وجود دارد.

### رد قانون سقط جنین در سنای آرژانتین به سفارش پاپ



مجلس سنای آرژانتین با رد قانونی شدن سقط جنین در این کشور، انتظار طرفداران این قانون را یک صد ساله کرد. نمایندگان مجلس سنای آرژانتین مصوبه مجلس نمایندگان این کشور مبنی بر قانونی شدن سقط جنین طی ۱۴ هفته اول بارداری را با ۳۸ رای مخالف رد کرد. پیش‌تر نیز ۳۷ سناتور از ۷۲ سناتور عضو مجلس سنای

آرژانتین اعلام کرده بودند که همسو با نظر پاپ فرانسیس که هموطن شان است، به این قانون رای منفی خواهند داد.

پاپ فرانسیس، رهبر کلیسای کاتولیک، دو روز پس از تصویب طرح در مجلس نمایندگان آرژانتین، طی اظهار نظری سقط جنین پس از آزمایشات پزشکی را به "اصلاح نژاد نازیها" تشبیه کرده بود.

طرح قانونی کردن سقط جنین که حدود دو ماه پیش به تصویب مجلس نمایندگان رسیده بود، حاصل تلاشهای کارزار "روسری سبز" بود که فعالیت متمرکز خود را از سال ۲۰۰۵ میلادی آغاز کرده است.

سقط جنین به جز در موارد خاص، از سال ۱۹۲۱ در آرژانتین ممنوع است. با این وجود، طبق آمارهای وزارت بهداشت آرژانتین سالانه بین ۳۷۰ تا ۵۲۲ هزار زن به صورت مخفیانه مبادرت به سقط جنین می کنند.

موافقان حق سقط جنین از جمله جنبش فمینیستی زنان آرژانتین، در قالب کارزار "روسری سبز" سالهاست که برای به رسمیت شناخته شدن این حق تلاش می کنند.

در پی رد این قانون از سوی مجلس سنا، مطابق رویه قانونگذاری در آرژانتین، موافقان سقط جنین برای طرح مجدد آن باید تا سال ۲۰۱۹ صبر کنند.

### تظاهرات زنان آفریقای جنوبی علیه خشونت جنسیتی



با نزدیک شدن روز ملی زنان در آفریقای جنوبی در نهم اوت ماه و گرامی داشت ماه زنان در این کشور، بسیاری از زنان تصمیم گرفتند از این فرصت استفاده کرده و با برگزاری یک تظاهرات بزرگ آگاهی نسبت به خشونت علیه زنان و کودکان را افزایش دهند.

آمارهای رسمی نشان می دهد نرخ قتل‌های جنسیتی زنان در آفریقای جنوبی پنج برابر بیشتر از نرخ جهانی است. نرخ جهانی این گونه قتلها در سال ۲۰۱۵، ۲.۴ زن به ازای هر ۱۰۰ هزار زن

بوده، اما همین آمار در آفریقای جنوبی حدود چهار برابر بیشتر یعنی ۹.۶ زن به ثبت رسیده بود.

زنان در این راهپیماییها که در خیابانهای سراسر آفریقای جنوبی صورت گرفت، با سر دادن فریاد "بدن من، نه صحنه جرم شما" خواستار حمایت مردان از زنان نه فقط از طریق حمایت‌های مالی و اقتصادی، بلکه از طریق کمک به زنان در کارها و وظایف خانگی و مهمتر از همه توقف خشونت و سوواستفاده از زنان و کودکان شده اند.

به گزارش سی ان ان، برگزارکنندگان این راهپیماییها قصد دارند تظاهرات خود را تا پارلمان آفریقای جنوبی، دیوان عالی کشور و دیگر سازمانهای استانی و منطقه ای ادامه داده و یادداشتی را که در آن تقاضای این زنان آورده شده، به مقامات دولتی کشور تحویل دهند.

### شرکت افغانستان در بازیهای آسیایی با شش خلبان زن، ایران با هیچ زن!

انجمن ورزشهای هوایی اسامی ورزشکاران پاراگلایدرسوار را برای حضور در بازیهای آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا اعلام کرد که در آن فقط نام مردان دیده می شود و سهمیه تک نفره کمیته ملی المپیک برای زنان نادیده گرفته شده و آن نیز به مردان داده شده است.



این موضوع باعث اعتراض بانوان پاراگلایدر سوار از جمله فاطمه افتخاری شد که در این باره گفت: "برای مسابقات پاراگلایدر هیچ خانمی به بازیهای آسیایی جا کارتا اعزام نمی شود. باید مجموع چیزی که رخ داده رسانه ای شود، چون قطعاً همه چیزهایی که الان درست شده در سالهای قبل افرادی برای آنها جنگیده و تلاش کرده اند، به همین دلیل این موضوع را رسانه ای می کنم." او تاکید کرد که به هزینه شخصی در این مسابقات شرکت خواهد کرد و افزود: "فکر می کنم با این

هزینه های ارز و نادیده گرفته شدن آنها توسط سیستم و اینکه هیچ اعزامی وجود ندارد، اولین و آخرین دوره ای باشد که شرکت می کنم، ولی به هر حال در حد توانمان ادامه می دهیم." افتخاری همچنین گفت: "اعزام نشدن ما در حالی است که از افغانستان شش خلبان زن اعزام می شود."

### خروج از کشور بدون اجازه همسر فقط برای "زنان نخبه" و "در شرایط خاص"

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از نهایی شدن طرح خروج بانوان از کشور در کمیسیون متبوعش و در قرار گرفتن این طرح در نوبت رسیدگی در صحن مجلس خبر داد.

ولی الله نانواکناری تاکید کرد "طرح "خروج بانوان از کشور در شرایط خاص بدون اذن همسر" پس از اینکه بررسیهای کارشناسی در خصوص این طرح در کمیته امنیت داخلی مجلس پایان پیدا کرد، در کمیسیون امنیت ملی نیز با اصلاحیه ای رای آورد." او بدون اشاره به این اصلاحیه، مواردی که زنان بدون اجازه همسر خود می توانند از کشور خارج شوند را اینگونه برشمرد: "در مصوبه کمیسیون امنیت ملی خروج بانوان نخبه علمی در خارج از کشور منعی ندارد و افزون بر این حضور بانوان ورزشکار در مسابقات ورزشی، حضور در المپیادهای علمی و شرکت و سخنرانی در کنفرانس و همایشها بین المللی در مصوبه کمیسیون امنیت دیده شده است."



### پوشیدن برقع در افغانستان ممنوع اعلام شد

وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان روز شنبه ۱۱ اوت (۲۰ مرداد) ۲۰۱۸ اعلام کرد که از این پس، پوشیدن برقع (چادری) در این کشور ممنوع است.

حسینه صافی، وزیر اطلاعات و فرهنگ این کشور، در این مورد به رسانه ها گفت: "پوشیدن چادری (برقع) که مانند یک بوجی (گونی) است، توهین به وجود مقام والای زن است و در هیچ گوشه از جهان اسلام چنین

حجابی استفاده نمی شود." وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان در ادامه گفت: "تروریستها از چنین پوشش استفاده می کنند و پلیس افغانستان حق دارد به چادری پوشها شک کرده و آنان را بازرسی کند."



تاکون در چندین مورد حملات انتحاری و تهاجمی افراد وابسته به گروههای مخالف دولت افغانستان مثل طالبان و داعش، از این نوع برقع (چادری) استفاده کرده و صدها نظامیان و غیرنظامیان را در این کشور به قتل رسانده اند. همچنین بارها از دزدی و فحشای زنان با استفاده از این نوع برقع (چادری) در ولایات مختلف افغانستان گزارش شده است.

### لایحه تساوی ارث زن و مرد در مجلس تونس

"محمد باجی قائد سبسی"، رئیس جمهور تونس، روز دوشنبه لایحه قانونی تساوی حقوق در زمینه ارث میان زن و مرد را به مجلس تقدیم کرد.



در پی سخنرانی رئیس جمهور، هزاران زن و مرد طرفدار تساوی حقوق در میدان مرکزی پایتخت به شادمانی پرداختند.

مطابق قانون فعلی که بر اساس شریعت اسلامی تنظیم شده، مرد دو برابر زن ارث می برد، اما در صورت تصویب قانون جدید در مجلس، مرد و زن به شکل مساوی از ارث بهره مند خواهند شد.

قانون اساسی تونس که پس از سقوط دیکتاتور سابق این کشور، "بن علی"، در سال ۲۰۱۴ به

تصویب رسید، حقوق سیاسی را تضمین می کرد، نقش مذهب را محدود می ساخت و برقراری انتخابات آزاد را متعهد می شد. با این حال از معدود مباحثی که اسلام گرایان همچنان در مقابل آن مقاومت نشان می دادند، تغییرات در قوانین ارث بود. محافظه کاران و بخش سنتی جامعه با قانون جدید نیز به مخالفت برخاسته اند و به همین علت در قانون استثنایی لحاظ شده است.

تونس در مقایسه با دیگر کشورهای خاورمیانه از قوانین مترقی تری درباره حقوق زنان برخوردار است، با این حال باجی قائد سبسی که یک سیاستمدار سکولار به شمار می رود، از ماه آگوست ۲۰۱۷ کمیته ویژه ای برای تدوین پیش نویس قوانینی در جهت بهبود حقوق زنان تشکیل داد در چارچوب همین اصلاحات از سال گذشته ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان در تونس مجاز شمرده شد.

### تصویب لایحه به رسمیت شناختن "جنسیت سوم" در دولت آلمان

دولت آلمان روز چهارشنبه ۲۵ جولای با تصویب لایحه ای با به رسمیت شناختن "جنسیت سوم" در راستای قانونی کردن هویت افرادی که از بدو تولد با جنسیتی دوگانه متولد می شوند، قدم برداشت. این لایحه که قرار است پاییز امسال در پارلمان آلمان به رای گذاشته شود، پیش از این از سوی دستگاه قضایی این کشور مطرح و به شورای وزیران ارایه شده بود.

عالی ترین مرجع قانونی در آلمان نوامبر گذشته با بررسی وضعیت افراد "بینا جنسی" تاکید کرد که این افراد از تبعیض جنسیتی رنج می برند. دادگاه قانون اساسی آلمان سپس از دستگاه های قانونگذار خواست تا پایان سال ۲۰۱۸ قانونی را به تصویب برسانند که بر اساس آن "جنسیت سوم" در این کشور ماهیت قانونی پیدا کند.



بدین ترتیب با قانونی شدن این پروژه، در برهه هویتی افراد و در قسمت مربوط به دسته بندی جنسیت، جدا از گزینه های "مرد" و "زن"، گزینه سومی به نام "دیگر" نیز وجود خواهد داشت. آلمان اولین کشور اروپایی است که گزینه بیناجنسی را به مدارک شناسایی و تولد نوزادان اضافه می کند. پیش از این آمریکا، استرالیا، نیوزیلند، هند و نپال جنسیت سوم را در مدارک شناسایی و تولد لحاظ کرده اند. بر اساس آمار، بیش از هشتاد هزار فرد بینا جنسی در آلمان زندگی می کنند.

### کارزار زنان مانع بهبود وضعیت آنها در هالیوود نشد

کارزار بازیگران زن هالیوود برای مبارزه با آزار و تبعیض جنسیتی با هشتک "من نیز" (Me too)، سبب بهبود وضعیت آنان نشده است.



مرکز ارتباطات "آنبرگ" وابسته به دانشگاه جنوب کالیفرنیا در گزارشی که به تازگی منتشر شد، روشن ساخت که سینمای هالیوود به طور کلی در طول یک دهه گذشته در زمینه ایفای نقش بازیگران زن پیشرفتی نداشته است. پژوهش این مرکز بر روی ۱۰۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۷ نشان می دهد در این فیلمها تنها ۳۱.۸ درصد شخصیت‌های اصلی، زن هستند. این آمار در ۱۱ سال گذشته ثابت بوده است.

"من نیز" نام کارزار معروفی است که در ماه های گذشته برای افشاگری در زمینه آزار جنسی علیه زنان

به ویژه در سینما به راه افتاد و به رسوایی و اخراج چندین تن از نامهای بزرگ سینمای جهان انجامید. "استیسی ال اسمیت"، نویسنده اصلی این پژوهش، به شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا گفت: "هالیوود در جهت خواسته زنان مبنی بر تامین امنیت در محل کار هیچ کاری نکرده است که منجر به تغییر در وضعیت موجود بشود." وی همچنین در مورد آمار استخدام بازیگران زن برای ایفای نقش در فیلمها گفت: "تا زمانی که رویه موجود در استخدام بازیگران عوض نشود، هیچ یک از آمار فعلی تغییر نخواهد کرد."

پژوهش مرکز آنبرگ به طور مشخص بر روی ۴۸ هزار و ۷۵۷ شخصیت سینما در هزار و صد فیلم در ۱۱ سال اخیر انجام گرفته است. این پژوهش نشان می دهد که زنان، رنگین پوستان، دگرباشان جنسی، بازیگران معلول و دارای نقص جسمی کمتر در فیلمها به بازی گرفته می شوند.

(منابع: خبرآنلاین، یورونیوز، آفتاب، ایسنا، العربیه، خانه ملت، جنگ خبر)

## چالشهای معلمان در مرداد ماه (۹۷)

### محکومیت محمد حبیبی، فعال صنفی فرهنگیان به هفت سال و نیم حبس

محمد حبیبی، فعال صنفی فرهنگیان و عضو هیات مدیره کانون معلمان استان تهران، در دادگاه بدوی به ده سال و نیم حبس تعزیری محکوم شد.



این خبر را امیر رئیسیان، از وکلای محمد حبیبی، اعلام کرد. او گفت: "بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، همه مجازاتهای محمد حبیبی یک و نیم برابر شده و مجازات اشد قابل اجرا است." وی در توضیح این حکم بیدادگرانه گفت: "محمد حبیبی به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، به ۷ سال و نیم حبس، تبلیغ علیه نظام به ۱۸

ماه حبس، اخلال در نظم ۱۸ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و همچنین ۲ سال ممنوعیت از فعالیت در احزاب، گروهها و دسته های سیاسی و اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور به عنوان مجازات تکمیلی محکوم شده است."

محمد حبیبی که در جریان تجمع معلمان مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران همراه با ضرب و شتم بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شده بود، پس از گذشت بیش از دو ماه همچنان در تیپ چهار این زندان نگهداری می شود. این در حالی است که چند روز پس از برگزاری تجمع مورد اشاره و در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه، تمامی بازداشت شدگان این تجمع به غیر از محمد حبیبی با تودیع قرار کفالت آزاد شدند.

روز چهارم تیر ماه، نامه ای بادرخواست آزادی محمد حبیبی با امضای شش هزار و ۵۰۰ معلم و فعال مدنی به مجلس شورای اسلامی تحویل داده شد.

### واکنش گسترده معلمان و فعالان به صدور حکم ناعادلانه علیه محمد حبیبی



شمار زیادی از تشکلهای صنفی و مدنی از سراسر کشور با صدور بیانیه های جداگانه ای، محکومیت سنگین فعال معلمان، محمد حبیبی، را محکوم کردند و آزادی او و دیگر معلمان در بند همچون محمود بهشتی لنگرودی و اسماعیل عبدی را خواستار شدند.

از جمله کانون صنفی معلمان تهران در بیانیه ای تاکید کرد: " همه می دانیم

که محمد حبیبی جز دفاع از معیشت و منزلت معلمان و همچنین حق آموزش رایگان و برابر برای همه، کار دیگری انجام نداده است که مستحق چنین برخورد ظالمانه ای گردد. بازداشت و صدور این حکم ناعادلانه برای او حاوی پیام دهشتناکی



برای جامعه معلمی است؛ پیامی با این مضمون که بنا نداریم بهبودی در معیشت و منزلت معلمان ایجاد شود و وضعیت آموزش بهبود یابد."

این تشکل صنفی نوشت: "کانون صنفی معلمان تهران در وهله نخست خواهان حذف اتهامات بی اساس جهت محدود کردن فعالیتهای صنفی کنشگران اجتماعی از جمله محمد حبیبی است و در وهله دوم با تاکید بر بازگشت مجریان و ضابطین قضایی به قانون، خواهان آزادی محمد حبیبی تا زمان دادگاه تجدید نظر می باشد."

معلمان افزودند: "بی شک اصرار مسوولان بر ادامه این روند، به افزایش نارضایتی در جامعه معلمی منجر خواهد شد که عواقب آن بر عهده عوامل این برخوردهای نادرست با فعالین صنفی است."

شماری دیگر از تشکلهای شرکت کننده در این کارزار عبارتند از:

۱. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۲. انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی

۳. کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین

۴. انجمن صنفی معلمان کردستان - سقز و زیویه

۵. جمعی از فعالان صنفی معلمان استان البرز

۶. فرم نگار حمایتی جمعی از فعالان مدنی

۷. اتحادیه آزاد کارگران ایران

۸. هسته کنشگران صنفی استان مازندران

۹. کانون صنفی فرهنگیان شهرستان خمینی شهر

۱۰. کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر

۱۱. کانون صنفی فرهنگیان گیلان

۱۲. انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان

۱۳. کانون صنفی فرهنگیان زنجان

۱۳. کانون صنفی فرهنگیان گیلان

۱۵. فعالان صنفی استان کرمانشاه

### اعتراض دو تشکل بین المللی صنفی به حکم محمد حبیبی

دو تشکل بین المللی با محکومیت دستگیری و محکومیت محمد حبیبی، فعال صنفی معلمان، به ده سال و نیم زندان، خواستار آزادی بدون قید و شرط وی شدند.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (ITUC) در نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی تاکید کرد: اتحادیه های کارگری همراه و همصدا

با "آموزش بین المللی" (AI) خواهان آزادی بی درنگ و بدون قید و شرط محمد حبیبی و حمایت از همه فعالان اتحادیه ای در برابر چنین روشهای خشن امنیتی می باشد که هدف آن جلوگیری از فعالیتهای مشروع فعالان اتحادیه ای است."

این اتحادیه ۲۰۷ میلیون کارگر را در ۱۶۳ کشور و ناحیه نمایندگی می کند و دارای ۳۳۱ تشکل کشوری وابسته است.



همچنین اتحادیه معلمان انگلیس (NASUWT) با ارسال نامه سرگشاده ای به سفارت جمهوری اسلامی در لندن، نسبت به صدور حکم مزبور به شدت اعتراض کرد. این اتحادیه نوشت: "آقای حبیبی هیچ جرمی مرتکب نشده، او تنها خواهان حق دستیابی به آموزش رایگان و عمومی برای کودکان و جوانان ایرانی و حق برخورداری آزادی تجمع و مذاکره جمعی برای معلمان بوده است. این موارد حقوق جهانی هستند که در سازمان بین المللی کار (ILO) که دولت شما مدعی موافقت با آن است، ثبت شده اند." در این نامه تاکید شده: "ضمن محکومیت حبس آقای حبیبی، خواهان آزادی بی قید و شرط وی و تضمین دستیابی او به امکانات درمانی لازم هستیم."

### تجمع فرهنگیان خوزستان مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان

بامداد روز سه شنبه ۹ مرداد، جمعی از فرهنگیان خوزستان مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان خواستار رسیدگی به اوضاع معیشتی خود بودند و گفتند: نسبت به فیشهای حقوقی معترضیم چرا که وعده‌های قبلی محقق نشده است.

در هفته‌های گذشته، فرهنگیان در اعتراض به فیشهای حقوقی، کنشهای مختلفی را ترتیب دادند؛ آنها می گویند بیست درصد افزایش مزدی وعده داده شده، محقق نشده است.



### تجمع مربیان پیش دبستانی شهرستان کارون

جمعی از مربیان پیش دبستانی شهرستان کارون در استان خوزستان روز دوشنبه ۲۲ مرداد دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها از ساعت ده صبح مقابل اداره آموزش و پرورش جمع شده و خواستار پاسخگویی مسوولان به خواسته های خود شدند.

معترضان گفتند: "بیش از ۹۰ نفر از مربیان پیش دبستانی هستیم که به پیمانکار واگذار شده ایم. کارفرما در ماه های گذشته حق بیمه ما را واریز نکرده است. ما خواستار این هستیم که وضعیت بیمه ای ما مشخص شود."

### معلم زندانی به نشانه اعتراض لبهای خود را دوخت



روح الله مردانی، معلم زندانی در اوین، روز یکشنبه بیستم مرداد به نشانه اعتراض به بی عدالتی و بی توجهی به خواسته هایش لبهای خود را دوخت. او که پیش از این دست به اعتصاب غذا زده بود، با مشکلات جسمی، همچون سرگیجه، ضعف عمومی و درد کلیه دست و پنجه نرم می کند، اما مقامهای امنیتی - قضایی از رسیدگی به وضعیت وی و فراهم کردن امکانات درمانی مناسب برای او خودداری می کنند.

روح الله مردانی، ۳۵ ساله، معلم مشاور ناحیه ۴ کرج و دانشجوی دانشگاه تهران است که در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۶ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و از آن هنگام در بند ۴ زندان اوین در بازداشت به سر می برد. او در یک دادگاه ناعادلانه به اتهام حضور در تجمعات اعتراضی دی ماه به شش سال زندان محکوم شد. او از نوزدهم خرداد در اعتراض به دادرسی و حکم ناعادلانه و قطع حقوق، اقدام به اعتصاب غذا کرد.

براساس آخرین اخبار، روز چهارشنبه مرداد ۲۴ با بیانیه جمع کثیری از فعالان معلمی و مدنی که نگران سلامتی این معلم زندانی بودند و قول قوه قضاییه و دادستانی برای رسیدگی به پرونده، وی اعتصاب خود پایان داد و لبهای خود را باز کرد

### انتظار معلمان برای دریافت پاداش پایان خدمت ۵۲۰ روز شد

بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان این روزها درگیر رفت و آمدهای مکرر به تهران هستند؛ از مراجعه به ساختمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان در پایتخت گرفته تا پیگیری از طریق سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، هیچ کدام نتیجه نداده و همچنان پاداش پایان خدمت آنها بعد از ۵۲۰ روز انتظار پرداخت نشده است.

این بازنشستگان که سال ۹۶، سال خاتمه خدمت آنها بوده، می گویند: "از رفت و آمد و چانه زنی بر سر حق مسلم مان خسته

شده ایم. چرا فکری به حال ما که معلمان این مملکت را تعلیم می دهیم، نمی کنند؟"

آنها با انتقاد شدید از رویکرد مسوولان سازمان مدیریت و همینطور مسوولان آموزش و پرورش گفتند: "تاکنون سه بار تحصن کرده ایم، دیگر خسته شده ایم. امیدواریم قبل از پایان ماه جاری، پاداش پایان خدمت ما را بپردازند وگرنه باز هم مجبور به اعتراض می شویم. آموزش و پرورش می گوید دانشگاه فرهنگیان نهادی مستقل است و سازمان مدیریت هم فقط وعده می دهد؛ وعده هایی که دیگر امیدی به اجرایشان نداریم."

یکی از نمایندگان بازنشستگان نیز گفت: "بیش از ۱۵ ماه انتظار برای دریافت پاداش پایان خدمت که تنها منبع مالی و دلخوشی یک بازنشسته است، خیلی زیاد است. وای به حال جامعه ای که با پرورش دهندگان و آموزگاران خود اینگونه رفتار کند."

### تجمع سراسری معلمان خرید خدمات آموزشی مقابل مجلس



معلمان خرید خدمات آموزشی سراسر کشور روز یکشنبه ۲۷ مرداد مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. حاضران در تجمع پیرامون خواسته های خود گفتند: "از نمایندگان مجلس می خواهیم برای تعیین تکلیف ما معلمان خرید خدمات آموزشی کاری انجام دهند."

معلمان معترض افزودند: "قانون کار یکسان - مزد یکسان که یکی از مولفه های اصلی عدالت شغلی است، برای ما اجرایی نمی شود و باوجود اینکه ما هم مثل سایر معلمان وظیفه تعلیم و تربیت دانش آموزان را برعهده داریم، دستمزدمان بسیار کمتر از معلمان رسمی است و حتی از خدمات بیمه مکفی بی بهره ایم."

این معلمان پیش از این نیز بارها دست به تجمع اعتراضی زده اند و خواستار تعیین تکلیف و جذب در سیستم آموزش و پرورش شده اند.



## رویدادهای هنری (مرداد ۹۷)

فتح الله کیائیهها

### هنرهای تجسمی

#### هنر نمایشی معترضان با دیواره نگاری



یکی از کانونهای اعتراضات سراسری که از دی سال گذشته آغاز شد و اکنون به دور دوم رسیده، کرج و گوهردشت در استان البرز است. در سالهای گذشته بسیاری از روستاییانی که به دلیل بحران زیست محیطی از روی خاک کنده شده اند، به امید آینده ای بهتر به حاشیه شهرهای بزرگ از جمله به کرج، گوهردشت و فردیس و شهریار در حوالی تهران مهاجرت کرده اند.

تبعیضهای اجتماعی و بحران اقتصادی، به احساس پایین شهروندی در این مناطق دامن زده و آنها را برای شرکت در اعتراضات مستعد کرده است. شعارنویسی و نقاشیهای دیواری یکی از پیامدهای نوظهور در کرج و گوهردشت و فردیس در استان البرز است، تا آن حد که شهرداری کرج به صدا درآمده و از واندالیسم و گرایش شهروندان به تخریب خبر داده است.

امیر کیانپور، دانش آموخته فلسفه، درباره اهمیت خیابان به عنوان رسانه

معترضان می گوید: "خیابان، به ویژه وقتی به عنوان فضای بروز و بیان اعتراضات برجسته می شود که کانالی نهادی برای بیان و انتقال مطالبات وجود ندارند یا چنین کانالی کارایی خود را از دست داده است. خیابان امروز مرئی ترین و ملموس ترین عرصه کشمکش میان دولت - سرمایه - مردم است. سرمایه خیابان را برای انباشت ارزش اضافی می خواهد، دولت برای کسب و تثبیت اقتدار و مردم برای مقاومت علیه سلطه و استثمار. هر سه درعین حال سر ساختن "معنا" در خیابان در رقابت و تنش دائم اند."

### سینما

#### جلوگیری از اکران ۲۰۳ فیلم در عرض ۳ سال



"خانه سینما" اعلام کرده که در سه سال گذشته، هر سال نزدیک به ۴۵ فیلم سینمایی از وزارت ارشاد اسلامی پروانه ساخت دریافت کرده اند، اما به دلیل سانسور به نمایش عمومی درنیامده اند. با این فیلمها چه باید کرد؟ کانون فیلمنامه نویسان و انجمن تهیه کنندگان و کارگردانان سینما از خانه سینما خواسته اند این فیلمها را دستکم در جشن خانه سینما در حلقه سربسته ای از سینماگران نمایش دهد.

"خانه سینما" اما ادعا می کند میسر نیست و می افزاید: "۴۰ فیلم در سال ۹۴، ۴۵ فیلم در سال بعد و ۴۳ فیلم در سال ۹۶ تولید شده که دیده نشده اند. به این ۱۲۸ فیلم باید ۷۵ فیلم ما هم اضافه می شد و به این ترتیب در طول دو ماه باید

روزی پنج فیلم را به نمایش بگذاریم که این غیر ممکن است. این پیشنهاد عملی نیست. نه این که نخواهیم، چون اتفاقاً نظرات مثبت بود، ولی به شکل تکنیکی نمی توانستیم آن را اجرایی کنیم."

### آیا ونیز، کن را تحت الشعاع قرار داده؟

اسامی فیلمهای پذیرفته شده در هفتاد و پنجمین دوره جشنواره جهانی فیلم ونیز روز چهارشنبه بیست و پنجم ژوئیه اعلام شد. قدیمی ترین جشنواره سینمایی جهان حدود یک ماه دیگر در جزیره لیدوی ونیز افتتاح می شود. انتخابهای ضعیف جشنواره کن امسال، راه را برای جشنواره ونیز باز کرده تا یکی از بهترین دوره های خود را با دعوت از تعداد قابل توجهی از سینماگران به نام در پیش داشته باشد؛ به شکلی که گفته می شود برخی از این سینماگران، فیلمهای خود را به جشنواره کن ارایه نکرده اند و به دلیل کیفیت چشمگیر جشنواره ونیز در دو سه سال گذشته - به ویژه سال پیش که شماری از بهترین فیلمهای سال را ارایه کرد - منتظر جشنواره ونیز مانده اند. امسال در بخش مسابقه جشنواره ونیز، فیلمسازان ستایش شده ای چون برادران "کوئن"، "مایک لی"، "ژاک اودیارد"، "اولیویه آسایاس"، "آلفونسو کارائون" و "یورگس لانتیموس" به رقابت با یکدیگر خواهند پرداخت. از آنجا که فیلمسازی چون "اودیارد" و "آسایاس" بیشتر در جشنواره کن شرکت می کردند، زمزمه های عقب ماندن جشنواره کن از ونیز بالا گرفته است.

### جشنواره سینمایی لوکارنو با اعلام برندگانش خاتمه یافت



هفتادویکمین دوره از جشنواره سینمایی لوکارنو شامگاه شنبه (۱۱ اوت / ۲۰ مرداد) با اعلام برندگان به کار خود پایان داد. فستیوال لوکارنو که از سال ۱۹۴۶ به این سو هر سال در بخش ایتالیایی زبان سوییس برگزار می شود، پس از جشنواره های کن، ونیز و برلین، چهارمین جشنواره مهم سینمایی در جهان به شمار می رود.

در جشنواره امسال، فیلم "سرزمین خیالی" از کشور سنگاپور و با کارگردانی "یئوسیه هوا" موفق به شکار

یوزپلنگ طلایی شد. "سرزمین خیالی" داستان یک کارگر ساختمانی است که به تنهایی از چین آمده. او در زمینهای سنگاپور گم شده و یک مامور پلیس که دچار بی خوابی است، می کوشد از ماجرای پشت این زمینها و حکایت این مهاجر پرده بردارد. این فیلم از جمله به کار در دنیای مدرن و استثمار کارگران می پردازد.

### هنرهای نمایشی

#### "پیکره زن، به مثابه میدان نبرد"

این جمله ایست از "ساشا والتز" که یکی از شگفت انگیزترین آثار هفتاد و دومین دوره جشنواره "آوینیون" در فرانسه را با نام "مخلوق" (Kreatur) در روزهای پایانی ماه گذشته بروی صحنه برد. این اثر مفهوم قدرت را در اصلی ترین عنصر رقص، یعنی بدن می کاود و می شکافد و فارغ از هیاهو و شعار، اثر درگیر کننده ای خلق می کند که جدای از زیبایی بصری حیرت انگیز، تماشاگرش را به تفکر و کنکاش درباره مفاهیم مورد نظر خالقش وا می دارد.



موسیقی مورد استفاده در اجرا، ترکیب غریبی است که با استفاده از صدای کارخانه‌ها شکل گرفته و به طرز شگفت‌انگیزی با فرم و محتوای اثر پیوند می‌خورد. صدای کارخانه‌هایی در ایتالیا، آلمان و روسیه مورد استفاده طراحان صدای این اثر قرار گرفته تا مفهوم بردگی و مفهوم قدرت را در دنیای معاصر موکد کنند و عجیب اینکه این صداهای ناهنجار، رفته رفته به ویژگی و خصوصیت اثری بدل می‌شود که بدون آن نمی‌توان این رقص را متصور شد.

جشنواره آوینیون که در شهری به همین نام در فرانسه برگزار می‌شود، یک اتفاق هنری مردمی و معاصر است. این جشنواره در سال ۱۹۴۷ توسط "ژان ویلار" بنیان نهاده شد و امروز یکی از مهم‌ترین رویدادها در زمینه هنرهای نمایشی معاصر در دنیاست.

### ماهی سیاه کوچولو به پالیز رسید

محمد عاقبتی نمایش "ماهی سیاه کوچولو" را از ۲۹ مرداد به تماشاخانه پالیز می‌آورد. "ماهی سیاه کوچولو" نوشته مهنوش علیا (براساس داستان صمد بهرنگی)، به کارگردانی محمد عاقبتی، پس از اجرای موفق خود در تماشاخانه شهرزاد و نیویورک آمریکا، در تازه‌ترین اجرای خود در تماشاخانه پالیز روی صحنه می‌رود.

در خلاصه داستان این نمایش آمده است: "ماهی سیاه کوچولو با مادرش در برکه‌ای کوچک زندگی می‌کند و رویای دریا در سر دارد." شهرزاد بهشتیان، آوا درویشی، مازیار سیدی، ناز شادمان، پارمیس عقدایی، مانیا علیجانی، مانلی قراخان در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.



### آنچه که روزی انقلابی کوچک بود، اینک جهانی را به لرزه کشانده

وقتی هشت گروه مستقل تیاتر در سال ۱۹۴۷ به صورت غیررسمی در جشنواره شناخته شده "ادینبرا" شرکت کردند، تصور نمی‌کردند که خود بنیانگذار یک جشنواره تازه شوند. آنها برنامه‌های خود را تحت عنوان "فرینج" (حاشیه) ارایه کردند؛ عبارتی شبیه به "گروه‌های حاشیه‌ای". هدف آنها این بود که فعالیت‌های فرهنگی و تئاتر بدون محدودیت روی صحنه برود.

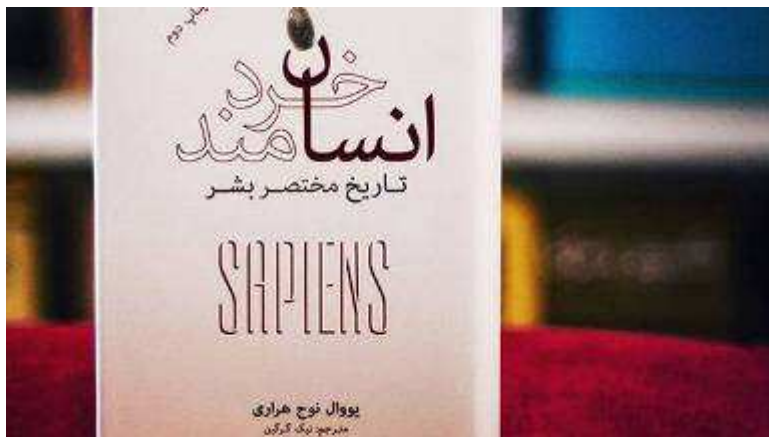


آنچه روزی انقلابی کوچک بود، امروز - پس از ۷۱ سال - به بزرگترین جشنواره فرهنگی با شرکت کنندگانی از بیش از ۵۰ کشور جهان تبدیل شده است. "فرینج" در عمل دیگر در حاشیه نیست، بلکه با برنامه ریزی و سازماندهی جداگانه و با بیش از یک میلیون بلیت فروخته شده در سال، جشنواره اصلی را با فاصله زیاد - جشنواره بین المللی ادینبرا - پشت سر گذاشته است.

جشنواره ادینبرا از دو بخش اصلی (جشنواره بین المللی) و "فرینج" تشکیل شده است. فرینج که روزی در حاشیه جشنواره اصلی و با هدف برگزاری بدون محدودیت فعالیتهای فرهنگی شکل گرفته بود، امروز بزرگترین جشنواره فرهنگی جهان است. این جشنواره همه ساله در ماه اوت و در پایتخت اسکاتلند برگزار می شود.

## ادبیات

### رونق روزافزون کتابهای آنتیستی در ایران



مجازات آنتیست و بی خدا بودن در ایران مرگ است، اما بسیاری از کسانی که خود را بی دین معرفی می کنند، خود را آنتیست نمی دانند و به تعبیر عرفان کسرای، پژوهشگر مطالعات علم، "برخی نیز موقعیت خود را جایی میان خدا ناباوری و ندانم گرایی می دانند".

با این حال رونق گرفتن انتشار و فروش کتابهایی که می توان آنها را به طور کلی و در مواردی با

مسامحه، کتابهای آنتیستی خواند، موضوعی است که در بازار کتاب ایران در سالهای اخیر کاملاً به چشم می آید؛ کتابهایی که یا نویسندگان آنها از آنتیستهای معروف دنیا هستند یا موضوع و مضمون آنها زیربنای تکاملی با رویکرد تاریخی دارد. انتشار کتابچه "اراده" اثر عصب شناس معروف، "سام هریس"، و باز نشر کتاب "ساعت ساز نابینا" اثر مشهور "ریچارد داوکینز" پس از یک دوره توقیف و نیز پرفروش شدن آثار تازه ای چون "انسان خردمند" اثر "یووال نوح هراری"، نشانه های نیاز جامعه کتابخوان ایرانی به آثار علمی و حتی شبه علمی ای است که دنبال چشم اندازهای تازه ای در افق اندیشه می گردد.

(منابع: دویچه وله، ایلنا، صدای آمریکا، رادیو فردا، رادیو زمانه، بی بی سی، جنگ خبر)

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)



## ۳۷ این سالها

م . وحیدی

تو پیاده رو و اطراف بیمارستان شلوغ است. بساطیها، دستفروشها، متکدیان زن و مرد و کودک و معتادها و جیب برهای تازه کار و...بیکاره ها تو هم می لولند. داخل مغازه ها، اما خالی و بی مشتری است. پیرزنی کنار جوی آب، بساط فال نخود پهن کرده و چند دختر نوجوان جلوش نشسته اند. خیابان راه بندان است. صدای بوق ماشینها بلند است. از جلو مسجدی، صدای قرآن و نوحه خوانی به گوش می رسد.

هوا گرم است و خورشید پوست را می سوزاند. زنی سیاه چرده با سی و پنج شش سال سن می آید گوشه پیاده رو می ایستد. دمپایی پوشیده و چادر خاکستری سرش است. دو جای چادرش وصله خورده است. نوزادی به بغل گرفته و آرام تکانش می دهد. نوزاد در پارچه ای کثیف پیچیده شده و نق می زند. زن مضطرب است و با تشویش به اطراف نگاه می کند. مردی کوتاه قد و خپله با ته ریشی چند روزه، به او نزدیک می شود.

- آوردیش؟

نگاه هراسان و مضطرب زن تو صورت مرد سر می خورد.

- آره...می بینی که بغلمه!

زن پر چادرش را کنار می زند. نوزاد را نشان می دهد. پلکهای نوزاد بسته است. مرد گردن می کشد و خوب به چهره نوزاد نگاه می کند. لبخند کمرنگی رو لبان مرد می نشیند. دست می برد، با نوک انگشت سبابه، لبان نازک و ظریف نوزاد را نوازش می دهد. زن جابجا می شود و نوزاد را عقب می کشد. مرد خودش را جمع و جور می کند و لبخند از گوشه لبش محو می شود.

- خب!...چند گفתי بالاخره؟

زن بدون اینکه به مرد نگاه کند می گوید: دیروز که تو بیمارستان بهت گفتم...صد و پنجاه هزار تومن.

مرد لب ورمی چیند. شانه هایش را بالا می اندازد. این پا و آن پا می کند. به طور مصنوعی اخم می کند.

- صد و پنجاه هزار تومن؟!...چه خبره؟!...نوبرشو که نیاوردی...کمتر حساب کن!

و منتظر واکنش زن می شود. زن نوزادش را در دست جا به جا می کند. بازوهایش خسته شده اند. با تغییر لحن جواب می دهد.

- دیروز مگه تو بیمارستان همین قدر طی نکردیم؟

مرد با بی قیدی جواب می دهد: دیروز را ولش کن!...من سرم گرم بود...هوشیار نبودم... الان چن میدی؟

و دستی به صورت گوشت آلودش می کشد و زیر گلویش را می خاراند.

زن سرش پایین است. لحظاتی بین شان سکوت می شود. مرد با آرامش سیگاری از جیب در می آورد و آتش می زند.

سعی می کند خودش را خونسرد نشان دهد. زن مستاصل است. چند ثانیه بعد، چشمهایش رو صورت مرد می لغزد

- چرا دبه درمباری؟!...مگه دیروز صد و پنجاه هزار تومن طی نکردیم؟!... تازه پسر هست.

صدای زن می لرزد. لبانش را روی هم می فشارد.

تو پیاده رو همهمه است. جلو پای پیرزن فال گیر، مشتریهای جدید نشسته اند. زن نوزادش را با پر چادرش باد می زند، هوا خفه و سنگین است.

گونه های نوزاد از گرما گل انداخته و پیشانی اش عرق کرده است. زن دستی به سر و صورت نوزادش می کشد و می گوید:

- اصلا خریدار هستی یا نه ؟

مرد دود سیگارش را به سمت آسمان فوت می کند. آب دهانش را قورت می دهد و بدون نگاه کردن به زن می گوید: اگه خریدار نبودم که نمی آمدم سراغت... خودم گفتم بیارش... ولی قیمت بالاست، تازه من فک می کردم دختره... من دنبال نوزاد دختر می گشتم.

زن دندانهایش را رو هم می ساید.

- حالا که پسره... دیروز هم بهت گفتم پسره ... تو خریدار نیستی!

مرد در حالی که دود سیگار از گوشه های لبش بیرون می زند صحبت می کند.

- من خریدار نیستم؟ بیا اینم پول !

و دست می کند در جیب شلوارش، بسته ای اسکناس درشت در می آورد و جلو صورت زن تکان می دهد.

- ببین! جربینگی پول بهت می دم ... فقط قیمتو بیار پایین!

زن با دیدن برگه های اسکناسهای درشت وسوسه می شود و چشمهایش برق می زنند. لحظه ای می ماند چه بگوید. نگاهش به جای نامعلومی می رود. مرد می گوید: اینو که بفروشیم، مدتی راحت می شیم...

زن راضی نیست.

- خدا را خوش نمی یاد ...

مرد قاطع و بی شکاف است.

- خدا رو خوش می یاد ما از گشنگی بمیریم؟ ... من که ندارم هر روز کلی پول شیر خشک اینو بدم؟... همین سه تا را بتونیم بزرگ کنیم هنر کردیم ..

زن در مانده است. این پا و آن پا می شود. سکوتش را می شکند.

- آخرش چن میخوای بخری؟

- صدتا

- صدتا؟! ... بی انصاف؟ ... نه! نمی دم... مگه بچه رو پیدا کردم؟

- صد و بیستتا؟

- نه!... اصلا نمی فروشم.

- صد و سی خوبه ؟

زن احساس گناه می کند. لبانش را گاز می گیرد. چهره اش عبوس است.

- خدا از مون قهر می کنه !

مرد با دلداری و آرامش می گوید: نگران نباش!... کار که پیدا کردم، یکی دیگه درست می کنیم! ... الان با این پول می تونیم کمی از قرض و قوله هامونو بدیم... برای این سه تا دیگه هم یه دست لباس بخریم... اجاره اتاق عقب افتادمونم بدیم.

مرد آخرین پک را به سیگارش می زند و فیلترش را می اندازد زمین.

- تو هم کمی راه بیا دیگه!

زن مردد است. نوزاد را این دست و آن دست می کند و می گوید: آخرش صد و چهل تا ... دیگه کمتر نمی دم ...

و با پر چادر، دانه های ریز عرق را از رو پیشانی و چهره نوزادش می گیرد

- اگه به پولش نیازناشتیم اصلا نمی فروختمش.

آمبولانسی با سر و صدا وارد بیمارستان می شود. مردم کنار می کشند. مرد خپله صد و چهل هزار تومن می شمارد و به طرف زن دراز می کند.

- ولی از این معامله چیزی نصیب من نمی شه... فقط حمالی اش برای من می مونه ...  
بقیه پولها را می چپاند تو جیبش. سیگار دیگری بر لب می گذارد و روشن می کند.

زن در حالی که با یک دست پول ها را می گیرد، نوزاد را در آغوش مرد جای می دهد. نوزاد بیدار شده و گریه می کند. مرد تکانش می دهد و راه می افتد.

زن پولها را می شمارد و تو کیف پارچه ای اش می گذارد و از سمتی دیگر دور می شود. صدای نوحه و خواندن قرآن هنوز از سمت مسجد بلند است.



در حوالی جهانی چاک چاک و خونین

که صبح خروشش

ببرآسا

در بیشه های ناسور می دود

م. وحیدی (م. صبح)

## ناقوس

به کولبران گرسنه و ستم دیده میهنم

ای که نامتان

اکسیر جوانی است

و دفینه خواب تان

پلهای آبی را

به هم پیوند می دهد

غریو شاهراهها

کوله بارتان را حمل می کنند

تا ناقوسهای یاغی خون تان

جزیره های مومیایی سکون را

پرطنین تر سازند

گوزنهای تشنه

از دستان شما

آب می نوشند

و گنجشکها

برشاخسار یخزده

کرانه های خنیانگر را

قدح شراب می دهند



موجهای برخاسته

حصار افق را می شکنند

تا بادبانهای برافراشته

از مرز تاریکی عبور کنند

ما در خلوت ستاره

خانه داریم

در متن کبود پر ققنوسانی مهاجر و

پلک مادرانی داغ دیده

که از پشت شیارهای شلاقهای خواب آلوده

به جاده های نجیب می نگرند

## بحران بی‌آبی و جنبش تشنگان در مرداد ۹۷

زینت میرهاشمی

دامنه بحران آب هر روز گسترش می‌یابد و شهروندان بیشتری با این مُعضل کلان که محصول عملکرد رژیم ولایت فقیه



است روبرو و درگیر هستند. بر اساس آمار حکومتی، تهران و ۲۰ استان دیگر از خشکسالی شدید رنج می‌برند. در استانهای تهران، البرز، قزوین، آذربایجان شرقی، زنجان، فارس، خراسان رضوی، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، خوزستان، بوشهر، کرمان و قسمتهایی از کرمانشاه، لرستان، یزد، سمنان، قم، سیستان و بلوچستان همچنین بخشهایی از اصفهان و چهارمحال و بختیاری خشکسالی بلند مدت شدید و حتی بسیار شدید وجود دارد.

ابعاد این بحران به شکلی که پایوران حکومت جابجا بدان اعتراف می‌کنند و البته هیچ راهکار موثر برای برون رفت از آن ارایه نمی‌دهند. در مرداد ماه سال جاری برخی از پایوران رژیم بار دیگر به ابعاد بحران خشکسالی اشاره کردند.

روز دوشنبه ۸ مرداد، صادق ضیائی‌ان، رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی گفت: «در بازه ۱۲۰ ماه اخیر منتهی به تیرماه سال جاری، ۹۷ درصد مساحت ایران به خشکسالی انباشته و بلندمدت دچار شده است و همین موضوع وضعیت ذخیره آبی کشور را در مناطق مختلف نشان می‌دهد.» (ایسنا)

روز یکشنبه ۱۴ مرداد، رضا کابلی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان زنجان گفت: «از ۹۵۰ روستای استان زنجان ۱۲۱ روستای استان دچار بحران آبی است.» (مهر)

به گزارش خبرگزاری حکومتی میزان، روز دوشنبه ۱۵ مرداد، رحمانی فضلی وزیر کشور رژیم در این مورد می‌گوید: «مشکل آب بسیار جدی است، امسال [۵ ماه نخست سال] حداقل ۲۰ اعتراض و درگیری در مساله آب داشتیم، همه می‌دانند آب در کشور کم است و میزان بارندگی کم شده است، اما هیچ اقدامی از سوی «سمن» ها [سازمانهای مردم نهاد] برای یک حرکت بزرگ در کشور انجام نشده است.» وزیر کشور با این سخنان بار مسئولیت را از دوش رژیم برداشته و آن را به نهادهای کوچک که هرگز قادر به مهار این بحران نخواهند شد، واگذار می‌کند.

روز سه شنبه ۱۶ مرداد، عزیز سارانی، نماینده استان سیستان و بلوچستان در شورای عالی استانها گفت: «میزان کمی آب در پشت سدها و ذخیره گاههای سیستان و بلوچستان وجود دارد که آن هم با وجود گرمای بالا در حال تبخیر است و در مهرماه آب این استان تمام می‌شود. هم اکنون بیش از ۳ هزار روستای استان سیستان و بلوچستان با ۳۴۷ هزار جمعیت هیچ گونه زیرساخت آبرسانی ندارند و آب این روستاها توسط تانکر تأمین می‌شود که هیچ تضمینی وجود ندارد هر روز این تانکرها آب برای مردم ببرند.» (ایلنا)

سخنان عیسی کلانتری که در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد سال جاری که پوشش خبری گسترده‌ای داشت بسیار تکانه‌دهنده است. به گزارش ایلنا، این کارگزار حکومت در مسئولیت رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌گوید: «در سال ۱۳۹۶، میزان بارندگی در ایران ۲۵ درصد کاهش داشته و به زیر ۲۰۰ میلیمتر مکعب رسیده است. ... مصرف آب تنها ۸ یا ۹



کشور دنیا بیش از ۴۰ درصد است و ایران پس از چاد، بالاترین درصد مصرف آب با ۶۵ درصد را دارد. ... [سد] گتوند یک فاجعه بود، یک اشتباه نبود، آبروی نظام مهندسی کشور را در گتوند به حراج گذاشتیم. ... تقریباً می‌توان گفت همه رودخانه‌های کشور خشک شده و میزان متوسط آب در ۳۰ سال گذشته از ۱/۶ میلیارد مترمکعب امروز به ۶ میلیون مترمکعب رسیده است. ... بعد از انقلاب فکر کردیم آزادی و قدرت کشور در خودکفایی گندم است. راه غلط را پیمودیم و با



حمله به مراتع، خاک و مراتع را نابود کردیم. ... در آن زمان به حرف کارشناسان متخصص عمل نکردیم و آنان را طاغوتی قلمداد کردیم، نتیجه این امر آن است که در حال حاضر رتبه یک در فرسایش آب،

خاک و مواد ژنتیکی در جهان متعلق به ایران است. ... از ۹۰ درصد آبی که در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، ۶۰ درصد هدر می‌رود. ... در حال حاضر رودخانه‌های شمال کشور، جانوری به عنوان آبی ندارند. ... طبق بررسی‌های انجام شده، ۱۸ درصد دریاچه ارومیه به دلیل شرایط اقلیمی و ۸۲ درصد آن نیز به دلیل مدیریت غلط انسانی خشک شده است. در حال حاضر در شهر اصفهان که مانند شهر فینیکس [Phoenix] در آریزونا است، کشاورزی و گاو خونی تعطیل است. من معتقدم دکتر کردوانی بسیار بسیار خوشبینانه درباره اتمام آب تا ۵۰ سال آینده صحبت کرده است و ما خیلی زودتر از این زمان با بی‌آبی مواجه می‌شویم.»

روز یکشنبه ۲۱ مرداد، ابوالقاسم سوزنچی، رئیس خانه کشاورز استان همدان در گفت و گو با ایسنا گفت: «طبق پیش‌بینی‌های انجام شده بسیاری از استانهای کشور در ۵۰ سال آینده دچار بی‌آبی می‌شوند اما با این آهنگ مصرف، همدان طی ۲۰ سال آینده آبی نخواهد داشت.»

روز سه‌شنبه ۲۳ مرداد، حسین دهقان، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای استان گلستان در گفت و گو با ایسنا اعلام کرد که: «در حال حاضر تنها ۱۰ درصد از ظرفیت ۲۶۸.۵ میلیون متر مکعبی از حجم آب سد های گلستان آب دارد و حجم آب سدهای گلستان نسبت به سال گذشته ۴۳ درصد کاهش یافته است.»

روز سه‌شنبه ۳۰ مرداد، علی سجادی، بخشدار مرکزی سمیرم به خبرنگاران گفت: «خشکسالی سبب بیکاری و مهاجرت در سمیرم شده و کاهش منابع آب علاوه بر تنشها و خشکی باغها و درختان، مشکلات معیشتی و اجتماعی دیگری را نیز ایجاد کرده است.» (ایرنا)

سمیرم با ۵ هزار و ۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت، ۱۵۰ آبادی و روستا، چهار شهر و چهار بخش مرکزی، دناکوه، وردشت و پادنا با افزون بر یکصد هزار نفر جمعیت در ۱۶۰ کیلومتری جنوب اصفهان قرار دارد.

روز سه شنبه ۳۰ مرداد، عبدالله کیانی، رئیس شورای اسلامی استان اصفهان گفت: «بحران آب مساله بسیار جدی و پیچیده ای است. استقرار صنایع آب بر در اقلیم خشک استان، بی توجهی به مسائل اقلیمی و جغرافیایی و آلودگی منابع آب شیرین حاصل از آلاینده های کشاورزی و صنعتی و فرسودگی شبکه های آب شهری از موارد ایجاد این بحران است. ربط دادن دلیل ایجاد بحران آب به مساله کاهش نزولات جوی، فرافکنی مساله و ساده سازی موضوع است. آثار زیانبار بخش عمده سد سازی در کشور برغم اثرات نامطلوب زیست محیطی آن و تحت تاثیر سود بالای پروژه های سد سازی، نادیده گرفته شده است. ... مساله آب یک مساله بخشی نیست، بلکه یک بحران ملی است که نمود آن در استان اصفهان بسیار آشکارتر است.» (ایرنا)

زاینده رود بزرگترین رودخانه منطقه مرکزی ایران به طول ۳۵۰ کیلومتر در دهه های اخیر به دلیل خشکسالیهای متوالی، تراکم جمعیت و افزایش برداشت، به یک رودخانه فصلی تبدیل شده است. میزان بارش و آب ذخیره شده در پشت سد زاینده رود بیانگر شرایط نامطلوب در فلات مرکزی ایران بویژه استان اصفهان است. خشکسالی امسال در ۷۰ سال اخیر بی سابقه توصیف شده و این پدیده اکنون ۹۰ درصد از وسعت استان اصفهان را فرا گرفته است.

### جنبش برای داشتن آب

روز دوشنبه اول مرداد، کشاورزان معترض ورزنه در اعتراض به ندادن حقا به شان در ورودی این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. تعدادی از این کشاورزان تراکتورهای شان را نیز با خود آورده بودند. در همین روز مردم کرج به دلیل قطعی آب، اقدام به تهیه تانکر آب کردند اما چون اجازه ورود تانکرها به داخل شهرک داده نشد، اقدام به تجمع کردند.

روز سه شنبه ۲ مرداد، گروهی از کشاورزان روستای اصغرآباد، در اعتراض به کم آبی و مطالبه حقا به، در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

بامداد چهارشنبه ۱۹ مرداد، جمع زیادی از مردم و کشاورزان در مرغملک استان چهارمحال و بختیاری در برابر استانداری دست به تجمع و اعتراض زدند.

روز سه شنبه ۲۳ مرداد، کشاورزان روستای قره چال در آذربایجان شرقی به ماموران سرکوبگر نیروی انتظامی که برای جمع آوری پمپهای آب اقدام کردند، اعتراض کرده و با آنان درگیر شدند. ساکنان شهر «چغادک» در استان بوشهر شامگاه سه شنبه ۳۰ مرداد در اعتراض به ۲۰ روز بی آب بودن مقابل اداره آب این شهر تجمع کردند. نیروی سرکوبگر انتظامی به این تجمع مسالمت آمیز حمله کرد. چغادک با بیش از ۱۶ هزار جمعیت در مسیر جاده بوشهر- شیراز قرار دارد.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard\_khalgh

[https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

## پاییز داغ

برگردان: پویش خاوری

"In a statement to the Bologna newspaper *Resto del Carlino* today the heads of Italy's two largest industrial groups, Sig. Gianni Agnelli of FIAT and Sig. Giuseppe Penzilli of IRI expressed their anxiety over the situation in Italy, which is growing to a full-blown famine of the workers. In describing the situation twice the plants, Sig. Penzilli said bluntly that "it associated to anarchy."

### CLASS STRUGGLE IN ITALY: 1960's to 70's

In this pamphlet:

p. 1. "Glossary"  
p. 2. "The Italian Background"  
by Edward Doveson  
p. 6. "Organizing at Fiat"  
a speech by an anonymous worker  
p. 12. "Battle in Cosco Trovato"  
by La Classe  
p. 15. "Cultural Revolution"  
by Lotta Continua  
p. 21. "An interview"  
by anonymous  
p. 22. "Against the State at Base"  
by the Autonomous Assembly of Alife Reese  
p. 41. "Take Over The City"  
by Lotta Continua  
p. 59. "The Working Class Struggle Against the Crisis: Self-Reduction Of Prices in Italy"  
by Bruno Ramirez



prole.info

سخنرانی کارگری در کنفرانس ملی کارگران "کمیته های اصلی در تورین ۲۶ ام و ۲۷ ام جولای ۱۹۶۹". پاییز داغ، زمان اعتصاب کارگران فیات و کارگران کارخانه های دیگر ایتالیا در همراهی و همدلی با دو کارگر کشته شده در باتیپاگلیا (شورش توده ای کارگران تنباکو در پاسخ به تعلیق کارگران) را شرح داده است. این سخنرانی در آگوست ۱۹۶۹ در *La classe*، صفحه ی ۱۳-۱۴ منتشر شده است.

سخنرانی یک کارگر از واحد فیات میرافیوری پیرامون تلاشهای کارگران برای سازماندهی مبارزات نظامی شان تا رسیدن به پاییز داغ ۱۹۶۹ است.

در اظهارات به روزنامه بولونیا رستو دل کارلینو، رهبران دو گروه صنعتی بزرگ ایتالیایی، زیانی آگنلی از فیات و ژوزف پتریلی از آی آر آی نگرانی خود را از وضعیت صنعت، که به دلیل اعتصابها در حال خرد شدن تا رسیدن به توقف کامل است، ابراز کردند و عجیب آنکه در توصیف شرایط واحد ها گفتند از این اوضاع، آنارسی سر زده است! آنچه در ادامه خواهد آمد سخنرانی یکی از کارگران و شرح چگونگی تقویت توان مبارزات تا رسیدن به پاییز داغ ایتالیا در کنفرانس ملی کمیته های کارگری در تورین، در تاریخ ۲۷ و ۲۷ جولای سال ۱۹۶۹ است. سخنرانی به دوره ی باتیپاگلیا، (شورش عظیم کارگران دخانیات در پاسخ به اخراجها) مربوط است، زمانی که کارگران فیات با دیگر کارخانه های ایتالیا در همدردی با کارگران کشته شده در نبرد کورسو ترایانو اعتصاب کردند. این سخنرانی شرح می دهد که چگونه کارگران در کارخانه سازماندهی شدند، مطالبات خود را برگزیدند و چگونه برای به دست گرفتن دوباره ی کنترل مبارزات در پاییز ۱۹۶۹ برنامه ریزی کردند.

### رفقا،

کارگری از فیات میرافیوری با شما صحبت می کند. می خواهیم برای شما شرح دهیم که نبرد ما در آنجا چگونه آغاز شد، چگونه گسترش پیدا کرد و درسهایی که فکر می کنیم تمام کارگران ایتالیایی گرفتند چه بود. این نبرد نتیجه افسردگی و ناامیدی نبود، نتیجه ی تمام آن چیزی بود که طبقه کارگر در طول مبارزات سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ دریافته بود و در میرافیوری بود که تمام این تجربیات با هم جمع شدند و یک گام مهم به سوی رشد و درک سیاسی ما را نمایش دادند.

در آوریل سال ۱۹۶۸ اتحادیه به ما فراخوان یک اعتصاب روتین همیشگی مربوط به ساعات کار، مقاطعه کاری و سرعت



کار داد و این جا بود که همه چیز شروع شد. ما به زودی متوجه شدیم که اتحاد و خشم ما بیش از آنچه است که انتظارش را داشتیم. و اگر ما متکی بر اینها عمل کنیم می توانیم چیزی از اعتصاب بسازیم! اما اتحادیه بی درنگ مداخله کرد تا جلوی ما را با فراخوان به رفراندوم، رای گیری مخفیانه و از این قبیل کارها بگیرد. همه درک می کردند که تاریخ انقضای اتحادیه تمام شده است. می دانستیم که دیگر وقت آن است که

رهبری مبارزه را در دستان خود بگیریم اما در آن زمان نمی توانستیم این درک را عملی کنیم. می خواستیم به زودی و در موقعیتی مناسب این کار را انجام دهیم.

### باتیپاگلیا

در اعتصاب برای همدردی با دو کارگر کشته شده در باتیپاگلیا در آوریل سال ۱۹۶۸ بود که ما گام بعدی خود را در این مسیر برداشتیم. ما کارگرانی هستیم که از جنوب می آییم و تمام بار استثماری که سرمایه داری در شمال برای بالابردن سود خود بر دوش ما می اندازد را تحمل می کنیم. عصبانی بودیم و به جای رفتن به خانه به عنوان کاری که در یک اعتصاب عادی انجام می دهند، در کارخانه ماندیم. درست زیر دماغ کارفرماها برای یک میتینگ مردمی در غذاخوری ماشینها را از کار انداختیم و دست از کار کشیدیم. این اولین قدم ما به سوی نبردی جوشان از درون خود ما در کارخانه بود و کارگران در میرافیوری داشتند قدرتشان را کشف می کردند. تجربه ی خوبی بود. بعد از اعتصاب، بسیاری از رفقا فکر کردند که می توانیم سخت تر یورش بریم. اما آن زمان این کار مشکل بود، چون جایی نبود که برای سازماندهی کارگران را حمایت کند. اتحادیه ها از موضوع خارج بودند و دانشجویان هنوز به صحنه نرسیده بودند.

اعتصاب باتیپاگلیا اعتصابی سیاسی بود. کارخانه ای در شمال به شورش وسیع و بزرگ شهری در جنوب واکنش نشان می دهد و آن را متمرکز می کند. شورش علیه توسعه نیافتگی برنامه ریزی شده در جنوب بود که جوانان و مردان قوی و زنان آنجا را وادار می کرد برای کار کردن در فیات و دیگر کارخانه ها به شمال بیایند و به تقلا بیفتند. می توانیم بگوییم مبارزاتی هم که اغلب بلافاصله بعد از باتیپاگلیا شروع شد، سیاسی بود. کارگران از آکسیلری پلنت شروع کردند و اعتصاب مثل رعد و برق به راننده های جرثقیل، تراموا و واحدهای پرس وسعت پیدا کرد. در تمامی درگیریها کارگران با خشونت و سخت کوشی مهاجران جنوب بر اوضاع غالب شدند. کارگران خشم خود را علیه کلیت برنامه سرمایه داری، دولت آن و بازوهای سرکوبش نشان دادند. کارگران از جنوب برای شکار پاکتهای پر از دستمزد که از قبل در موردش زیاد شنیده بودند به تورین آمده بودند اما به جای آن فیات را یک کمپ برده داری یافته بودند و از این رو به طبع شورشی بودند. آنها از کار کردن امتناع کردند. در ابتدا منفعلانه به بهانه ی مرضی مرخصی می گرفتند اما پس از آن با واکنشی فعالانه تر اتحادیه را تحت فشار گذاشتند که برای اعتصاب فراخوان دهد و این وضعیت فلاکتبار را علنی کند.



## اعتصاب اتحادیه؟

هدف این اعتصابها خیلی فراتر از برنامه ی اتحادیه کارگری در سال ۱۹۶۹ بود. اتحادیه به هیچ وجه نمی خواست اعتصاب وسیعی با شرکت افراد زیاد که در اثر آن تولید بلوکه شود، صورت گیرد. اتحادیه همواره می خواست از اتحاد تعداد کثیر کارگران جلوگیری کند. اما، ما از اتحادیه پیشی گرفتیم و به همه ی کارها سرعت دادیم به طوری که تعداد زیادی از کارگران در اعتصاب شرکت کنند.

وقتی اتحادیه فراخوان دست کشیدن از کار برای دو ساعت را داد، کارگران آن را به ۴ ساعت افزایش دادند و پس از آن ۸ ساعت دست از کار کشیدند و واحدهای مختلف می خواستند که کار را در دوره های زمانی گوناگون متوقف کنند. بنابراین بیشترین ویرانی در روند تولید به بار آمد، دستگاههای پرس چیزی تولید نمی کردند، رانندگان جرثقیل و تراموا دست از حمل و نقل کشیده بودند و بنابراین خطوط تولید عملاً متوقف شده بود.

اتحادیه اوضاع را خطرناک می دید و کنترل بر اوضاع را از دست داده بود و تلاش می کرد جریان مبارزات کارگران را متوقف کند. آنها در ادامه از همان راهکار مدیران و کارفرمایان جانبداری می کردند که به کارفرمایان اجازه می داد به ازای هر یک ساعتی که کارگران خودسرانه و غیر رسمی اعتصاب کنند، آنها را جریمه و بازخواست کنند. اما در نهایت تهدیدهای شان شکست خورد و اعتصاب ادامه پیدا کرد. وقتی که خطوط تولید از کار افتاد، گردهماییها و بحثها میان کارگران جرقه زد. اول در داخل کارخانه و در گردهماییهای محرمانه و چندی بعد به خارج کارخانه با همراهی گروههایی از دانشجویان کشیده شد که در ورودی کارخانه تجمع کرده بودند. این اعتصابها ریشه ها را نشانه گرفت و به دنبال آن بحثهای سیاسی جریان پیدا کرد. در نتیجه ی بحثها، اعتصاب کنندگان به این نتیجه رسیدند که بخش [دستگاههای] پرس را حفظ کنند و ادامه دهند و اعتصاب که در اعتراض به رتبه بندی، دستمزدها و سرعت خط تولید شکل گرفته بود را ادامه دهند.

سرعت دادن به کار در کارخانه از بالا تصمیم گیری شده بود و کار را بر اساس شیوه ای که سرمایه داری می خواست سازماندهی می کرد. بنابراین اعتراض محدود آغازین به زودی به تمام جنبه های روابط کار گسترش پیدا کرد.

## گره وحشی (wildcat strike)

اعتصابهایی که تحت کنترل اتحادیه ها نیست و خودجوش و مستقل است

در آن زمان این مهم بود که از گفتار به عمل گذر کنیم. هنوز یک خط تولید در کارخانه برقرار بود و ما باید آنرا متوقف می کردیم. حتی اگر ضعیف ترین مکان در کارخانه بود. تا سه روز تولید بالا و پایین می آمد، می خواستیم که همه با هم متحد باشیم و گرداگرد کارخانه راهپیمایی کنیم. هر کسی را که هنوز کار می کرد بیرون کشیدیم و اینگونه ۵۰۰ خط تولید را از کار انداختیم. ما متحد شدیم و افزایش حقوقی چشم گیر به عنوان نخستین خواست ما مطرح شد. در این نقطه اتحادیه تمام تلاشش را می کرد که جریان مبارزه را به پت پت بیاندازد. اتحادیه در کلاه شعبده و حقه بازی اش دست برد و به لباس مبدل نمایندگی کارگران درآمد. اتحادیه خودش را نماینده کارگران جا می زد و در عمل جایی که ما می گفتیم "نه" به استثمار، اتحادیه تنها نقش نماینده ی گفتگو با کارفرما ها و مدیران در مقدار استثمار ما را بازی می کرد. اگر واقعا به چیزی مثل نماینده نیاز داریم باید بگوییم که ما همه نمایندگان هستیم! وقتی که آنها برای سرعت دادن به خط تولید تلاش می کنند ما تنها کار را متوقف می کنیم. این راهی بود که ما از درون به سازماندهی خود پرداختیم و اینگونه بود که اتحادیه موفق نشد.

بعد از دو روز جلوگیری رسمی اتحادیه از اعتصاب و چهار روز پس از خاموش کردن اعتراضها برای بگومگو با کارفرماها و مدیران اتحادیه فکر کرد که اوضاع را تحت کنترل خود درآورده است، اما پس از آن که خبر سازش نمایندگان به گوش کارگران رسید اعتصاب شروع شد و یکبار دیگر تمام خطوط تولید متوقف شد. اتحادیه برای ۴ روز فراخوان توقف اعتراضها را داد و ما آن ۴ روز را صرف آمادگی برای مبارزه، روشن شدن مطالباتمان و تقویت توان سازماندهی از درون کردیم و از آن زمان اتحاد ما با فرم سازماندهی مستقل از درون شروع شد. در آن زمان هزاران هزار از ما گرداگرد کارخانه راهپیمایی می کردند. ما ادامه دادیم تا به مواعی که مدیران و کارفرماها برای ما تراشیده بودند، رسیدیم. ما نمی خواستیم از روبه رو شدن با آنها سرباززنیم؛ ما منتظر آنها بودیم. تصمیم گرفتیم از جایی که آسیب پذیرند به آنها ضربه زنیم. تا آن زمان هیچ وقت به این اندازه پیشروی ما پیوسته و مداوم نبود. دریافتیم که در واحد ۵۴ می توانیم به مدت یک هفته در اعتصاب باشیم. ما با بقیه ی واحد ها که می توانستند به ما کمک کنند به طور مشترک سازماندهی کردیم. در آخر هفته اعتصاب با واحدهای ۵۲ و ۵۳ ادامه پیدا کرد و یکبار دیگر خطوط تولید متوقف شد.

### سازماندهی

سازماندهی همیشه نیاز بوده و نیاز خواهد بود. ما در دو سطح شروع به سازماندهی کردیم، هم در داخل و هم در خارج کارخانه. در اینجا کارگرانی بودند که بر کار مزدی با هم متفق بودند و با دانشجویان مداخله جویی که در ورودی کارخانه تجمع کرده بودند سازماندهی می شدند. پس از آن هر روز در انباری نزدیکی کارخانه مجمع کارگران- دانشجویان برقرار می شد و ما در آنجا برای مبادله و درمیان گذاشتن خبرها و اطلاعات از واحدهای گوناگون فیات گردهم می آمدیم. این مجمعهها تنها در سطح تشریک مساعی نبود. ما شروع به انتشار جزوه و اعلامیه کردیم. جزوه ها و اعلامیه هایی برای همه کارگران فیات در مورد اینکه چگونه مبارزه ی ما ادامه پیدا کرد، چگونه ابتکار عمل را به دست گرفتیم و مبارزه در چه مسیری می خواهد ادامه پیدا کند. تا آن زمان اینچنین همراهی میان کارگران و دانشجویان که آنها را برای سازماندهی تظاهرات سوم جولای امسال مصمم کند پیش نیامده بود. همان طور که همه می دانند، این تظاهرات با یک نبرد عظیم کارگران شعله کشید.

هم اکنون در این نقطه (جولای ۱۹۶۹) درگیری برای قراردادهای در راه است و در پرتو آن در تمام چند هفته ی پیشین به سطحی بالا از خودمختاری کارگر-دانشجویان مداخله گر که در ورودی کارخانه تجمع می کردند، رسیده ایم، بحث سیاسی در کف کارخانه گسترش پیدا کرده است و ما را در موقعیتی محکم برای اینکه کار سازمان دادن تمام کارگران در تمام نقاط و تمام کارخانه های فیات را آغاز کنیم، قرار داده است و با آغاز اعتصابهای رسمی اتحادیه محکم تر هم خواهد شد.

### کارگران-دانشجویان

چیزهایی هستند که باید در مورد رابطه ما به عنوان کارگران با دانشجویان و رابطه کارخانه به عنوان یک کل نسبت به گروههای سیاسی خارج کارخانه گفته شود. دلیل ما برای کار کردن با دانشجویان سیاسی بود و هست. دانشجویانی که در مبارزه همراه ما هستند کسانی اند که علیه اربابان مشترک تا انتها می رزمند و حاضرند با ما و مثل ما برزمند. اتحادیه ها و احزاب سیاسی تا انتهای تلخ در کنار ما نخواهند جنگید و در نیمه های راه سازش می کنند و در نهایت کارشان، فقط به کنترل بیشتر کارفرمایان بر ما خواهد انجامید. در حقیقت آنان همیشه کار را خراب می کنند، تلاش می کنند که برای ما و مبارزات ما مانع تراشی کنند و سرعت ما را پایین آورند. روشن است که اگر شما قصد جنگیدن با کارفرمایان را درست تا آخرین سنگر داشته باشید، به سازمان و درک سیاسی روشن از آنچه می خواهید انجام دهید نیاز دارید. این نبرد است

که تا دورانی طولانی ادامه دارد و شما نمی توانید فی البداهه و روز به روز بگویید که چه کاری می خواهید انجام دهید. اما نباید قبول کنیم که این سازمان و درک را حاضر و آماده از طرف گروههایی که برای تبلیغ خودشان دور و بر ما می آیند و نه برای اینکه علاقه ای به کمک کردن به ما در مبارزه داشته باشند، تغذیه کنیم. در چند ماه گذشته، خصوصاً وقتی که مبارزات سراسری و فراگیر می شد، بسیاری از این گروهها را دیدیم که دور و بر ما می آمدند ولی ما هیچ کاری با آنها نداریم. ضروری است که ما سازمان و درک سیاسی خودمان را بر تجربیات و مبارزاتمان که تداوم داشته است و در بین ما بحث و آزمون شده است بسازیم. تماس و برخورد ما با دانشجویان از جنبه های دیگری هم مفید است. ما می توانیم تجربیات مبارزه در دیگر جاها را روی هم بریزیم و شریک شویم، این به عنوان گام اول اتحاد ما با مبارزات تمام مردم کار؛ کارگران کشاورزی، دهقانان، کارگران یقه سفید و تکنسینهاست.

### کورسو ترایانو

سازمانی که ما ایجاد کرده ایم به شکل ضروری وارد دورانی می شود که در آن تنها با مسائل درون کارخانه مواجه نخواهد بود، بلکه با مسایل زندگی کارگرانی روبروست که با روابطی در این شهر درگیرند. ما دریافته ایم که فیات این شهر را کنترل می کند و از همین بابت جنگیدن تنها در داخل کارخانه کافی نیست. ما باید بیرون از کارخانه هم بجنگیم. نبرد باید با کلیت نظم موجود، اجتماعی و توده ای باشد. این چیزی است که به طور دقیق چند هفته قبل وقتی که مبارزه به بیرون از کارخانه گسترش پیدا کرد و به جنگ خیابانی در کورسو ترایانو رسید، اتفاق افتاد. اکنون همه داستان کورسو ترایانو را می دانند. بعد از نبرد ما با رهبرانمان برای ادامه به کارخانه بازگشتیم. ما نباید شکست می خوردیم. ما شکست نخورده ایم. هر کسی که می گوید نبرد ما از کورسو ترایانو مرده دو واقعیت را فراموش کرده است:

اول اینکه آگنلی (رئیس فیات) نتوانست کنترل بر سرعت خط تولید، اضافه کاریها و بر تمام آنچه برای تولید برنامه ریزی کرده بود را دوباره به دست آورد. دوم اینکه او توانایی انجام این برنامه ها را ندارد، چرا که سازمان ما درون کارخانه قوی و قوی تر می شود.

برای توضیح یک گرایش باید بگوییم: نباید فکر کنیم که آگنلی خود را ناتوان از سرعت دادن به خط تولید می بیند، بلکه قرار است از الان چنین هدفی را هر چه کمتر و کمتر امکان پذیر ببیند. کارگران میرافیوری نمی خواهند بیش ازین لگدمال شوند.

اکنون ما سازمانی داریم و این سازمان از آن دسته سازمانهایی نیست که فقط در قله های نبرد قدرتش را نشان دهد. وقتی آگنلی مجبور شد آنهایی که از واحدهای ۵۳ و ۵۴ اخراج یا منتقل کرده بود، به کار برگرداند، قدرت سازمان به اثبات رسید، اما این کافی نیست. گام بعدی بر سر تمدید قراردادها بود. در سپتامبر، جمع کثیری از کارگران ایتالیایی (کارگران فلزکار، صنایع شیمیایی، ساختمان و ...) برای اعتصاب فراخوانده شدند، همه با هم، از طرف اتحادیه شان.

ما معنی قراردادها را برای اتحادیه ها و کارفرمایان می دانیم. آنها اسنادی هستند که به اتحادیه ها و کارفرمایان اطمینان می دهند که کارگران تنها هر سه سال یک بار می جنگند و بعد از آن در کناری می نشینند و مثل بچه های خوب رفتار می کنند. قراردادها قفسهایی هستند که کارگران در آن زندانی اند و کلید آن در دست اتحادیه هاست. آنها می گویند مطمئن باشید که قفس بسته می ماند. اما در سال گذشته در هزاران کارخانه در سراسر ایتالیا، روشن شد که کارگران نظم ترتیب داده شده به دست مدیران و اتحادیه ها را نمی پذیرند.

کارفرمایان می خواستند بعد از دوره ی صلح طولانی با جامعه و با طبقه ی کارگری که پراکنده و ضعیف بود، بر تجدید قراردادها مسلط شوند. اما کارگران با نبردشان در تمام سالی که گذشت این برنامه را در کارخانه ها یکی پس از دیگری به شکست کشاندند.

اکنون، اولین چیزی که باید گفته شود این است که نباید خودمان را با قراردادهای مهار کنیم. کارفرمایان و اتحادیه ها پیش ازین برای اعتصاب بر سر قراردادهای برنامه ریزی کرده بودند. اما ما طبق جدول زمانی آنها نجنبیدیم. هر چند ما دریافته ایم که باید برای استفاده از موقعیت تجدید قراردادهای برای گسترش نبردمان استفاده کنیم. این توانایی ما را به استفاده از قدرتی که گسترش داده ایم نشان می دهد و کارخانه هایی را که پیشاهنگ نبرد بوده اند با آنهایی که خیلی دور از نبرد مانده اند متحد می کند. کارفرمایان و اتحادیه ها از قراردادهای به عنوان ابزاری که ما را پایین نگه می دارد استفاده می کنند، اما ما باید قراردادهای را به حربه ای تبدیل کنیم که با آن طبقه کارگر بتواند بجنگد و سازماندهی کند. باید از آنها برای گسترش سازماندهی سیاسی انقلابی کارگران و تمام مردم [نیروی] کار استفاده کنیم. باید این را با همگانی کردن درسهایی که از نبرد سال گذشته فراگرفتیم انجام دهیم. کارگران ضرورتاً اتحادیه را از کارخانه بیرون کرده و شروع به فرموله کردن مطالبات شان کرده و آنها را بسوی جنگی که کاملاً به دست خود کارگران رهبری می شد بردند. در طول نبرد قراردادهای باید به تسلط پایدار طبقه ی کارگر در هر کارخانه و واحد تولیدی در ایتالیا می رسیدیم و تمام راههایی که قراردادهای و اتحادیه ها برای تضعیف و پراکنده کردن ما طراحی کرده بودند را خراب می کردیم.

در طول نبرد سال گذشته به تکرار مطالبات مسلم ما شکوفا شدند. ما باید آنها را در اختیار گرفت و از آنها به عنوان اولویت برای اتحاد کارگران در سرتاسر ایتالیا استفاده کنیم. این اولویت ها ازین قرارند:

دستمزدهای برابر برای همه، نه اینکه دستمزدها به تولید یا هر استاندارد دیگری مثل زمان، جنب و جوش، انگیزه ها، شرایط پرداخت، اضافه پرداخت و ... که از طرف کارفرمایان تعیین می شود، بستگی داشته باشد، کاهش سریع ساعات کار بدون کاهش دستمزد،

لغو اضافه کاری اجباری،

الغای رتبه بندیهای پایین تر به عنوان اولین قدم به سوی لغو تمام تقسیمهای رتبه بندی،  
برابری کامل با کارگران یقه سفید.

ما در حال سازماندهی بحث سیاسی روی این نقاط به وسیله ی انتشار یک سند بحث درون کارخانه ها هستیم. اما این برای اینکه بدانیم برای چه داریم می جنگیم کافی نیست ما باید بدانیم که چگونه می خواهیم بجنگیم. دوران انفعال دیگر سر آمده است. دوران کهنه ای که ما منتظر می ماندیم تا اتحادیه از بیرون فراخوانی برای اعتصاب دهد و پس از آن یک روز تعطیلات را در خانه بگذرانیم، گذشته است. این ممکن و در واقعیت باورکردنی است که پیشرویهای فعالیت «گره وحشی در پاییز» بخواهد در همان راهی که در بقیه کارخانه ها بود شروع شود و هر جا که اتحادیه فراخوانی رسمی دهند، توسط کارگران از آن به عنوان شانس برای جنبش و اتحاد در نبرد استفاده شود.

### نبرد ما: قدرت ما

آن اعتصابیهایی که اتحادیه می خواهند برای پاییز فراخوان دهند، آنهایی هستند که در آن هزینه ما بیشترین مقدار و هزینه ی کارفرمایان کمترین مقدار است. از آن اعتصابیهایی که در آنجا کارفرما هشدارهای زیادی در مورد اعتصاب می گیرد و می تواند خودش را برای اینکه ضربه ای خیلی سخت نخورد سازماندهی کند و از آن نوع اعتصابیهایی که به ما آگاهی و هشیاری می دهد که قدری بیشتر به یکدیگر برای با هم بودن و سازماندهی کردن خود کمک کنیم. ما توانسته



ایم در اعتصابهای میرافیوری، سابقاً در پیرلی کارخانه لاستیک در میلان و بعلاوه ی بسیاری دیگر از نبردهای پیشرو اخیر، با راههای تازه ای سازماندهی کنیم. ما دریافته ایم که اگر کارخانه قلب قدرت کارگران است، پس باید مرکز قدرت کارگران هم شود. ما دریافته ایم که سازماندهی کردن و جنگیدن درون کارخانه به ما اجازه می دهد که خیلی بیشتر از وقتی که



فقط یک روز را به خانه می رویم، با هم باشیم و بحث و سازماندهی کنیم. و دریافته ایم که اگر ما ازین نوع نظم سازمانی کنار یکدیگر برای رهایی همدیگر در اعتصابهایمان استفاده کنیم، خواهیم توانست به طور موثرتری به کارفرمایان ضربه بزنیم و هزینه کمتری در

اعتصابها پردازیم. این نوع سازمان مستقل و خودمختار تقریباً در تمام واحدهای فیات به وجود آمده است. و در طول اعتصاب در این پاییز برای قراردادهای می خواهیم که آنها به دیگر واحدها و دیگر کارخانه هایی که هنوز به این نقطه نرسیده اند گسترش دهیم. رمز ما نبرد درون کارخانه است چرا که تنها با نبرد در کارخانه است که برای مدتی طولانی تر برخورد با مدیران و دولت ادامه پیدا می کند. ما باید آنها را در ضعیف ترین موقعیت قرار دهیم، جایی که بیشترین و سنگین ترین بها را آنها دهند و ما ندهیم.

### پاییز

سرسختانه باید بگویم که معنی تمام این حرفها این نیست که نبردمان را به کف واحدهای تولیدی منحصر کنیم. بلکه باید از کارخانه برای ساختن قدرتی که می توانیم آنها بیرون از کارخانه در راهی که سازماندهی شده است و در همان زمانی که خودمان می خواهیم ببریم. یعنی اینکه وقتی کارفرمایان حمله ای سخت را در داخل کارخانه آغاز می کنند، مثل تعطیل کردن یا مصالحه، ما باید در موقعیتی باشیم که بتوانیم با تشدید نبرد در کارخانه متقابلاً به آن پاسخ دهیم حتی در این نقطه اگر لازم شد بتوانیم عملاً کارخانه را تصرف کنیم. حالا، مبارزات در پاییز می رود که سخت تر شود. هیچ کس نمی گوید که می خواهیم آخرین برخورد نهایی جبهه ی پرولتاریا با نیروهای تجهیز شده سرمایه داری برای غلبه بر قدرت دولت را ببینیم. بلکه در سال گذشته، بر کارگران ایتالیایی آگاهی انقلابی مسلمی آشکار شده است که مشکلات آنها مشکلات طبقاتی هستند و تنها راه حل آنها حمله قاطعانه به سیستمی است که آنها را با نابود کردن کاپیتالیسم و الغای تمام طبقات جاودانه می کند. مساله ی کنونی ما باید استفاده از مبارزه بر سر قراردادهای در این پاییز برای معنی کردن این آگاهی کلی در سازمان باشد. سازمان پیشرو و مستقل کارگران ایتالیا!

## اصلاحات قانون اساسی در کوبا: ده پرسش کلیدی

آمریکا ۲۱

برگردان: بابک

بحث و گفتگو در باره پروژه قانون اساسی جدید در سرتاسر کوبا به جریان افتاده است. پارلمان کوبا پیش نویس اصلاح قانون اساسی را در ۲۲ جولای (۳۱ تیر) به تصویب رساند. از ۱۳ اوت (۲۲ مرداد) تا ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان)، پیش از آنکه در یک referendum در باره آن تصمیم گیری شود، این قانون در چارچوب بحث گفتگوی توده ای به بحث گذاشته خواهد شد.



خلق کوبا در حال تجربه یک مرحله مهم دیگر در تاریخ خود است: قانون اساسی جمهوری که در سال ۱۹۷۶ با حمایت ۹۷.۷ درصد شهروندان به تصویب رسید، به طور کامل اصلاح خواهد شد؛ یک پروسه طولانی با ابعاد گسترده.

ژنرال ارتش، "رائول

کاسترو روز" (Raúl Castro Ruz)، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، در صدر کمیسیونی متشکل از ۳۳ نماینده از همه بخشهای جامعه قرار دارد و از نظر علمی در نگارش پیش نویس به آن یک افق همگون می بخشند. این پیش نویس سپس به مجمع ملی (مجمع ملی قدرت خلق - *Asamblea Nacional del Poder Popular*, ANPP) ارایه خواهد شد.

پیش از این گروهی از کارشناسان موضوعات قانون اساسی که بسیاری از آنها نمایندگان مجلس بودند، به تهیه مبانی و پایه های اصلاحات پرداختند.

خبرگزاری کوبا، "ای سی ان" (ACN)، اکنون ده پرسش کلیدی پیرامون پروسه کنونی قانون اساسی را با خوانندگان مطرح کرده است:

### چرا کشورها در اصل قانون اساسی دارند؟

قانون اساسی، قانونی است که دولت بر پایه آن قرار دارد. این قانون پایه های ملت، ساختار قدرت و همچنین گستره شمول آن را تعیین و همزمان حقوق و وظایف شهروندان را تضمین می کند. قانون اساسی تشکیل دهنده مهمترین سند قضایی - سیاسی هر کشور، یعنی قانون است. قانون، خطوط قضایی را برای قواعد باقیمانده که در برگیرنده تمامی بخشهای جامعه است، ترسیم می کند.

## اصلاحات قانون اساسی چیست؟

رفرم قانون اساسی تجدید نظر کلی یا جزئی در قانون اساسی یک کشور است و می تواند در اشکال گوناگون انجام شود. منشور کنونی در اصل صد و سی و هفتم تاکید دارد که مجمع ملی قدرت خلق - ANNP تنها ارگانی است که صلاحیت تغییر قانون اساسی را با رای اکثریت که نباید کمتر از دو سوم مجموع نمایندگان باشد و در یک رای گیری علنی، داراست. پیرامون آنچه که به سیستم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برمی گردد، کاراکتر تغییر ناپذیر آن در اصل سوم، فصل ۱ تعیین شده است. براساس اصل یازدهم، تغییر قانون اساسی در حالت تهاجم، تهدید یا اجبار یک قدرت خارجی مستثنی و ممنوع است.

پس از مشروعیت یافتن رفرم توسط اکثریت عددی مجمع ملی و صلاحیتهای آن یا شورای کشوری یا استناد به حقوق و وظایف مصرح در قانون اساسی، برای تصویب نهایی نیاز به کسب رای موافق اکثریت واجدان شرایط رای در یک رفراندوم دارد.

## این اصلاحات چرا صورت می گیرد؟

برای در بر گرفتن دگرگونیهای اجتماعی اقتصادی مندرج در قانون اساسی که در تمام این سالها صورت گرفته و نیز به منظور بنای ساختار دولتی منطبق با دوره حاضر، می بایست این وظایف با مصوبات کنگره های ششم و هفتم حزب کمونیست کوبا پیرامون عالی ترین ارگان رهبری جامعه و دولت، سازگار گردد.

در چارچوب دگرگونیهای کنونی همچنین ضروری است که سایر اشکال مالکیت به رسمیت شناخته شوند و افزون بر آن، محتوای پیمانها و پروتکلها بین المللی مشمول گردند که از سوی کوبا در سالهای گذشته به شرط برابری حداکثر انسانها فارغ از هر شکلی از تبعیض در حقوق مدنی، امضا شده است.

همچنین بحث انجام شده در پارلمان مبنی بر محدودیت زمان تصدی پستهای مهم کشور به دو دوره، باید در عالی ترین قانون کشوری بازتاب یابد.

مساله این است که عالی ترین قانون کشور به گونه ای اصلاح گردد که موجب شکل گیری حکومت و دولتی سازگار با دگرگونیهای کشور مصرح در اسناد حزب کمونیست کوبا شود که سرفصلهای مهم آن عبارتند از: مفهوم سازی از مدل اقتصادی و اجتماعی توسعه سوسیالیستی کوبا، مبانی برنامه ملی اقتصادی و اجتماعی تا سال ۲۰۳۰ و خطوط راهنمای سیاست اقتصادی و اجتماعی حزب و انقلاب.

## این پروسه چه گامهایی را در برمی گیرد؟

اولین گامها برداشته شده اند: مجمع ملی آغاز فرآیند را به تصویب رساند و ۳۳ نماینده را مامور تهیه پیش نویس کرد تا سپس ماده به ماده در نشست پارلمان به بحث و در انتها به رای گذاشته شود.<sup>۱</sup>

پروژه تدوین قانون اساسی جدید آنگاه در سراسر کشور در یک پروسه وسیع بحث و گفتگوی عمومی قرار خواهد گرفت، همانگونه که تاکنون در کوبا در تمام تاریخ انقلاب یک سنت عملی بوده است، هر شهروند می تواند معیارهای خود را ابراز کرده و تغییر در این سند هنجار ساز را پیشنهاد کند.

بحثهای انجام شده در محله های شهری و محلهای کار، بیان واقعی مشارکت عمومی و دموکراتیکی است که در جهان چندان معمول نیست، به ویژه هنگامی که به اتفاقات در جریان پروسه های تدوین قانون اساسی در کشورهای دیگر نگریده شده است.

کمیسیون پارلمانی به تک تک نظرات و پیشنهادات احترام خواهد گذاشت. پروژه قانون اساسی که در نتیجه این روند به روز رسانی شده، آنگاه دوباره در مجمع ملی به بحث گذاشته می شود تا متن برآمده از آن، توسط رای گیری مستقیم و مخفی تمامی مردم به تصویب نهایی برسد.

### آیا برگزاری فراندوم برای تصویب قانون اساسی جدید ضروری است؟



بله، این را قانون اساسی معتبر فعلی تجویز می کند. فراندوم یک شیوه مشارکت مدنی است که به وسیله آن مردم می توانند یک قانون یا یک حکم قانونی دیگر را با رای خود تصویب یا رد کنند. زمانی که فراندوم برگزار شود، هر شهروند کوبایی با یک ضربدر ساده در برابر آری یا نه، به معنای موافقت یا مخالفت، می تواند تصمیم بگیرد.

### چرا فراندوم قانون اساسی از طریق مجمع ملی و نه به وسیله مجلس مووسسان؟

در قانون اساسی فعلی جمهوری، رفرم از این طریق پیش بینی نشده است. اصل شصت و نهم قانون اساسی معتبر فعلی ابراز داشته که مجمع ملی بالاترین ارگان قدرت جمهوری است و اراده مستقل خلق را نمایندگی و بیان می کند. بر این اساس، در اصل هفتادم گفته شده که مجلس یاد شده تنها مرجعی است که صلاحیت اجرای قانون اساسی و قانونگذاری را داراست و بدین منظور - چیزی که در سایر کشورها الزامی نیست - یک مجمع قانون اساسی را فرامی خواند، چراکه قانون اساسی ما از سال ۱۹۷۶ برپاست.

### چرا یک رفرم کامل و نه جزیی قانون اساسی؟

اصلاح کلی قانون اساسی دربرگیرنده دگرگونیهای عمیق در منشور اساسی است که در نهادهای جدید وارد می شود. در این راستا کم و بیش کلیت یک اصل کنار گذاشته شده، گسترش یافته یا اصلاح می شود. بخشی از تغییرات قانون اساسی در سالهای ۱۹۷۶، ۱۹۷۸، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۲ از این نوع بود. به ساختار منشور کنونی افزون بر این، تیر جدید، بخشهای جدید و به طور عمده، اصلهای جدید اضافه خواهد شد.

### چه پرنسیپهایی در قانون اساسی جدید تغییر خواهند کرد؟

هنگامی که در قانون اساسی کنونی به پرنسیب عدالت اجتماعی و انسانی که سیستم سیاسی را تشکیل می دهند و به مثابه پایه های خلل ناپذیر پرداخته می شود، منظور برگشت ناپذیری سیستم سوسیالیستی، وحدت کشور و جایگاه رهبری کننده حزب به مثابه پیشواز سازمان یافته و عالی ترین نیروی رهبری جامعه و دولت است.

### قانون اساسی جدید دربرگیرنده چه مزایای شخصی است؟

یک قانون اساسی یا منشور بر اساس این پرنسیب تدوین می شود که اصول راهنما برای فرمولیزه کردن مشخص تر ابزارهای قانونی باشد. این قانون حقوق و وظایف را مستدل می کند و عاملی برای تامین آنچه است که "خوزه مارتی" (José Martí)، قهرمان خلق کوبا، گفت: "نخستین قانون جمهوری مردم کوبا، کرامت تام و تمام انسان است."



به گونه فردی هر کوبایی با قانون اساسی ابزاری برای دفاع از حقوق خود و راهنمایی برای برخورد با وظایفش دارد. یک قانون اساسی جدید پیام روشنی دارد: در کوبا سوسیالیسم قانونی و در پیوند با قوانین، جاری است.



### کدام منشورهای اساسی تاکنون در کوبا نگارش شده؟

بزرگترین جزیره "آنتیل" دارای یک تاریخ طولانی قانون اساسی است. از هنگام شروع مبارزات استقلال طلبانه ما در سال ۱۸۶۸، هفت قانون اساسی تدوین شده است.

قانون اساسی فعلی در ۲۴ فوریه ۱۹۷۶ در یک رای گیری همگانی به تصویب رسید، درست در هشتاد و یکمین سالگرد شروع جنگ آزادیبخش ۱۸۹۵ که سازمانده اصلی آن خوزه مارتی، قهرمان استقلال کشور، بود.

قابل توجه در تاریخ کوبا این است که میهن پرستان هنوز شش ماه از شروع مبارزه مسلحانه نگذشته، در ۱۰ آوریل ۱۸۶۹ و در گیرودار جنگ و با رادیکالترین شیوه ها، به سود توده مردم قانون اساسی "گوایمارو" (Guáimaro) را تدوین و به تصویب رساندند.

قانون اساسی دیگر در دوران "مامبیس" (Mambises) ۲، منشور "باراگوا" در سال ۱۸۷۸ با فقط چهار اصل است و نیز قانون اساسی "خیمایو" (Jimaguayú) در سال ۱۸۹۵ و "لا یایا" (La Yaya) در سال ۱۸۹۷.

در قرن بیستم، قانون اساسی ۱۹۰۱ حاکم بود که اشغال نظامی کوبا توسط آمریکا مانع بسط آن گردید و همچنین می توان به قانون اساسی ۱۹۴۰ اشاره کرد که تا آن زمان به عنوان یکی از مترقی ترین انواع خود در قاره آمریکا شناخته می شود.

۱. پارلمان کوبا پیش نویس قانون اساسی را در ۲۲ جولای (۳۱ تیر) به تصویب رساند

۲. "مامبی" (Mambí (جمع: "مامبیس" (Mambises) به جنگ استقلال طلبانه کوبا در سال ۱۸۶۸ و ۱۸۹۸ برای رهایی از سلطه استعماری اسپانیا گفته می شود.

## برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مرداد ۱۳۹۷

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

### جنبش رنگین کمان حق خواهی در مرداد ماه، بیش از ۲۲۰۰ حرکت اعتراضی

خیزش‌های توده‌ای در مرداد ماه همراه با حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار، جلوه‌ای با شکوه از جنبش رنگین کمان مردم ایران را در مقابل چشم همگان قرار داد. اعتصاب سراسری کامیونداران، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و دهها حرکت اعتراضی دیگر از جانب نیروهای کار و خیزش‌های توده در شهرهای مختلف نشان داد که قیام‌های ماه دی ۱۳۹۶ فرونشسته و به طور مداوم در گوشه و کنار کشور جریان دارد. خامنه‌ای در روز دوشنبه ۲۲ مرداد با فرار به جلو و برای بی‌اهمیت دادن بیش از ۲ هزار حرکت اعتراضی در این ماه، وقیحانه این جنبش عظیم را به حرکت مگس روی شیرینی تشبیه کرد و گفت: «برخی مقامات امریکا گفتند ۶ ماه دیگر خبرهایی از ایران خواهید شنید، منظور آنها همین حوادث مرداد بود که با وجود هزینه‌های فراوان مالی و سیاسی دشمنان، اینگونه محدود از آب درآمد.» خامنه‌ای با خود فریبی و دروغ ۲۰ روز اعتصاب و تجمع در ۲۰۰ شهر از تمامی استانهای کشور، اعتصاب و تجمع سراسری کارگران راه آهن و چند صد حرکت اعتراضی دیگر از جانب کارگران، کشاورزان، معلمان، غارت‌شدگان، پرستاران، بازاریان و مردم شهرهای مختلف را «محدود» اعلام کرد. گزارش زیر شامل اخبار بیش از ۲۲۰۰ حرکت اعتراضی در مرداد ماه است.

### جنبش بازاریان و خیزش توده‌ای در شهرهای ایران

روز دوشنبه ۱ مرداد، کسبه پاساژ فردوسی مشهد در اعتراض به گران شدن حق شارژ در مجتمع، قطعی مستمر برق و شرایط بد اقتصادی دست به اعتراض و اعتصاب زدند و مغازه‌های خود را بستند. روز سه‌شنبه ۲ مرداد، اصناف مختلف اصفهان در اعتراض به وضعیت اقتصادی موجود دست به اعتصاب زده و در مقابل استانداری تجمع کردند. این تجمع مورد هجوم وحشیانه ماموران نیروی انتظامی و امنیتی قرار گرفت.



روز چهارشنبه ۳ مرداد، کسبه بازار فردوسی در مشهد در اعتراض به قطع مکرر برق و کساد بازار مغازه‌های خودشان را ترک کرده و در بازار فردوسی تجمع کردند. روز پنجشنبه ۴ مرداد، مغازه‌داران و کسبه خیابان قزوین در کرج مغازه‌های خود را بسته و اعتصاب کردند.

روز یکشنبه ۷ مرداد، بازاریان و کسبه بازار ابزار و ماشین‌آلات در اصفهان در اعتراض به گرانی و بالا رفتن قیمت دلار و وضعیت نابسامان اقتصادی دست به اعتصاب زده و مغازه‌های خود را بستند.

روز دوشنبه ۸ مرداد، بازاریان در خیابان جی اصفهان در

اعتراض به موج شدید گرانی و رکود تورمی اعتصاب کردند. در همین روز بازاریان در شهرهای تهران، قشم، بندرعباس، اصفهان، رشت، تبریز، کرج، مرند، شهر ری و ... دست به اعتصاب زدند.

این اعتصاب در تهران در بازارهای طلافروشان، فرش فروشان، آهن و مصالح ساختمانی، پاساژهای علاءالدین، چارسو، شوش و بازار کفاشان در خیابان ۱۵ خرداد و میدان توپخانه صورت گرفت.

روز سه شنبه ۹ مرداد سلسله تظاهراتی در اعتراضی علیه گرانی، بیکاری، فقر و... با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور/ خامنه ای حیا کن، مملکتو رها کن/ کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد» در شهرهای اصفهان (شاپور جدید)، رشت و کرج صورت گرفت که در شبانگاه چهارشنبه ۱۰ مرداد، ادامه پیدا کرد.

بر اساس گزارشات ویدئویی منتشر شده در کانالهای تلگرام، روز سه شنبه ۹ مرداد، مردم گوهردشت کرج در اعتراض به گرانی، بیکاری، تورم و ... اقدام به تجمع و راهپیمایی کردند. مزدوران رژیم با حضور در خیابانها قصد داشتند مردم را متفرق کنند که مردم آنها را هو کردند. مردم شعار می دادند: مرگ بر دیکتاتور/ توپ تانک فشفه، آخوند باید گم بشه/ ملت



گدایی می کند،  
آخوند خدایی می  
کند/ اصلاح طلب  
اصولگرا دیگه تمومه  
ماجر/ ملت گدایی  
می کند، آقا خدایی  
می کند/ دشمن ما  
همین جاست، دروغ  
می گن آمریکاست/  
بیکاری تورم، بلای  
جان مردم/ تا

دیکتاتور رو کاره هر روز همین بساطه/ وای به روزی که مسلح شویمو

به گزارش همبستگی ملی، روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، مردم منطقه شاپور جدید در اصفهان برای دومین روز متوالی با شعارهای خامنه ای حیا کن مملکت را رها کن/ مرگ بر دیکتاتور و تظاهرات کردند. در این روز خیابانهای مختلف این منطقه از جمله امیرکبیر، مشیرالدوله و دانش و چهار راه هزاردستان صحنه درگیری جوانان اصفهان با مأموران سرکوبگر بود.

به گزارش هرانا، روز پنجشنبه ۱۱ مرداد، موج جدید اعتراضات خیابانی در شهرهای اصفهان، شاهین شهر، نجف آباد، کرج، مشهد، شیراز، ساری، تهران، اهواز، کرمانشاه، قهدریجان و اراک با حضور گسترده مردم ادامه یافت.

ینا به همین گزارش برخی تصاویر و ویدیوها حاکی از حضور پر رنگ نیروهای امنیتی جهت پراکنده کردن جمعیت در مناطق مختلف تهران از جمله میدان تجریش و میدان انقلاب است.

روز آدینه ۱۲ مرداد، شورش مردمی در شهرهای مختلف ایران از جمله تهران، گوهردشت کرج، اشتهارد، اصفهان، شاهین شهر، قهدریجان، نجف آباد، اراک، اهواز، زیباشهر، اشتهارد، قرچک و رامین و شیراز ادامه پیدا کرد.

بر اساس گزارشهای منتشره در شبکه های اجتماعی اعتراضها در اصفهان، شیراز و تهران بیش از سایر شهرها به خشونت کشیده شد و لباس شخصیها، بسیجیها و نیروهای انتظامی با مردم درگیر شدند. در تهران تماشاگران مسابقه فوتبال هنگام ترک ورزشگاه آزادی شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند.



خبرگزاری حکومتی فارس، روز شنبه ۱۳ مرداد در مورد قیام مردم اشتهارد به نقل از آخوند جنایتکار هندیانی رئیس حوزه جهل و جنایت این شهرستان نوشت «رأس ساعت ۹ شب بود که آشوبگران به سمت حوزه علمیه اشتهارد حرکت کردند ... آشوبگران با سنگ و آجر نمای حوزه علمیه ماهدشت را هدف قرار دادند ... زمان اذان مغرب که تجمع آشوبگران در مقابل حوزه علمیه دوباره شروع شد و این بار بیش از ۵۰۰ نفر حضور داشتند و شعارهای ساختارشکن و معاندانه سر می دادند». دویچه وله در روز آدینه ۱۲ مرداد، در مورد خیزشهای مردمی گفت: گزارشهایی از تظاهرات در مشهد، قهدریجان و اندیمشک مخابره شده اند. در یکی از ویدیوهای که کاربران دویچه وله از مشهد ارسال کرده اند، دیده می شود که نیروهای امنیتی به حال آماده باش در کنار خیابان صف کشیده اند. در گوهردشت کرج گروهی از معترضان موتورهای پلیس را به آتش کشیدند. در شاهین شهر اصفهان نیز نیروهای امنیتی برای متفرق کردن جمعیت اقدام به پرتاب گاز اشک آور کردند. از قهدریجان نیز ویدیوهای منتشر شده که در آنها دیده می شود معترضان برای مقابله با نیروهای امنیتی در خیابان در فواصل نزدیک به یکدیگر آتش درست کرده اند.

در همین روز صدای آمریکا گفت: بعد از تظاهرات روز پنجشنبه در دست کم ده شهر بزرگ ایران، فیلمها و گزارشهای ارسالی به صدای آمریکا از حمله ماموران به مردم معترض در برخی از این شهرها خبر می دهد. همزمان در برخی از این فیلم ها، تظاهرکنندگان شعارهای تندی علیه رهبر جمهوری اسلامی سر دادند. چند گزارش ویدئویی توسط شهروندان نشان می دهد در اصفهان و منطقه شاپورجدید، معترضان با تیراندازی تهدید شده اند. همچنین در قهدریجان اصفهان ماموران به سوی مردم معترض گاز اشک آور پرتاب کردند.



شب هنگام آدینه ۱۲ مرداد ۱۳۹۷، یکی از جوانان گوهر دشت به نام رضا اوتادی با شلیک مستقیم گلوله مزدوران رژیم به شهادت رسید.

روز شنبه ۱۳ مرداد، رادیو زمانه گزارشی پیرامون پنجمین روز تظاهرات مردمی منتشر کرد. این رادیو گفت: بنا به اخبار منتشرشده در شبکه های اجتماعی، معترضان در اشتهارد کرج در پنجمین روز متوالی از دور تازه اعتراضهای سراسری بار دیگر به خیابان ریختند. معترضان شعار می دادند: «ترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم». تظاهراتی که در نخستین روز خود از محله شاپورنو اصفهان و چند شهر دیگر آغاز شد، اکنون وارد پنجمین روز شده است.

روز یکشنبه ۱۴ مرداد، جوانان دلیر گوهردشت کرج به رغم حکومت نظامی اعلام نشده و حضور فشرده نیروهای سرکوبگر و محاصره فلکه اول این شهر، حوالی نیمه شب در زیر پل موسوم به «شهدا» دست به تظاهرات زدند و با شعارهای مرگ بر دیکتاتور دشمن را بهت زده و غافلگیر کردند. به گزارش همبستگی ملی، در تهران نیز به رغم محاصره نقاط مرکزی شهر مردم به جان آمده در نقاط مختلف به تجمع زدند.

روز آدینه ۱۹ مرداد، در پی اعلام فراخوانهایی مبنی بر سردادن شعارهای اعتراضی در استادیومها، برای اولین بار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با تجهیزات جدید ضد شورش در ورزشگاه آزادی حاضر شد. به گزارش صدای آمریکا، تماشاگران مسابقه استقلال تهران و تراکتورسازی تبریز پیش از آغاز بازی شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. بنا به گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی در پی سر دادن این شعار، نیروهای انتظامی به سوی تماشاگران یورش برده و تعدادی را به شدت مجروح کرد.

روز یکشنبه ۲۱ مرداد، کسبه بازار کفاشان تهران در پاساژهای وحید، اعظم و کمالی در اعتراض به گرانی مواد اولیه برای تولید کفش، دست به اعتصاب و اعتراض زدند.



به گزارش همبستگی ملی، معترضان از سرای اعظم حرکت کرده و سایر مغازه داران را به اعتصاب فرا میخواندند. بازاریان معترض و خشمگین به یکدیگر پیوستند و شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر گرانی سر دادند. به گزارش کانال تلگرام اتحاد، روز دوشنبه ۲۲ مرداد، بازاریان مشهد با شعار «مرگ بر گرانی»، «ما اعتراض داریم، به ما نیاز دارید» و ... تجمع و تظاهرات کردند و سایر همقطاران خود را به اعتصاب و اعتراض فراخواندند. تظاهرات در خیابان عامل مشهد مقابل دفتر اتحادیه با وجود حضور گسترده مأموران انتظامی جریان داشت. معترضان خواستار حضور مسئولان استانداری یا سازمان صنعت، معدن و تجارت استان در جمع خود بودند. اعتصاب بازار مشهد به دنبال دو روز اعتصاب بازار کفشان تهران با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر گرانی صورت می گیرد.

### جنبش سراسری رانندگان کامیون در ۲۰۰ شهر از ۳۱ استان



دور جدید اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و حمل و نقل جاده ای از اول مرداد آغاز شد. اولین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در خرداد سال جاری صورت گرفت و طی دو هفته تمامی ۳۱ استان ایران را

دربرگرفت. رژیم برای مهار جنبش سراسری رانندگان خودروهای سنگین وعده عملی شدن خواسته های آنان را داد و قرار بود تا قبل از اول مرداد این امر تحقق پذیرد.

پیش از اول مرداد رانندگان کامیون در مورد تاخیر در عملی شدن خواسته های شان هشدار داده بودند. قرار بود تا قبل از اول مرداد تمام خواسته های رانندگان عملی شود. اما نه فقط این امر تحقق نپذیرفت، بلکه قیمت برخی از کالاهای مورد نیاز رانندگان افزایش پیدا کرد. برای مثال قیمت لاستیک از «یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان» به بیش از «سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان» افزایش یافت و دریافت انعام رانندگان لغو شد.

خواسته های رانندگان کامیون و رانندگان ترانزیت چنین است:

۱\_ کسر حق پرداختی بیمه رانندگان

۲\_ افزایش حقوق بازنشستگی و سختی کار

۳\_ کاهش قیمت لوازم یدک

۴\_ کاهش قیمت لاستیک

۵\_ افزایش کرایه حداقل ۷۰ درصد

۶\_ کاهش نرخ عوارضی اتوبانها

- ۷\_ ترمیم جاده های پر تردد سراسر کشور
- ۸\_ افزایش سهمیه سوخت ناوگان حمل بار
- ۹\_ حذف دلالان و واسطه ها از پایانه ها و باربریها
- ۱۰\_ اجباری کردن اعلام بارها، در سالنهای اعلام بار در سراسر کشور
- ۱۱\_ کاهش دریافت کمیون باربریها و پیمانکاران شرکت نفتی
- ۱۲\_ کاهش دادن هزینه های اضافی از پایانه های مرزی جهت تردد ترانزیتها در سراسر پایانه های مرزی کشور
- ۱۳\_ رفع کمبود شدید امکانات رفاهی، بهداشتی در پایانه های مرزی و داخلی
- ۱۴\_ نوسازی ناوگان حمل و نقل باری
- ۱۵\_ نظارت بر برخوردهای غلط و سلیقه ای ماموران راهنمایی و رانندگی و مجازات ماموران و افسران رشوه گیر.

به دلیل برآورده نشدن این خواسته ها رانندگان کامیون و خودروهای سنگین اعتصاب خود را از روز دوشنبه اول مرداد در بسیاری از استانها از قبیل؛ آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، سمنان، فارس، قزوین، کرمان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، مرکزی، خراسان رضوی، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، هرمزگان آغاز کردند.

روز سه شنبه ۲ مرداد، خبرگزاری حکومتی ایلنا نوشت: کامیونداران به نشانه اعتراض از حمل بار خودداری می ورزند و در پایانه های شهرهای بزرگ کشور دست از کار کشیده اند. این خبر ساعاتی بعد از خروجی این خبرگزاری حذف شد. کانال تلگرام اتحادیه آزاد کارگران ایران گزارش داد که کامیونداران روز سه شنبه در فرخ شهر، در استان چهارمحال و بختیاری، مرند، قزوین و اصفهان با دست زدن به اعتصاب، از بارگیری خودداری کردند. بر اساس این گزارش، همزمان با این اعتصاب، در پایانه بار مشهد، لاستیک کامیون به قیمت ارزان عرضه شد تا رانندگان به شکستن اعتصاب ترغیب شوند. صدا و سیما جمهوری اسلامی در دومین روز اعتصاب سراسری رانندگان گزارش کوتاهی درباره مطالبات رانندگان اعتصابی چهارمحال بختیاری پخش کرد. رانندگان اعتصابی در پاسخ این سوال خبرنگار که پس از اعتصاب خرداد کدامیک از مطالبات آنها پاسخ گرفته گفتند ۲۰ درصد به هزینه بار افزوده شده اما هزینه کمیسیون و سایر هزینه ها نیز بالا رفته است. رانندگان بر گرانی قطعات یدکی، و ناکافی بودن مقرری بازنشستگی تاکید کردند.

روز چهارشنبه ۳ مرداد، اعتصاب رانندگان برای سومین روز متوالی ادامه یافت. شهرهای اصفهان، شیراز، قزوین، همدان، ملایر، کرمانشاه، چالوس، اسدآباد، توپسرکان، کرمان، تهران، مشهد، زنجان، ارومیه، آبادان، اهواز، کرج، اراک، شاهرود، قزوین، همدان، ملایر، خرم آباد، نقده، نجف آباد، مبارکه، بندرعباس، ساوه، خواف، سبزووار، شیروان، کنگاور، داراب، مرودشت، سمنان، شاهرود، شهرکرد، فرخ شهر، زاهدان، بجنورد، یزد، بندر خمینی، خورموسی، چذابه، جاجرم، گرمه، جهرم، زرقان، فاروق، اندیمشک، بندرماهشهر، قم و... شاهد اعتصاب رانندگان بودند.

به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، روز پنجشنبه ۴ مرداد اعتصاب رانندگان کامیون و خودروهای سنگین در چهارمین روز خود به ۹۲ شهر از ۲۸ استان کشور گسترش یافت.

روز شنبه ۶ مرداد، اعتصاب کامیونداران در ۱۲۱ شهر برای ششمین روز ادامه پیدا کرد.

به گزارش همبستگی ملی، روز یکشنبه ۷ مرداد، اعتصاب سراسری کامیونداران در ۱۲۵ شهر کشور برای هفتمین روز ادامه پیدا کرد.

روز دوشنبه ۸ مرداد ماه، اعتصاب رانندگان خودروهای سنگین و کامیونداران وارد هشتمین روز خود شد.

به گزارش کانال تلگرام اتحاد، روز سه شنبه ۹ مرداد، در پی اعتصاب سراسری کامیونداران و تانکداران که نهمین روز خود را پشت سر گذاشته است، بنزین در جایگاههای توزیع سوخت در شهرستان رشت و شهرهای استان گیلان بسیار نایاب شد. اعتصاب رانندگان خودروهای سنگین در نهمین روز به ۱۵۰ شهر از ۳۱ استان کشور گسترش یافت.

راديو زمانه

روز شنبه ۱۳ مرداد، راديو زمانه طی گزارشی اعلام کرد: منابع خبری نزدیک به کامیونداران و رانندگان، گزارشی مبنی بر تهدید رانندگان توسط نیروهای امنیتی منتشر کردند. به رغم این تهدیدها اما رانندگان کامیون شنبه ۱۳ مرداد در شهرک صنعتی مبارکه اصفهان سیزدهمین روز از اعتصاب را آغاز کردند. در پی این اعتصاب وزارت راه و شهرسازی اعلام کرد نرخ حمل بار را ۲۰ درصد افزایش می دهد حال آن که رانندگان خواستار ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش نرخ حمل بار بودند. روز یکشنبه ۱۴ مرداد، اعتصاب سراسری کامیونداران به بیش از ۱۳۶ شهر گسترش یافت

به گزارش راديو زمانه، اعتصاب رانندگان کامیون و حمل و نقل جاده ای که از اول مرداد آغاز شده روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ادامه یافت. تصاویری از اعتصاب رانندگان در بوکان و نهاوند در رسانه های اجتماعی منتشر شده است. بنا به این گزارش دومین دور اعتصاب رانندگان کامیون و حمل و نقل جاده ای در اعتراض به کمی دستمزد، نابسامانی وضعیت بیمه رانندگان و گرانی قطعات یدکی و با خواست افزایش قیمت بار، افزایش مقرری بازنشستگی، بالا بردن سطح امنیت جاده ها، نظارت بر کار شرکت های حمل و نقل، کاهش کمیسیون باربری از اول مرداد آغاز شد و به بیش از ۲۰۰ شهر گسترش یافت. به گزارش ایران خبر، روز پنجشنبه ۱۸ مرداد، کامیونداران شهرهای مشهد، سبزوار و نیشابور و اسلامشهر برای هجدهمین روز به اعتصاب خود ادامه دادند.

روز یکشنبه ۲۱ مرداد، رانندگان کامیون در همدان چهارمین هفته اعتصاب خود را آغاز کردند.

روز سه شنبه ۲۳ مرداد، راديو زمانه اعلام کرد: دور دوم اعتصاب رانندگان کامیون از یکم مرداد سال جاری آغاز شد و به رغم فشارهای امنیتی همچنان ادامه دارد.

ویدئویی در شبکه های اجتماعی منتشر شده که نشان می دهد رانندگان کامیون در بوکان خودروهای خود را متوقف کرده اند. در همین رابطه شماری از رانندگان کامیون در یاسوج مقابل ساختمان اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند.

بنا بر گزارشی منتشر شده، رانندگان اعتصابی بارها توسط ماموران امنیتی و لباس شخصی تهدید شده اند. یک ویدئو در رسانه های اجتماعی نیز نشان می دهد که ماموران پلیس به رانندگان کامیون در کنار جاده حمله می کنند.

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و خودروهای سنگین میان جاده ای پس از ۲۳ روز متوالی و گسترش آن در ۲۰۰ شهر از ۳۱ استان کشور که با در نظر گرفتن تکرار اعتصاب در بسیاری از شهرها بیش از ۱۶۰۰ روز را شامل می شود، پس از تحقق برخی از خواسته های آنان به طور موقت پایان یافت.

### اعتصاب و تجمع سراسری کارگران راه آهن

در مرداد ماه اعتصاب و تجمع کارگران ترانس در نقاط مختلف کشور جریان داشت. کارگران شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی همزمان در مناطق لرستان، کرج، زاگرس، شاهرود، دامغان، سمنان، سلماس، تبریز، صوفیان، عجب شیر، مرنند، شفاخانه، نیشابور، سبزوار، کاشمر، عطار، هرمزگان (سیرجان) و اسلامشهر تهران همزمان و طی چند روز اقدام به اعتصاب و تجمع کردند.

روز شنبه ۶ مرداد، اعتصاب کارگران گسترش آهن راه در حالی به روز ششم رسید که کارگران واحد شرفخانه روز گذشته از حضور در پروژه ی جدید ممانعت کردند. مدیر پروژه این شرکت گفت: کارفرما در حال پیگیری مطالبات کارگران است. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران واحد سوفیان واقع در آذربایجان گفت: در صحبت‌هایی که کارفرمای شرکت در حضور مدیرکل راه آهن ناحیه آذربایجان با کارگران انجام داد، قرار بر این شد که تا ۵ مرداد حقوق معوقه اردیبهشت ماه به کارگران پرداخت شود اما هنوز هیچ پرداختی صورت نگرفته است.

روز یکشنبه ۷ مرداد، کارگران ایستگاه نیشابور، سبزوار، کاشمر و عطار مقابل ساختمان فرمانداری نیشابور دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت تراورس که امور نگهداری خط و ابنیه فنی خط آهن را انجام می دهد، می گویند: حدود هفت هزار نفر تحت مسئولیت شرکت تراورس در خطوط ریلی سراسر کشور مشغول کارند که مطالبات مزدی و بیمه ای ما تا سه ماه به تاخیر افتاده است. به گفته کارگران شرکت تراورس راه آهن، پیش از این نیز همکاران شان در مناطق ریلی هرمزگان (سیرجان)، اسلامشهر تهران، کرج، لرستان، آذربایجان، زاگرس، شاهرود، دامغان و سمنان دست به اعتراض صنفی زده بودند که نتیجه ای دربر نداشته است.

به گزارش ایلنا، به دنبال برپایی تجمعات کارگران تراورس در نقاط مختلف کشور، بامداد روز چهارشنبه ۳ مرداد، گروهی از کارگران شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی بار دیگر به صورت جداگانه اما همزمان در مناطق لرستان، کرج، آذربایجان، زاگرس، شاهرود، دامغان و سمنان تجمع کردند. این اعتراض صنفی به دنبال فراخوان روز ۲۸ تیرماه کارگران خطوط ریلی راه آهن صورت گرفته است.



روز دوشنبه ۸ مرداد، کارگران راه آهن زاگرس و لرستان به اعتصاب خودشان ادامه دادند. این کارگران که دو هفته است در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات به حق شان در اعتصاب هستند گفتند؛ به اعتصاب شان تا رسیدن به خواسته های خود ادامه خواهند.

در همین روز کارگران

و کارکنان راه آهن شاهرود و سمنان و دامغان که همچون دیگر همکاران شان در سایر نقاط کشور سه ماه حقوق معوقه دارند، برای چندمین بار است طی هفته های گذشته دست به اعتصاب زدند

روز چهارشنبه ۳ مرداد، ایلنا اعلام کرد که؛ کارگران گسترش آهن راه حوزه آذربایجان دو هفته است که در اعتصاب به سر می برند. این کارگران به دنبال ۳ ماه حقوق معوقه خود هستند. مدیرکل راه آهن این منطقه گفت: به زودی مطالبات



مزدی عقب افتاده اردیبهشت و خرداد ماه کارگران خطوط ریلی پرداخت می شود. کارگران «گسترش آهن راه» منطقه آذربایجان در دومین هفته اعتصاب خود همچنان به عدم پرداخت حقوق معوقه، کاهش ضریب سختی کار و عدم تسویه مطالبات شان از طرف کارفرمای سابق این شرکت (تراورس) معترض هستند. دامنه این اعتراضات محدود به آذربایجان نشده و روز یکشنبه ۳۱ تیر گروهی از کارگران تراورس در منطقه اسلامشهر تهران در محدوده ایستگاه راه آهن تجمع کردند.

روز دوشنبه ۸ مرداد، کارگران قراردادی شرکت گسترش راه آهن بعد از شش روز اعتصاب، در ایستگاه راه آهن تبریز تجمع کردند. مدیرکل راه آهن حوزه آذربایجان گفت: پیمانکار موظف است تمام مطالبات کارگران را پرداخت و برگه تسویه حساب را به دستگاههای ذیربط ارائه کند.

روز سه شنبه ۹ مرداد، کارگران راه آهن زنجان در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق و ۱۲ ماه حق بیمه شان در ایستگاه راه آهن زنجان دست به اعتصاب زدند.

کارگران زحمتکش راه آهن چندین روز است که در شهرهای مختلف کشور از جمله تبریز، شاهرود، دامغان، سمنان، لرستان، اندیمشک و اسلام شهر تهران در اعتراض به پرداخت نشدن چندین ماه حقوق شان اعتصاب کرده اند.

روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، صدها کارگر شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه آهن کشور سیزدهمین روز اعتصاب و تجمع خود را پشت سر گذاشتند. به گزارش ایلنا، در خطوط ابنیه راه آهن کشور حدود ۷ هزار کارگر رسمی و قراردادی در نقاط ریلی مختلف کشور مشغول کارند که جدا از مطالبات مزدی دلیل دیگر اعتراض آنها، مربوط به پرداخت نشدن حق بیمه از جانب کارفرما به سازمان تامین اجتماعی است.

تعنصا صدها کارگر پیمانی معترض خط و ابنیه فنی راه آهن کشور از بامداد روز سه شنبه ۱۶ مرداد وارد نوزدهمین روز شد. به گزارش ایلنا، همزمان با شروع فراخوان شورای هماهنگی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن برای اعتراض، از روز جمعه ۲۹ تیر تا کنون، کارگران مناطق سیرجان، خراسان، شمال شرق ۲، بندرترکمن، سرخس، شاهرود، دامغان، سمنان نیز به جمع همکاران معترض خود پیوستند. پیش از این کارگران ایستگاه نیشابور، سبزوار، کاشمر و عطار، کارگران خطوط ابنیه راه آهن زنجان و مناطق ریلی هرمزگان (سیرجان)، اسلامشهر تهران، کرج، لرستان، آذربایجان، زاگرس، شاهرود، دامغان، سمنان، احمدآباد هرمزگان، نگهداری ایستگاه ابومسلم و چند ایستگاه دیگر دست به اعتصاب زدند.

کارگران تراورس راه آهن، روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، در بیستمین روز اعتصاب خود، در اعتراض به معوقات حقوقی و بیمه های عقب افتاده به سر می برند. در همین روز کارگران راه آهن در ایستگاه کهه هرمزگان راهبندان ایجاد کرده و تردد قطارها برای مدتی مختل شد.

تعدادی از کارگران خط و ابنیه فنی راه آهن کشور در تماس با ایلنا گفتند: با وجود آنکه روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، معادل یک ماه از مجموع سه ماه معوقات مزدی کارگران پرداخت شده، اما نگرانی از وضعیت نامعلوم مابقی مطالبات مان باعث شده تا گروهی از همکاران مان در نواحی مختلف روز نیز اعتراضات صنفی خود را دنبال کنند.

اعتصاب این کارگران از حوزه سلماس شروع شده و در طول ۲۱ روز به ۲۴ حوزه در سراسر کشور کشیده شد. در مجموع کارگران طی سه هفته حدود ۴۰۰ روز در ۲۴ حوزه در اعتصاب بودند که حدود ۳۵۰ روز اعتصاب در ماه مرداد صورت گرفت.

شرکت تراورس یکی از سه پیمانکار عمده راه آهن سراسری و یکی از شرکتهای اقماری راه آهن است که امور نگهداری خط و ابنیه فنی خط آهن را انجام می دهد.

## ۱۲۴ حرکت اعتراضی دیگر

\*روز دوشنبه اول مرداد، کارگران معدن امین یار شهرستان فاریاب در استان کرمان، به دلیل عدم دریافت ۶ ماه حقوق و بی توجهی مسئولان در عقد قرار داد جدید کاری، به اعتصاب خود ادامه دادند. به گزارش آرمان کرمان، کارگران معترض روز یکشنبه ۳۱ تیر، با تجمع مقابل درب معدن و مسدود کردن جاده ورودی، خواستار پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه خود شدند. کارگران می گویند، در حالی که ۴ ماه از ابتدای سال جاری گذشته است هنوز قرار دادی با کارگران مبنی بر تعیین پایه حقوق امضاء نشده است.

\*بامداد روز دوشنبه اول مرداد، کارگران پیمانکاری آب و فاضلاب روستایی خوزستان برای دریافت معوقات خود، مقابل اداره کل آب و فاضلاب استان، تجمع نمودند. به گزارش ایلنا، این کارگران با وجود وعده های داده شده، بیش از ۵ ماه است که معوقات حقوقی خود را دریافت ننموده و به همین دلیل دست به تجمع زدند.

\*روز سه شنبه ۲ مرداد، کارگران پروژه سد امیر آباد و رمشت کامیاران در اعتراض به پرداخت نکردن هفت ماه حقوق شان توسط شرکت جهاد نصر، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش ایران خبر، تعداد کارگران پروژه سد امیر آباد و رمشت که در این اعتصاب شرکت کردند، ۳۰۰ نفر اعلام شده است. بخش موچش یکی از بخشهای شهرستان کامیاران در استان کردستان است.

\*روز چهارشنبه ۳ مرداد، کارگران شهرداری مرکزی آبادان در اعتراض به نپرداختن حقوق عقب مانده شان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش پیام، این کارگران که در بخش فضای سبز و پارکهای آبادان مشغول به کار هستند، ۹ ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. در همین حال نزدیک به ۴ است که حق بیمه آنان نیز واریز نشده است.

\*روز چهارشنبه ۳ مرداد، صیادان میگو در بوشهر در اعتراض به عدم مجوز خروج توسط پلیس دریابانی مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش ایران آزادی، تجمع صیادان در حالی انجام شد که پیش از این ۳ مرداد ۹۷ به عنوان آغاز صید میگو اعلام شده بود اما پلیس دریابانی مجوز خرج برای صیادان بوشهر صادر نکرد.

\*روز چهارشنبه ۳ مرداد، جمعی از کارمندان و کارگران پتروشیمی ماهشهر در استان خوزستان در اعتراض به معوقات مزدی خود و عدم پایبندی شرکتهای ذیربط به اجرای قانون، برای سومین روز متوالی دست از کار کشیده و اقدام به برگزاری تجمع کردند.

به گزارش هرانا، شرکت پتروشیمی ماهشهر که در زمینه تولید مواد شیمیایی، آروماتیکها، پلیمرها و ال پی جی فعالیت می کند، در سال ۱۳۵۲ از مشارکت شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران و شرکت میتسویی تحت نام شرکت پتروشیمی ایران و ژاپن شکل گرفت، ولی در سال ۱۳۶۵ در پی کناره گیری شرکت میتسویی از پروژه ساخت مجتمع، کلیه سهام آن توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران خریداری و نام آن به شرکت پتروشیمی بندر امام تغییر پیدا کرد. این شرکت در سال ۱۳۸۹ توسط شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس خریداری شد و دفتر مرکزی و کارخانجات این شرکت در شهر ماهشهر، استان خوزستان مستقر است.

\*روز چهارشنبه ۳ تیر، کارگران پروژه ساختمانی مجتمع تجاری باندا آبیدر در سنندج در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی شان تجمع برگزار کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران این شرکت گفت: ما بارها به عدم پرداخت مطالباتمان اعتراض کرده ایم اما در پاسخ به ما، می‌گویند که می‌توانید بیایید و انصراف از کار داده و تسویه حساب کنید.

\*روز جمعه ۵ مرداد، اعتصاب کارگران شهرداری صلوات آباد در سنندج برای ششمین روز متوالی ادامه یافت. به گزارش اتحاد، این کارگران از تاریخ ۳۱ تیر امسال، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، تهدید به اخراج، عدم پرداخت دو سال اضافه کاری و سه سال عیدی، دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده اند.

\*روز شنبه ۶ مرداد، بیش از ۲ هزار کارگر کوره ۵ خان ۵ های شهر تبریز که همگی از کارگران استان کردستان هستند، در اعتراض به افزایش نیافتن حقوق شان، دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحاد، این کارگران سال گذشته ۵ برای بریدن هر ۱۰۰۰ خشت مبلغ ۳۷ هزار تومان دریافت می‌کردند. امسال نیز همان قیمت تعیین شده ۵ و درخواستهای مداوم کارگران برای افزایش قیمت دستمزدها، بی‌نتیجه ماند ۵ و از همین رو دست به اعتصاب زدند. بیش از پانصد خانواده ۵ که بالغ بر دو هزار نفر می‌باشند، در کوره‌های آجرپزی تبریز در سخت‌ترین شرایط و با حداقل دستمزد کار می‌کنند.

\*روز شنبه ۶ مرداد، اعتصاب و تجمع کارگران پروژه راهسازی بروجرد به اراک وارد هفته دوم شد. به گزارش ایلنا، این کارگران از روز شنبه ۳۰ تیر در اعتراض به مطالبات مزدی خود، دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کرده اند اما موفق نشدند که معوقات خود را دریافت کنند. کارگران این پروژه عمرانی از طریق شرکت پیمانکاری «رامان» در پروژه راهسازی باند دوم تور بروجرد به اراک مشغول کارند.

\*بامداد روز شنبه ۶ مرداد، کارگران شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی منطقه خراسان در محدوده محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به گفته این کارگران؛ پرداخت مطالبات مزدی و بیمه ای آنها سه ماه به تاخیر افتاده و یکی دیگر از مشکلات صنفی آنها نداشتن امنیت شغلی به سبب داشتن قراردادهای کوتاه مدت است که باعث نگرانی بیشتر کارگران شده است.

\*بامداد روز شنبه ۶ مرداد، حدود دویست نفر از اپراتورهای پستهای فشار قوی برق مقابل وزارت نیرو تجمع کردند. به گزارش ایلنا، خواسته حاضران در تجمع، اجرایی شدن تبدیل وضعیت است. آنها می‌گویند: مدت‌هاست در انتظاریم که وضعیت شغلی مان از قرارداد کار معین به قرارداد دائم تغییر کند اما وزارت نیرو از اجرای مصوبه وزیر قبلی به بهانه‌ی نبودن «چارت خالی سازمانی» طفره می‌رود.

\*بامداد روز شنبه ۶ مرداد، تعدادی از کارگران شرکت زمزم آذربایجان در اعتراض به تعدیل و عدم امنیت شغلی مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، دلیل تجمع اعتراضی کارگران این است که مدیریت شرکت اخیراً اعلام کرد که مازاد نیرو داشته و به دنبال آن تعدادی از کارگران را اخراج کرد. با تصمیم بنیاد مستضعفان به عنوان صاحب

اصلی این مجموعه تقریباً ۱۲۰ نفر مازاد نیرو اعلام شده است. شرکت زمزم آذربایجان در کیلومتر ۲۰ جاده تبریز-میانه واقع است و در سال ۱۳۴۷ تاسیس شده است.

\*روز شنبه ۶ مرداد، حدود ۴۰۰ کارگر شرکت کندر سمنان، تولیدکننده مواد شوینده، در برابر اداره مالیات استان سمنان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، معترضان معتقدند که افزایش نامتعارف مالیات بر این شرکت باعث بیکاری ۴۰۰ کارگر شده است. آنها خواهان کاهش مالیات و تضمین امنیت شغلی هستند و برای چندمین بار دست به اعتراض و تجمع زده اند.

\*روز یکشنبه ۷ مرداد، جمعی از بیکاران عسلویه مقابل پارس جنوبی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در روزهای گذشته، جوانان جویای کار شهرستان عسلویه مقابل اداره کار و اشتغال پارس جنوبی تجمع کردند. حاضران در تجمع، خواستار اشتغال بومیها در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی پارس جنوبی هستند.

\*به گزارش اتحاد، روز یکشنبه ۷ مرداد، ۱۵۰۰ راننده تاکسی تلفنی بیسیم سامانه ۱۳۳ شهرداری تهران در اعتراض به مدیریت سوء کارگزاران دولتی در تاکسیرانی تهران و قطع تلفن ۱۳۳ اقدام به تجمع اعتراضی در خیابان ملک در مقابل ساختمان تعاونی این سامانه کردند.

\*روز سه شنبه ۹ مرداد، کارکنان ملی حفاری اهواز در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم دریافت معوقات شغلی اعتصاب کرده و در مقابل این شرکت تجمع کردند. بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، کارکنان شرکت ملی حفاری ضمن اعتصاب خود بنر بزرگی را که علت اعتصاب و اعتراض خود را بر روی آن نوشته بودند بر روی ساختمان حراست شرکت ملی حفاری اهواز نصب کردند.

اعتصاب کارکنان شرکت ملی حفاری در هوای پر از گرد و غبار و سوزان انجام شد.

\*بامداد روز پنجشنبه ۱۱ مرداد، کارگران فضای سبز ورزنه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان و اخراج تعدادی از همکاران شان در مقابل بخشرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران خبر، کارگران فضای سبز شهرداری ورزنه چند ماه است حقوق نگرفته و مزایای حقوقی چند ماه اخیر آنها نیز به تعویق افتاده است.

\*رانندگان تاکسی در شهرستان قرچک روز شنبه ۱۳ مرداد، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، سه خط تاکسیرانی در شهرستان قرچک وجود دارند که باید براساس مصوبه شورای اسلامی شهر قرچک جمع شوند اما این کار به دلایلی شدنی نیست. رانندگان مایل هستند که این سه خط پس از جمع یکی شوند.

\*روز جمعه ۱۲ مرداد، کارگران تجهیزات، کشاورزی، مهندسی و دیگر بخشهای اداری و غیر اداری شرکت در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه و شرایط کاری و قراردادهای تفکیک تقسیم و تغییر کاربری زمینهای شرکت و بقیه مطالباتی که از سال گذشته مطرح کردند، ولی به هیچ وجه به آنها رسیدگی نشد، دست از کار کشیدند.



به گزارش کانال تلگرام نیشکر هفت تپه، کارگران این شرکت از هم اکنون تا فصل زمستان فقط به کار تعمیرات می پردازند و هیچگونه تولیدی نخواهند داشت به همین خاطر کارگران این مجموعه صنعتی بابت تحقق خواسته‌های شان فوق العاده نگران هستند و از تغییر کاربری زمینهای کشاورزی و تقسیم آنها بین سهامداران به شدت ناراضی هستند. روز دوشنبه ۱۵ مرداد، کارگران نیشکر هفت تپه برای چهارمین روز متوالی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

\*روز دوشنبه ۱۵ مرداد، اهالی روستای عصرآباد در منطقه مریوان که به دفن زباله های شهر مریوان در روستای خود معترضند برای سومین روز متوالی مانع دفن زباله ها در این روستا شدند. در شبکه های اجتماعی تصاویری از انبوه زباله ها که در یک پارکینگ تلنبار شده منتشر شده است.

\*کارگران ورزشگاه آزادی روز یکشنبه ۱۴ مرداد در اعتراض به اخراج ۶ تن از همکاران خود و تعویق در پرداخت حق سنوات دست از کار کشیدند. آنها پس از تجمع در محوطه ورزشگاه به سوی وزارت ورزش راهپیمایی کردند. به گزارش فارس، کارگران سپس راهی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور شده و درباره مطالبات خود با حسن کریمی مدیرعامل شرکت گفت و گو کردند. کارگران ورزشگاه آزادی موفق شدند ۶ همکار اخراجی خود را به کار بازگردانند.

\*روز دوشنبه ۱۵ مرداد، کارگران فلات قاره جزیره خارک در اعتراض به کم شدن ۵۰۰ هزار تومان از دستمزد خود اعتصاب کرده و تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش تسنیم، اعتصاب و تجمع کارکنان پیمانکاری شرکت نفت فلات قاره (منطقه عملیاتی خارک) در ساختمان اداری منطقه صورت گرفت.

\*روز دوشنبه ۱۵ مرداد، کارگران شهرداری منطقه ۲ کرمانشاه در اعتراض به دریافت نکردن حقوق عقب افتاده شان مقابل شهرداری تجمع کردند. به گزارش پیام، کارگران گفتند، ماهها است که حقوق شان به تعویق افتاده و این مساله آنان را با مشکلات معیشتی بسیاری روبرو کرده است.

\*بامداد روز ۵شنبه ۱۶ مرداد، تمامی کارمندان و انتظامات گمرک تمرچین در مرز پیرانشهر با کردستان عراق، دست به اعتصاب زدند. به گزارش «۵هنگاو»، مسئولان به خواست اعتصاب کنندگان توجهی نکرده و حراست گمرک کارکنان را احضار و تهدید کرده است. یکی از کارمندان گمرک تمرچین ضمن تایید این خبر گفت ک ۵ مسئولان گمرک ۱۹ ماه است ک ۵ حقوق کارمندان را پرداخت نکرده و ب ۵ دلیل جوابگو نبودن امروز دست ب ۵ اعتصاب زدیم.

\*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، کارگران شهرداری سردشت در اعتراض به مطالبات مزدی و عدم پرداخت حق بیمه دست از کار کشیدند و تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: چند ماه دستمزد پرداخت نشده داریم. حتی از سال ۹۶، عیدی و سنوات طلبکاریم که مشخص نیست چه زمانی قرار است این معوقات پرداخت شود.

\*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، کارگران اخراجی کاشی گیلانا با تجمع مجدد مقابل این کارخانه به تعویق مطالبات خود اعتراض کردند. به گزارش رادیو زمانه، کارگران دو سال پیش با توقف تولید در کارخانه بیکار شده اند اما هنوز مطالبات شان پرداخت نشده است.

\*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، رانندگان تاکسی در بابل مقابل دفتر موقت تاکسیهای اسنپ این شهر تجمع کرده و مانع ورود و خروج کارکنان شدند. به گزارش ایسنا، فعالیت تاکسیهای اینترنتی در ماههای اخیر به اعتراض و اعتصاب رانندگان تاکسیهای سنتی در شهرهای مختلف انجامیده است. رانندگان تاکسی می گویند فعالیت تاکسیهای اینترنتی کارشان را کساد و تامین معیشت شان را با دشواری مواجه کرده است.

در همین روز رانندگان تاکسی در ابهر نیز در اعتراض به پائین بودن کرایه و گرانی لوازم یدکی تجمع اعتراضی برپا کردند.

\*کارگران بخشهایی از مجتمع نیشکر هفت تپه روز یکشنبه ۲۱ مرداد دست به اعتصاب زدند. به گزارش پیام، کارگران تاکستان و خوراک دام مجتمع هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق اردبیهشت اعتصاب کرده و در مقابل شرکت از ورود ماشینهای شرکت جلوگیری کردند. معترضان خواستار پرداخت دستمزد معوقه شان هستند.

\*روز یکشنبه ۲۱ مرداد، جمعی از بازنشستگان کارخانه ریسندگی نازنخ و فرنخ در اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات و مطالبات خود مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، شمار کارگران بازنشسته این کارخانه ۵۰۰ تن اعلام شده که نزدیک به یک دهه پیش بازنشسته شده اند اما هنوز مطالبات خود را دریافت نکرده اند. کارخانه نازنخ و فرنخ در قزوین دهه ۸۰ خورشیدی به بخش خصوصی واگذار شد و پس از آن مالکان شرکت کارگران را اخراج و یا بازخرید کردند.

\*بامداد روز یکشنبه ۲۱ مرداد، کارگران باربر مرز شوشمی پاره به دلیل پایین بودن دستمزد دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایران ما، روزانه کالاهای مختلف از طریق این مرز به کردستان عراق صادر می شود و حدود صد و هشتاد نفر کارگر باربر روزانه مشغول به کار هستند و بدون داشتن تشکل و با سخت ترین شرایط استثمار می شوند.

\*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، چغندرکاران در کارخانه قند نقده تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان از سوی شرکت قند نقده در محل کارخانه برگزار شد. کشاورزان در شهریور ۹۶ برداشت چغندرشان را انجام داده و به کارخانه تحویل دادند اما از آن زمان تاکنون مطالبات آنها پرداخت نشده است.

روز دوشنبه ۲۲ مرداد، چغندرکاران نقده که از شهریور گذشته تاکنون مطالبات خود را دریافت نکرده اند، برای پنجمین روز متوالی برابر این کارخانه دست به تجمع زدند و در کارخانه آذرقند را بسته نگه داشتند. کشاورزان نقده پارچه ای بر در کارخانه نصب کردند که روی آن نوشته شده بود: «به علت عدم توجه مسئولان سه قوه به مطالبات به حق کشاورزان، درب کارخانه تا دریافت حق کشاورزان معترض مسدود می گردد.»

در پی این حرکت اعتراضی، توافقی بین کشاورزان و ریاست کارخانه برای تسویه باقی مانده مطالبات یکساله آنها تنظیم شد. براساس این توافق، تا ۱۰ شهریور نیمی از کل مبلغ باقی مانده به کشاورزان عودت داده می شود.

\*روز دوشنبه ۲۲ مرداد ماه، کارگران کارخانه سیمان صوفیان تبریز در اعتراض به عدم دریافت حقوق چند ماهه خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش گوناغ تی وی، ماموران نیروی انتظامی در وحشت از گسترش تجمع و اعتراض، مانع از

تجمع کارگران سیمان صوفیان تبریز در محوطه بیرون کارخانه شده و کارگران را به زور وادار کردند تا در داخل کارخانه تجمع داشته باشند.

\*رانندگان تاکسی ویژه فرودگاه مهرآباد روز دوشنبه ۲۲ مرداد در اعتراض به گرانی بی سابقه بلیط‌های هواپیما و کاهش مسافران شان تجمع کردند. قیمت بلیط پروازهای داخلی در برخی موارد چند برابر شده است. به گزارش رادیو زمانه، قیمت بلیط پروازهای خارجی نیز صد درصد افزایش یافته و به کاهش تقاضا انجامیده است.

\*بامداد روز چهارشنبه ۲۴ مرداد، کارگران شاغل در کارخانه کمپرسورسازی تبریز واقع در شهرک صنعتی قراملک در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و مقابل ساختمان کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل اعتراض این گروه از کارگران بی توجهی کارفرما به پراخت مطالبات شان و مشخص نبودن وضعیت تولید در کارخانه است.

\*جمعی از نمایندگان کارگران تعاونی سهام عدالت کشور بامداد روز دوشنبه ۲۲ مرداد، با سفر به تهران برای بار چندم مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این گروه از کارگران که از نقاط مختلف کشور برای پیگیری وضعیت شغلی و مطالبات معوقه خود عازم تهران شده اند، گفتند: پس از ۱۱ سال فعالیت در دفاتر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت، هنوز وضعیت شغلی مان مشخص نیست و در عین حال به دلیل پرداخت نشدن حدود ۴۱ ماه از مطالبات مزدی مان، در وضعیت بد معیشتی قرار داریم. روز چهارشنبه ۲۴ مرداد، کارکنان شرکت تعاونی سهام عدالت برای سومین روز پیاپی مقابل ساختمان وزارت امور اقتصادی و دارایی تجمع کردند.

\*کارگران سازه های فلزی شهریار، در شهرستان شهریار در جاده رباط کریم، روز چهارشنبه ۲۴ مرداد، در اعتراض به عقب افتادن پرداخت ۴ ماه حقوق خود، در محل این شرکت دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایران آزادی، کارفرما به کارکنان سازه های فلزی شهریار گفته است هرکسی می خواهد سرکار حاضر شود باید تعهد دهد که کاری با حقوق ندارد. سازه های فلزی شهریار، تولید اسکلت فلزی در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و همچنین صنایع سنگین از قبیل صنایع سیمان، صنایع فولاد و سایر صنایع مادر را برعهده دارد.

\*روز شنبه ۲۷ مرداد، کارگران کارخانه تولی پرس در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این واحد تولیدی که در زمینه تولید محصولات شوینده در شهرک صنعتی البرز در استان قزوین فعالیت دارد، به دلیل مشکلاتی که در زمینه تهیه مواد اولیه تولید دارد، تعطیل شده و کارگران آن اجازه ورود به محل کارشان را ندارند. کارگران این واحد تولیدی به صورت میانگین بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

\*مردم مریوان دوشنبه ۲۹ مرداد از نیمه شب تا ساعت ۳ بامداد، در اعتراض به انباشت زباله در محلات و خیابانهای شهر، پسماند و زباله ها را جلوی درب شهرداری مریوان آتش زدند. به گزارش پرس، معترضان مقامهای شهرداری و نمایندگان شورای شهر دوره گذشته و دوره کنونی را در ناکارآمدی سیستم جمع آوری زباله مریوان مقصر می دانند. آنها خواهان استعفای مسئولان شدند.

\*روز دوشنبه ۲۹ مرداد، تعدادی از رانندگان شرکت واحد عضو پروژه سپیدار دو و سه در مقابل تعاونی مسکن شرکت واحد تجمع کردند. به گزارش کانال تلگرام شرکت واحد، با گذشت بیش از ۵ سال تاخیر در تحویل خانه ها و بلا تکلیفی اعضا، مسئولان تعاونی مسکن با ابزارهای فشار از سوی مدیریت شرکت واحد و عوامل تعاونی مسکن، کارگران و رانندگان عضو این پروژه را تحت فشار گذاشته اند تا بتوانند قراردادی جدید با اعضا امضا کنند.

\*روز دوشنبه ۲۹ مرداد، کارگران شرکت لاستیک پارس ساوه در اعتراض به خصوصی سازی این شرکت تجمعی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، لاستیک پارس ساوه، یک شرکت دولتی استخواندار و قدیمی است، در عین اینکه جزو بهترین واحدهای صنعتی استان مرکزی محسوب می شود از جمله بهترین واحدهای تولید لاستیک در ایران نیز است. این شرکت در سال ۱۳۵۵ با مشارکت بانک صنعت و معدن و شرکت پیرلی ایتالیا و سهامداران بخش خصوصی تاسیس شد و در دهه ۷۰ در حدود ۲۵۰۰ کارگر داشت که در دو یا سه شیفت مختلف کار می کردند. اما طی دو دهه اخیر به خاطر مدیریت ناکارآمدی که مدیران آن اعمال کردند، دچار مشکلات بسیار زیادی شد و تعداد کارگران آن به حدود ۷۵۰ نفر تقلیل یافت.

\*روز دوشنبه ۲۹ مرداد، کارگران شرکت ایرکست شاونبرگ در اعتراض به معوقات مزدی خود مقابل ساختمان اداره کار منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، شرکت «ایرکست شاونبرگ» تولید کننده اسکلت‌های فلزی سنگین در ماهشهر است. کارگران عنوان کردند: در حال حاضر به دلیل تاخیر ۴ ماهه در پرداخت مطالبات مزدی، در شرایط سخت معیشتی قرار داریم. روز سه شنبه ۳۰ مرداد، کارگران شرکت ایرکست شاونبرگ، برای دومین روز متوالی در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق شان در مقابل فرمانداری بندر ماهشهر تجمع کردند.

\*کارگران شرکت عمران سوله، بامداد روز سه شنبه ۳۰ مرداد، مقابل دفتر این شرکت در خیابان جیحون در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، شرکت عمران سوله دست به تعدیل کارگران زده است. شرکت عمران سوله عنوان کرد: تمامی شرکتها دارند تعدیل نیرو می کنند و شرکت ما هم تعدیل نیرو کرده است. تعدیل کارگران در شرایطی در همه جا صورت می گیرد که شرایط بد اقتصادی حاکم است.

\*شماری از نانوایان آزاد پز قم روز دوشنبه ۲۹ مرداد، در اعتراض به وعده های پوچ مسئولان دولتی و بازرسیهای بیش از حد، مقابل ساختمان سازمان صنعت، معدن و تجارت قم تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، معترضان پارچه نوشته ای به همراه داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: «تجمع اعتراضی جمعی از نانوایان آزاد پز به بازرسیهای بی مورد و جریمه های غیر قانونی و وعده های پوچ مسولین».

\*روز سه شنبه ۳۰ مرداد، کارگران بازنشسته کارخانه های نازنخ و مه نخ قزوین بار دیگر مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، این کارگران دو هفته پیش نیز در یک تجمع خواستار پرداخت معوقات مزدی خود شده بودند. فرماندار قزوین عدم حضور مالک در ایران را دلیل تاخیر در پرداخت مطالبات دانست و گفت: اقدامات قانونی برای واگذاری در حال انجام است.



\*روز سه شنبه ۳۰ مرداد، شماری از کارگران شهرداری نظرآباد در استان البرز در اعتراض به معوقات مزدی خود تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، این کارگران زمستان سال گذشته نیز در یک تجمع اعتراضی خواهان پرداخت مطالبات مزدی خود شدند. کارگران معترض گفتند؛ بیش از شش ماه دستمزدشان پرداخت نشده است.

\*روز شنبه ۲۷ مرداد، کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به ۴ ماه حقوق معوقه و تامین نشدن مواد اولیه ازسوی کارفرما در محوطه کارگاه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، گروه ملی صنعتی فولاد ایران شامل کارخانه فولاد سازی، نورد کوثر، نورد تیرآهن، کارخانه لوله‌سازی و ماشین سازی است و حدود ۴ هزار کارگر شاغل دارد که طی چند ماه گذشته دستمزد آنها به تاخیر افتاده است. به گفته کارگران؛ مالک جدید این کارخانه یکی از بانکهای دولتی است که مواد اولیه برای آغاز به کار و راه اندازی مجدد کارخانه از جانب او باید تامین شود.

روز دوشنبه ۲۹ مرداد، کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به ۴ ماه معوقه مزدی و کمبود مواد اولیه در مقابل شعبه سرپرستی بانک ملی دست به تجمع زدند.

بامداد روز سه شنبه ۳۰ مرداد، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز برای چهارمین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی در مقابل شعبه سرپرستی بانک ملی اهواز زدند و با سر دادن شعارهایی از قبیل کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد/ این همه بی عدالتی، هرگز ندیده ملت/ نه زندان نه تهدید دیگر اثر ندارد/ می جنگیم می میریم، حق مون رو می گیریم و... خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

روز چهارشنبه ۳۱ مرداد، برای پنجمین روز متوالی کارگران گروه ملی فولاد اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.



کارگران نیشکر هفت تپه چهارشنبه ۳۱ مرداد برای پنجمین روز متوالی دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان حراست این مجتمع تولیدی تجمع کردند. اسماعیل بخشی نماینده کارگران گفت؛ کارگران با هدف جلوگیری از «تکه تکه کردن هفت تپه» و «واگذاری آن به بخش خصوصی» اقدام به اعتراض کرده اند.

به گزارش سندیکای کارگران نیشکر

هفت تپه، اسماعیل بخشی خواست کارگران نیشکر هفت تپه را «ورود مسئولان ارشد استان برای تعیین تکلیف مدیریت شرکا» دانست و گفت که تهدیدها نمی تواند مانع اعتراض کارگران شود.

سهامداران خصوصی شرکت نیشکر هفت تپه در حال تکه پاره کردن این مجتمع بزرگ کشت و صنعت هستند. کارخانه خوراک دام شرکت نیشکر هفت تپه به شرکت مهر و ماه متعلق به فرزندان رستمی و غفاری واگذار شده است.

در این حرکت اعتراضی کارگران تمامی بخشهای این واحد کشاورزی - صنعتی شرکت دارند.

### چند خبر کوتاه از ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

- \*روز دوشنبه اول مرداد کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی بندرماهشهر با خواست بازگشت به کار و پرداختن معوقات شان مقابل شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.
- \*روز سه شنبه ۲ مرداد، کارگران راه آهن زاگرس در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق خود اعتصاب کرده و در مقابل اداره کل راه آهن در اندیمشک تجمع کردند.
- \*تجمع کارکنان قراردادی شرکت هواپیمایی کارون (نفت) در روز سه شنبه ۲ مرداد در اعتراض به تعلیق و اخراج غیرقانونی، مقابل شرکت هواپیمایی خوزستان.
- \*رانندگان اتوبوسهای درون شهری کرمانشاه روز شنبه ۶ مرداد دست از کار کشیدند.
- \*روز شنبه ۶ مرداد، کارگران سیمان ارومیه در اعتراض به فروش غیرمجاز کارخانه که ۶۶ درصد آن متعلق به تأمین اجتماعی است، اقدام به تجمع و تحصن کردند.
- \*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، کارکنان و رانندگان شرکت خلیج فارس در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، قطع بیمه تکمیلی و... دست به اعتصاب زدند.
- \*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، رانندگان تاکسی ابهر در استان زنجان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.
- \*روز سه شنبه ۱۶ مرداد، کارگران شرکت سینا گستر در کنگان استان بوشهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.
- \*روز چهارشنبه ۱۷ مرداد، دارندگان فیش زمینهای تاکسیرانی بروجرد در اعتراض به سیزده سال وعده های دروغ برای واگذاری زمین، مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.
- \*روز پنجشنبه ۱۸ مرداد، رانندگان تاکسی در مهران در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و پاسخ نگرفتن در مورد مطالبات شان اعتصاب کردند.
- \*روز پنجشنبه ۱۸ مرداد ۹۷ تاکسی داران مهران در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و پاسخ نگرفتن در مورد مطالبات شان، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.
- \*کارکنان هتل لیپار در چابهار روز جمعه ۱۹ مرداد ۹۷ در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.
- \*روز شنبه ۲۰ مرداد، مردم سراوان در مقابل فرمانداری در این شهر در اعتراض به نبودن بنزین تجمع کردند.
- \*روز یکشنبه ۲۱ مرداد، کارگران شرکتهای پیمانکاری پروژه ایرانمال تجمع اعتراضی برگزار کردند.
- \*روز یکشنبه ۲۱ مرداد، کارگران شهرداری دارخوین شهرستان شادگان در اعتراض به عدم دریافت حقوق ۵ ماهه خود اعتصاب کردند.
- \*روز یکشنبه ۲۱ مرداد، خانواده بازداشت شدگان معترضان در اهواز در برابر زندان مرکزی اهواز، معروف به زندان شیبان تجمع کردند.
- \*کنتورنویسان سازمان آب قم روز پنجشنبه ۲۵ مرداد، در اعتراض به شرایط شغلی تجمع کردند.
- \*مردم مشگین شهر روز پنجشنبه ۲۵ مرداد، در اعتراض به گرانی و شرایط اسفناک اقتصادی، در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

\*رانندگان تاکسی اینترنتی تپسی و اسنپ در اصفهان روز شنبه ۲۷ مرداد، در اعتراض به کاهش قیمت‌ها، مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند.

\*روز چهارشنبه ۳۱ مرداد، غرفه داران جمعه بازار یاسوج در اعتراض به جمع آوری غرفه های خود توسط شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

### جنبش اعتراضی غارت شدگان

دوشنبه ۱ مرداد، تجمع سپرده گذاران ثامن الحجج مقابل هیات تصفیه و بانک پارسیان تهران / تجمع غارت شدگان سایپا دیزل مقابل دفتر مدیر عامل این شرکت

سه شنبه ۲ مرداد، تجمع غارت شدگان مؤسسه آرمان وحدت در خرم آباد مقابل شعبه مؤسسه ملل در این شهر /تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در رشت در مقابل شعبه گلسار/تجمع غارت شدگان تعاونی مهر امید مقابل استانداری ایلام /تجمع غارت شدگان موسسه حکومتی ثامن الحجج مقابل ساختمان هیات تصفیه در تهران

چهارشنبه ۳ مرداد، تجمع سپرده گذاران کیمیا خودرو مقابل مجلس /راهپیمایی غارت شدگان موسسه کاسپین در تهران از دفتر مرکزی کاسپین به سمت شعبه الوند

یکشنبه ۷ مرداد، تجمع خریداران بلاتکلیف زمینهای تعاونی بسیج منتظران مهدی مقابل استانداری در ارومیه

سه شنبه ۹ مرداد، تجمع غارت شدگان مؤسسه مالی کاسپین رشت/تجمع غارت شدگان موسسات مالی مختلف (کاسپین، آرمان وحدت، ثامن الحجج و البرز ایرانیان) مقابل بانک مرکزی در تهران

چهارشنبه ۱۰ مرداد، تجمع غارت شدگان موسسه کیمیا خودرو مقابل دادسرای جرائم اقتصادی در خیابان فاطمی تهران شنبه ۱۳ مرداد، دومین روز تحصن غارت شدگان مؤسسه پدیده در مشهد

سه شنبه ۱۶ مرداد، تجمع سپرده گذاران موسسه کاسپین و البرز ایرانیان در تهران، مقابل ساختمان بانک مرکزی چهارشنبه ۱۷ مرداد، تحصن غارت شدگان پدیده در پدیده شاندیز در مشهد برای هفتمین شب متوالی همراه با خانواده ها و کودکان خود مقابل این موسسه

آدینه ۱۹ مرداد، تجمع غارت شدگان پدیده شاندیز برابر ورودی این شرکت در مشهد

دوشنبه ۲۲ مرداد، تجمع غارت شدگان پروژه مسکونی هواپیمایی شیده، مقابل دفتر معاول اول قوه قضاییه /تجمع اعضای پروژه تعاونی مسکن شیده مقابل دفتر معاون اول قوه قضائیه در تهران

سه شنبه ۲۳ مرداد، تجمع سپرده گذاران موسسه کاسپین در رشت مقابل یکی از شعب کاسپین /تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین مقابل ساختمان بانک مرکزی در تهران

چهارشنبه ۲۴ مرداد، تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در مشهد

پنجشنبه ۲۵ مرداد، تجمع غارت شدگان کاسپین در مشهد در حالیکه در محاصره مأموران نیروی انتظامی قرار داشتند

دوشنبه ۲۹ مرداد، تجمع غارت شدگان کاسپین مقابل بانک مرکزی تهران

سه شنبه ۳۰ مرداد، تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در شهر رشت

**سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در**

**ایران را به شدت محکوم می کنیم.**

## حقایقی که حسن روحانی نمی خواهد و نمی تواند بیان کند!

مهدی سامع

روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، علی لاریجانی، رئیس مجلس ارتجاع اعلام کرد که؛ رئیس جمهور موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه در مجلس حضور پیدا کند و به سوالهای مطروحه پاسخ دهد.

این سوالها ابتدا توسط ۹۲ تن از مجلس نشینان مطرح شد که پس از بررسی در کمیسیون اقتصاد با حضور نمایندگان حسن روحانی، ۱۲ تن کنار کشیده و ۸۰ تن دیگر بر خواست خود باقی ماندند. از آن جا که این تعداد بیش از یک چهارم ساکنان بهارستان است، بر طبق قانون اساسی رژیم، روحانی مجبور به حضور در مجلس ارتجاع است. سوالها از روحانی چنین است:

۱- «عدم موفقیت دولت در کنترل قاچاق کالا و ارز

۲ - استمرار تحریمهای بانکی

۳- عدم اقدام شایسته دولت در خصوص کاهش نرخ بیکاری

۴ - رکود اقتصادی شدید چندین ساله

۵ - افزایش شتابان نرخ ارزهای خارجی و کاهش شدید ارزش پول ملی». (راديو فرهنگ، ۱۰ مرداد ۱۳۹۷)

گرچه خامنه ای در سخنرانی روز دوشنبه ۲۲ مرداد با توسل به سیاست «چماق و هویج» از ماندن روحانی در پست ریاست جمهوری دفاع کرد، اما این دفاع که در اصل به سود



ولی فقیه است، مانع از پاسخگویی روحانی در مجلس نمی شود. قبلاً نیز سپاه منفور پاسداران در نامه ای طلبکارانه از حسن روحانی خواستار اقدامات بیشتر برای تقویت ریال شده بود. محمدعلی جعفری، سرکرده کل سپاه در نامه ای سرگشاده که به آن نام دلنوشته گذاشته اند نوشته است:

«حمایتهای بی نظیر و گسترده دلسوزان انقلاب در هفته اخیر از جنابعالی، نباید مانع اقدامات انقلابی شما در کنترل قیمتها

و جلوگیری از افزایش سرسام آور قیمت ارز و سکه، در شرایط جنگ اقتصادی با دشمنان شود.» (انتخاب، دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۷)

از سوی دیگر، اُمت همیشه چماق به دست که جیره و مواجب آنان همیشه از کانون اصلی قدرت پرداخت می شود و از طریق اوباش و قداره بندان مرتبط با مقام معظم هدایت می شوند، در روز پنجشنبه ۲۵ مرداد طی گردهمایی طلاب در مدرسه فیضیه قم شعار دادند: «ای آنکه مذاکره شعارت، استخر فرج در انتظارت». این آش آنقدر شور بود که مکارم شیرازی نیز صدایش درآمد و با انگشت اشاره به سپاه این رویداد را «به تمام معنا یک فاجعه» اعلام کرد و به دنبال آن جمعی از سرکردگان سپاه با مکارم شیرازی دیدار کرده و حرکت طلاب را «اقدامی برای تخریب سپاه» اعلام کردند.

این فرار به جلوی سپاه منفور پاسداران برای همگان یادآوری آن مثال معروف دزدی است که در حال فرار فریاد می زد «آی دزد، آی دزد». گرچه سپاه شرکت خود در این جلسه را تکذیب کرده و عکسهای منتشر شده از شرکت برخی از سرکردگان سپاه در این گردهمایی را مربوط به نشست دیگری اعلام کرده، اما برخی از رسانه های حکومتی برملا کردند که در این جلسه حسین طیبی فر، سرکرده تیپ امام صادق و رحیم پور ازغدی، عضو شورای عالی ارتجاع فرهنگی خامنه



ای سخنرانی کرده و هیچ واکنشی هم در ارتباط با شعار داده شده نداشتند و برعکس ازغندی به نیابت از خامنه ای حوزویان را مورد خطاب قرار داد که: «ریشه سکولاریسم در حوزه است...حوزه بیسواد است...کارخانه تولید انبوه مرجع سازی در قم است.»

این که صدای آخوندهای حوزه جهل و جنایت قم درآمده نه به خاطر اعتراف سپاه پاسداران به قتل رفسنجانی و تهدید روحانی به قتل، بلکه به خاطر این است که می دانند ولی فقیه دل خوشی از اینان که همواره اعلام سرسپردگی کردند هم ندارد.

آخوند هاشم بطحایی، عضو مجلس خبرگان تحت امر ولی فقیه در روز سه شنبه ۳۰ مرداد در واکنش به شعار داده شده توسط ابوباش تحت امر اطلاعات سپاه گفت: «به عبارت دیگر «مفهوم این شعار آن است که غیر مستقیم بگوییم اتفاقی که برای آقای هاشمی افتاد، ما انجام دادیم و اگر دیگران هم خلاف نظر ما حرکت کنند، به آن سرنوشت مبتلا می شوند.» (خبر آنلاین)

جالب این است که این بلوا بعد از سخنرانی روز دوشنبه ۲۲ مرداد خامنه ای روی صحنه می آید.

آن سوالهای مطرح شده توسط مجلس نشینان و این تهدید آشکار دو روی یک سکه از راهکار ولی فقیه برای مهیار زیاده خواهی روحانی و کنترل او در مناسبات با قدرتهای جهانی است. خامنه ای همواره از پذیرش مسئولیت طفره می رود و طوری وانمود می کند که کناره گود نشینی بیش نیست. اما این حنای او دیگر برای مردم رنگی ندارد و مشتتهای گِره کرده مردم او را نشانه گرفته است.

اما روحانی نیز نه می تواند و نه می خواهد که واقعیتها را به طور آشکار بیان کند. او با نمام وجود به نظام وابسته و در سخنان علنی اش، مگر در چند مورد محدود، خط سُرخهای خامنه ای را رعایت کرده است. پیرامون سوالهای اشغالگران بهارستان هم پر واضح است که روحانی از مرز عبور نخواهد کرد، چرا که اگر بخواهد واقعیتها را به طور کامل بیان کند باید بگوید که «قاچاق کالا» به طور عمده در اختیار سپاه است و «تحریمهای بانکی» بدون پذیرش «FATF» کاهش پیدا نمی کند و مانع اصلی در این پذیرش شخص خامنه ای است.

او باید به نفش اختلاسهای کلان که ایادی خودش نیز در آن سهیم هستند در مورد افزایش «نرخ بیکاری» پیردازد و در مورد بودجه های کلانی که به جای سرمایه گذاری برای ایجاد اشتغال، صرف صدور ترور و ارتجاع و ترویج و تبلیغ جهل و خرافات می شود صحبت کند.

او باید سیاست هسته ای و موشکی که فاجعه «رکود اقتصادی شدید» و «افزایش شتابان نرخ ارزهای خارجی و کاهش شدید ارزش پول ملی» را به مردم تحمیل کرده است را افشا کند.

او باید به خامنه ای توصیه کند که دست از لاف و گزاف برداشته و دیگر این حرف پوچ که «نسبت به اوضاع ما اصلا نگران نباشند، هیچ کس هیچ غلطی نمی تواند بکند، مطمئن باشند، هیچ تردیدی در این جهت وجود ندارد؛ این را به همه بگویید.» را نزند. او باید به شرکایش در قدرت پیرامون شعار «مرگ بر دیکتاتور» در ورزشگاه آزادی و حرکتها و خیزشهای همین ماه مرداد هشدار دهد.

او باید از آن «۲۰۰ خانواده» که به گفته یک مجلس نشین «سرنوشت این کشور را به گروگان گرفتند و از این وزارتخانه به آن وزارتخانه می روند» حسابرسی کند.

او باید این حرف آخوند احمد خاتمی که گفت «مساله زدن ولایت فقیه است دشمنان شما [بخوانید مردم ایران] خیز براندازی بر داشتند» را به عنوان یک حقیقت مسلم شرایط کنونی به رسمیت شناسد.

اما او هرگز چنین حقایقی را بر زبان نخواهد آورد. گفته اند که «چاقو دسته خود را نمی برد» و «ذات نایافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش».

روحانی جزئی از نظام و یک کارگزار امنیتی حاکمیت است و با وجود هر تحقیری که در مورد او از جانب خامنه ای صورت گیرد، مدافع نظام و استبداد مذهبی است و برای همین است که مردم ایران در خیزشها و قیامهای خود تمامیت نظام با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن را هدف گیری کرده اند.

فیلمهای منتشر شده از قیام مردم اصفهان، کرج، سمنان، شیراز، مشهد، رشت، اهواز، اراک، شاهین شهر، نجف آباد، همدان، قائمشهر، تهران و ... با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای در ماهی که گذشت همین واقعیت را برجسته می کند.

همان طور که قبلاً نوشتیم «آبشخور این خیزشها شرایط درونی جامعه ایران، بحران انقلابی و ستیز مردم با رژیم ایران در کلیت آن است. شرایط خارجی نقش تعیین کننده و مهمی در اعتلا و یا خمودی جنبش ندارد. سرنوشت آینده کشور را زنان و مردان ایران زمین با قیام برای آزادی رقم خواهند زد.»



## کنوانسیون حقوقی دریای خزر و حکومت در حال سقوط

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر .... پنجشنبه ۲۵ مرداد

در شرایطی که مردم با حرکت‌های اعتراضی و شعارهای خود عملکردها و سیاستهای حکومت را به چالش گرفته اند، امضای کنوانسیونهایی که به منافع ملی مردم ایران مربوط می شود، از طرف این حکومت علیه مردم خواهد بود. باج دادن و هزینه کردن انبوه برای یارگیری از دولتمردان و سیاستمداران خارجی از جمله راهکارهای رژیم ولایت فقیه طی ۴ دهه برای جلوگیری از ایزوله شدن در سطح جهانی، برای مانع شدن از محکومیت‌های جهانی در نهادهای بین المللی در زمینه حقوق بشر و در یک کلام برای امنیت نظام و نه منافع مردم ایران، بوده است.

مانورهای پرهزینه طی دوره مذاکره با کشورهای پنج به اضافه یک تا نهایبی شدن توافق برجام، حمایت از تروریسم و راه اندازی جنگ‌های منطقه ای، بخشی از تحرکات رژیم با هزینه مردم و البته بدون نظر مردم انجام شده است. همه این عملکردها به تمامی برای حفظ ساختارهای ارتجاعی رژیم ولایت فقیه و قدرت گیری آن در کشورهای خاورمیانه است. توافق برجام هم اگر چه جام زهر در مقطع مشخصی بود اما نه تنها بهره ای برای مردم نداشت و مقدار پولهای آزاد شده برای مردم خرج نشد، بلکه به رژیم فرصتی داد تا موشک‌های بالستیک بسازد، قدرتش را در منطقه بیشتر کند و مردم را شدیدتر سرکوب کند.

در این شرایط امضای کنوانسیون جدید «رژیم حقوقی دریای خزر» در راستای ۴ دهه بر باددهی منافع ملی مردم ایران است. واکنش‌های بی سر و ته حسن روحانی در روز چهارشنبه ۲۴ مرداد و سخنان جواد ظریف در مورد امضای این کنوانسیون، جدال باندهای درونی نظام را برجسته می کند.

تصمیم گیری بر سر امضای کنوانسیون حقوقی دریای خزر و تن دادن به هر قراردادی مانند هر تصمیم دیگری بر عهده خلیفه ارتجاع است. روز قبل از امضای کنوانسیون فوق، محمد ابراهیم رحیم پور از اعضای تیم مذاکره کننده، تصمیم گیری در این مورد را در اختیارات رهبر دانسته و گفت: «به عنوان فردی که در ۲۲ دور از این مذاکرات حضور داشتم، اختیاری در این زمینه برای امضا نداشتم.»

از حرفه‌های کلی روحانی که می‌خواهد با شیبادی امضای کنوانسیون پس از ۲۱ سال مذاکره را، به نفع مردم جازند، فقط موجب خشم و نفرت بیشتر مردم شده است. حرفه‌های ظریف هم با توجه به پیشنهاد فساد و تاراجگری حکومت، به نگرانی‌های مردم ایران برای بستن چنین پیمان‌هایی مهر تایید می‌گذارد.

جواد ظریف در هراس از گسترده شدن نارضایتی مردم از این عهدنامه ننگین و تبدیل آن به حرکت اعتراضی، روز چهارشنبه ۲۴ مرداد گفت: «اگر سیاست خارجی یک هدف داشته باشد، حتماً آن هدف حراست از تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال سیاسی و همین‌طور کمک به وضعیت معیشتی مردم است.» بدون شک رژیم حاکم بر ایران با تن دادن به قراردادهای این‌چنینی نمی‌تواند از سرنوشت حتمی خود که همانا سرنوشتی است جلوگیری کند و فقط یک ننگ دیگر را در کارنامه خود به ثبت می‌رساند.



## عمق دریا را بر باد دادند

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۲۸ مرداد

پخش خبر قرارداد سازمان بنادر و دریانوردی مبنی بر این که «کشتیهای چینی قرارداد رسمی اجاره بلند مدت برای ماهیگیری در عمق ۲۰۰ متری آبهای ایران در دریای عمان را دارند»، و گرد کردن این خبر از طرف یکی از پایوران حکومت و یک کارگزار دیگر سازمان بنادر و دریانوردی، بر پنهانی بودن ماهیت و چگونگی این نوع قراردادها که به منافع ملی مردم ایران ضربه وارد می‌سازد، تاکید می‌کند.

بر اساس گفته‌های معاون سازمان بنادر و دریانوردی، قرارداد رسمی بین رژیم ولایت فقیه با کشتیرانی چین بسته شده است. این قرارداد از اجاره بلند مدت عمق ۲۰۰ متر آبهای ایران به کشور چین برای صید و یا هر چه که دلش می‌خواهد، خبر می‌دهد. خبر جولان دادن کشتیهای چینی و صید ماهی در عمق آبهای ایران قبلاً به صورت غیر رسمی پخش شده بود که همواره از طرف نهادهای حکومتی تکذیب شده است.

در حالی که تمامی قراردادهای طرفهای خارجی زیر نظر مستقیم ولی فقیه و برای حفظ نظام صورت می‌گیرد، شوک تایید شدن خبر این قرارداد از طرف حکومت در پی شوک قرارداد رژیم حقوقی دریای خزر، سبب بگو مگوهای فامیلی حکومتیان و باندهای مختلف رژیم شده است. گشاده دستی حکومت چه در زمینه واردات کالاهای بنجل چینی و چه در زمینه تجارت و نفت با چین برای مقابله با تحریمهای شورای امنیت قبل از برجام و در زمان کنونی به ضرر مردم ایران است. یکی از نمونه‌های دیگر در زیر اشاره می‌شود.

بر اساس گزارشهای روزنامه‌های حکومتی، شرکت ملی نفت چین جایگزین شرکت فرانسوی توتال شده است. کنسرسیوم نفتی توتال فرانسه بعد از خروج دولت آمریکا از برجام و بازگشت سری اول تحریمها، قرارداد در فاز ۱۱ پارس جنوبی را باطل کرد.

نکته مهم این گزارش، سهم ۸۰ و یک درصدی شرکت نفتی چین در این قرارداد است. بر اساس گفته‌های مدیر سرمایه‌گذاری شرکت ملی نفت، در قرارداد با شرکت توتال، سهم توتال ۵۰ و یک درصد، چین ۳۰ درصد و پتروپارس ایران ۱۹ و ۹ درصد بود که سهم توتال فرانسه در این قرارداد به چین واگذار شده است.

## "فساد سیستمی" نام دیگر سیستم خامنه ای

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۹ مرداد

فقط چند روز پس از تلاش رهبر جمهوری اسلامی برای انکار فساد سازمان یافته در رژیم اش و کوچک و کم آزار نشان دادن آن، یک پایور ارشد حکومتی، ادعای "آقای" خود را رد و به شیوع فساد از راس "نظام" اعتراف کرد. آقای خامنه ای روز دوشنبه ۲۲ مرداد گفته بود: "برخی در خصوص فساد به گونه ای صحبت می کنند که گویا همه نظام فاسد است و ادعای فساد سیستمی و فراگیر می کنند، در حالی که اینگونه نیست." حال آقای اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهور مَلاها، در سخنانی رسوا کننده برای آقای خامنه ای، تاکید کرده است: "مُتاسفانه فساد به برخی از مسوولان بالایی کشور رسیده است."

مهمترین بخش گفته های مقام دولتی یاد شده اما لو دادن این واقعیت است که حاکمیت نه تنها بر وجود فساد حکومتی آگاهی دارد، بلکه امکان و ابزار رویارویی با آن را نیز داراست، ولی اراده و تصمیمی برای این مُهم نزد آن وجود ندارد. آقای جهانگیری توضیح داد: "در دوره ای که می شد و باید جلوی فساد را می گرفتند، نگرفتند. اگر با فساد و مسوولینی که دامن جمهوری اسلامی را به فساد آلوده کردند به موقع برخورد می شد، امروز مبارزه با فساد به دغدغه عمومی ملت تبدیل نشده بود."

اگرچه آقای جهانگیری روشن نساخته که چشم پوشی از مُعضل مورد اشاره اش از جانب چه کس یا کسانی صورت می گیرد، با این حال ناگفته پیداست که این اتهام تنها می تواند مُتوجه بالاترین مقامهای سیاستگذار و تصمیم گیرنده در جمهوری اسلامی و در صدر آنها آقای خامنه ای باشد. چنین رویکردی، برخاسته از یک ویژگی فساد سیستماتیک و نظامند، یعنی پوشش و حفاظت عالیرتبه از دستگاه ها و عناصر مُرتب در برابر افشا، پیگرد و مُجازات می باشد. بدیهی است که "مبارزه با فساد" در این چارچوب و با وجود لایه های حفاظتی پُر شماری که از "بیت رهبری" آغاز و تا فُلان پیمانکار جُزء شهرداری تکثیر گردیده، امری عقیم و نمایشی است که به طور معمول برای رسیدن به هدفهای دیگری طرح می گردد.

شاهد زنده این ادعا، خود آقای جهانگیری است که سخنان اخیرش را در پاسخ به اتهامات سوگلی پیشین "رهبر"، آقای محمود احمدی نژاد، و به قصد تسویه حساب با وی به زبان آورده است. این مسوول بلندپایه از هنگام عضویت در دولت فعلی بارها در واکنش به حمله رییس یا مقامهای دولت قبلی این انتقادات را تکرار کرده، بدون آنکه برای فساد حکومتی یا افرادی که زیر ضرب گرفته، اتفاقی بیافتد.

نُکته تازه در انتقاد پایور مزبور، اقرار به شکل گیری یک آگاهی عمومی یافته در جامعه نسبت به لفت و لیس تبهکارانه حکومت است. آقای جهانگیری این نتیجه گیری را خود کشف نکرده، بلکه مردم به جان آمده ای که ماه هاست علیه تباهی حکومت و سیه روزی ناشی از آن در سرتاسر کشور مُشت گره کرده و فریاد می زنند، تجسم هراس انگیز و نادیده نگرفتنی "دغدغه" مزبور هستند. جامعه دریافته که فساد حاکمان اصلاح شدنی نیست و تاب آن برای پرداخت هزینه این انحطاط به سر آمده است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



## شهدای فدایی در شهریور ماه



اعظم و نزهت روحی آهنگرانی به همراه پدر و برادرشان (بهرام)

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری قزلجه  
 میدانی - ایرج سپهری - علی میرشکاری -  
 محمود باباعلی - اعظم السادات روحی آهنگرانی -  
 حسن سعادت - هاشم باباعلی رحیمی - پروین  
 فاطمی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی -  
 شهریار ناهید - احسن ناهید - محمد مجیدی -  
 حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی  
 برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا  
 فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری -  
 غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه  
 بابایی - ناصر فتوتی - ناصر سلیمی - محمد

سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره (جمیله) نوری - علی رضا پناهی - قاسم معروفی - انور  
 اعظمی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس  
 الدینی - قاسم سیدباقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد (فرشاد) تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو  
 مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزل ایاق -  
 زهرا (اشرف) بهکیش - خسرو مبارکی - اکبر صمیمی - علی شیرمحمدی - عباس تهمتنی - نفیسه ناصری - محمد تقی  
 (همایون) فرومند - علیرضا یراقچی - فریدون (فرید) یزدانیان - یدالله آل کنعان - محمود خاموشیان - مریم فرشادفر -  
 نصرت الله کریمی - جواد بنی احمد - یوسف ایمانی دارستانی - نقی (امیر) طریفی دارستان - حسن جان لنگوری - صفر  
 لنگرودی - ابوبکر حمیدی - علی توکلی - کریم سعیدزاده - عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا ایروانی - مهرداد حیدری  
 فرد - احمد صادقی - یوسف کیشی زاده - محمدرضا مزیدی - محمد چشم به راه - علیرضا شاه بابائی کوتنائی -  
 حمیدرضا مالکی - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضانی - جلال فتاحی - محمدعلی  
 ابرندی - سیاوش حسنونند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران  
 رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

**NABARD - E - KHALGH**

No : 402 / 23 August 2018

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

**NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE**

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard\_khalg --- [https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)